از جان و دل بپذیریم و بدانیم که اطاعت از آنچه فرموده است موجب آسایش و خوشی زندگانی در این جهان و رستگاری در آن جهان است.

خداوند عالم ما را بفرمانبرداری احکام و اوامر خود و کسب اخلاق نیکو مکلف[۱] ساخته برای آن نیست خود سودی بَرَد بلکه برای این است که ما در این دنیا سعادتمند و در آن دنیا رستگار باشیم.

من نکردم خلق تا سودی کنم   بلکه تا بر بندگان جودی[۲] کنم

لزوم دینداری و نیکوکاری

ترا بهترین مایه[۳] دینداری است   که دین رهنمای نکوکاری است

ترا دین نماید[۴] رَه زندگی   خدای جهان را کنی بندگی

هر آنکس که باشد خرد رهبرش[۵]   نهد سر بفرمان پیغمبرش

کند از بدیها دل خویش پاک   ز دانش کند جان خود تابناک[۶]

نصیبش[۷] در این گیتی[۸] آسایش است   در آن گیتیش بهره[۹] بخشایش[۱۰] است

«یمینی شریف»

---

۱ موظف - عهده دار ۲ بخشش ۳ سرمایه ۴ نشان دهد ۵ راهنمایش ۶ روشن ۷ قسمتش ۸ جهان - دنیا ۹ سهم - قسمت - فایده ۱۰- آمرزش - عفو

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای نام تو بهترین سرآغاز[۱]   بی نام تو نامه کی کنم باز

خدا

حرکت سیّارات در آسمان و فروغ[۲] خورشید و تابش ماه و طلوع[۳] و غروب اختران[۴] درخشنده و گردش کرهٔ خاک و پیدایش روز روشن و شب تاریک و روئیدن گیاه در بهار و پژمردن آن در خزان و پیوستن و گسستن[۵] ذرّات[۶] و هرچه پیدا و ناپیدا است همه را نظم و ترتیبی معیّن و زمانی محدود و مقرّر[۷] است :

این نظم و ترتیب حیرت انگیز[۸] که هرگز کم و بیش در آن راه نمییابد دلیلی است روشن براینکه دستگاه آفرینش را پروردگاری است دانا و توانا که آنچه در این جهان است باراده[۹] و فرمان او برقرار[۱۰] یا درگذر است . هستی آفریدگان جمله از او و بازگشت هرچه هست بدو .

پروردگار مهربان ما را روان و خرد بخشیده است تا او را بشناسیم و پرستش کنیم، این همه نعمت بما ارزانی[۱۱] داشته است تا شکر نعمت او بجا بیاوریم و فرمانش را

---

۱ ابتدا - مقدمه ۲ روشنائی ۳ برآمدن ۴ ستارگان ۵ جدا شدن ۶ ذره ها - چیزهای ریز ۷ محدود و مقرر یعنی معیّن و برقرار ۸ حیرت انگیز یعنی تعجب آور ۹ میل و خواست ۱۰ پابرجا - ثابت ۱۱ ارزانی داشتن یعنی بخشیدن

کشور ایران

ایران وطن گرامی و پرافتخار ماست . اجداد ما از چندهزار سال پیش با قدرت و افتخار در این کشور زندگی کرده اند و از خود نام نیک، آوازهٔ بلند و یادگارهای عالی و ارجمند گذاشته اند .

ایران بیش از یکمیلیون و نیم کیلومتر مربع مساحت و تقریباً ۱۸ میلیون نفر جمعیت دارد . این جمعیت برای ایران خیلی کم است و باید برای ازدیاد جمعیت و جلوگیری از تلفات مردم اقدام کنیم .

ایران دارای همه نوع ثروتهای طبیعی فراوان از نباتات[۱] و حیوانات و معادن است . ما باید سرزمین خود را خوب بشناسیم تا بهتر بتوانیم برای آبادی آن بکوشیم . ما باید از چیزهای خوب و مفید همه جای ایران آگاه شویم و راه استفاده از آنها را بدانیم .

ما میتوانیم با همت و کوشش خود همه گونه محصولات صنعتی و کشاورزی را در داخل مملکت تولید کنیم تا هم احتیاجات خود را رفع[۲] نمائیم و هم مازاد[۳] آنها را بکشورهای دیگر بفرستیم . ایران از کشورهای نفت خیز[۴] درجهٔ اول جهان است و نفت ثروت گرانبهائی[۵] برای کشور میباشد .

---

(۱) گیاهان (۲) برطرف (۳) آنچه زیادی است (۴) نفت‌دار (۵) دارائی

کشاورزی ایران باید ترقی کند واز ماشینها واسباب وابزار جدید برای اصلاح و توسعهٔ زراعت استفاده شود واین کار بکومک هوش و نیروی جوانان میهن دوست انجام خواهد گرفت .

نصیحت

نصیحت بشنو ای فرزانه فرزند[1] | که با دا یارت از هر بد خداوند
ز هر پندت بود این بهره مندی[2] | که در وقت ضرورت[3] کار بندی
بگوش اکنون که در کف مایه داری | بفرق از چتر دولت سایه داری
اگر خواهی سعادت ، دانش آموز | شوی تا بر مراد خویش فیروز[4]
هوای عیش و نوش از سر بدر کن | بسنّ کودکی کسب هنر کن
گر آموزی هنر اندر جوانی | کنی در وقت پیری کامرانی
نیابد هیچکس عمر دو باره | بدانش کوش کز وی نیست چاره
نخست از کسب دانش بهره ور شو | زجهل آباد نادانان بدر شو
چو کسب علم کردی در عمل کوش | که علم بی عمل زهری است بی نوش
بود معلوم هر آزاد و بنده | که نادان مرده و داناست زنده

---

(۱) عاقل (۲) استفاده (۳) ناچاری واحتیاج (۴) غالب

اگر باشد شب تاریک اگر روز قبول رنج فرما دانش آموز

«جامی»

درس تاریخ

جانشینان حضرت رسول (ص)

بعد از رحلت[1] حضرت رسول (ص) ابوبکر خلیفه یعنی جانشین آنحضرت شد، امّا بعقیدهٔ شیعیان آنحضرت پسر عمّ و داماد خود علی بن ابیطالب علیه السّلام را بجانشینی خود برگزیده بود. در زمان ابوبکر جنگ عربها با ایرانیان شروع شد.

پس از ابوبکر عمر خلیفه شد و در زمان او سراسر ایران بدست مسلمین فتح و سلسلهٔ بزرگ پادشاهان ساسانی منقرض گردید.

بعد از عمر عثمان بخلافت رسید، در زمان خلافت او نظم و عدالتی که در اوایل ظهور اسلام وجود داشت از میان رفت و عاقبت گروهی از مسلمین بر او شوریدند و او را در سال ۳۵ هجری در مدینه کشتند.

محل خلافت ابوبکر و عمر و عثمان مدینهٔ طیّبه[2] بود.

پس از کشته شدن عثمان مسلمانان با علیؑ بیعت کردند یعنی خلافت او را پذیرفتند اما چون آنحضرت برای اجراء قوانین اسلام و برقرار کردن حق و عدالت کوشش

---

(۱) کوچ کردن - در اینجا بمعنی فوت است. (۲) پاک و پاکیزه

بسیار میفرمود، کسانیکه وجود او را مانع رسیدن بمنافع و هوای[1] نفس خود میدانستند با او دشمن شدند . بزرگترین دشمنان آنحضرت معاویه حاکم شام بود که حضرت او را از حکومت آنجا معزول کرده بود . معاویه هم باین بهانه که علیؑ اسباب قتل عثمان را فراهم کرده مردم را برضدّ آنحضرت تحریک میکرد و برای این منظور پیراهن خون آلود عثمان را در مسجد آویخت . مخالفین دیگر آنحضرت هم با یکدیگر متّحد شده و با او بجنگ پرداختند .

حضرت علیؑ در حالیکه مشغول تهیّهٔ سپاه برای سرکوبی معاویه بود در ماه رمضان سال چهلم هجرت در شهر کوفه بدست عبدالرّحمن پسر مُلجم شهید گردید و از آن ببعد دست معاویه و یارانش برای ظلم و تعدّی بمردم باز شد. مقرّ[2] خلافت علیؑ شهر کوفه بود.

ابوبکر ، عُمَر ، عثمان و علیؑ را **خلفاءِ راشدین** میخوانند .

✡ ✡

پس از شهادت حضرت علیؑ معاویه خلافت را بدست آورد و امر خلافت را که تا آنوقت بانتخاب مسلمین بود در خانوادهٔ خود ارثی و سلسلهٔ خلفاءِ بنی اُمیّه را تأسیس کرد .

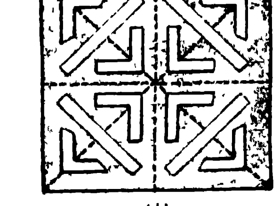
---

(۱) هَوی یعنی دلخواه (۲) جا ـ محلّ

بنی اُمیّه ظالم و بدرفتار بودند و با خاندان پیغمبر ص دشمنی داشتند . چنانکه معاویه امام حسن ع را مسموم ساخت و پسرش یزید امام حُسین ع را شهید کرد .
بنی امیّه از مسلمانانِ غیر عرب کسی را در کارها دخالت نمیدادند مخصوصاً با ایرانیان دشمنی داشتند و بآنان آزار میرساندند . بدرفتاریهای بنی امیّه باعث شد که از گوشه و کنار مردم بمخالفت برخاستند و عاقبت یک دلیر ایرانی بنام ابو مُسلم خراسانی از عدم رضایت مردم استفاده کرده آنان را بر ضد اُمویان برانگیخت . او آخرین خلیفهٔ اُموی را شکست داد ، دولت بنی اُمیّه را منقرض ساخت و بکومک او عبدالله سفّاح که از فرزندان عبّاس عمّ پیغمبر ص بود بخلافت رسید .

عبدالله و جانشینان او را خلفاء عبّاسی خوانده اند . پایتخت عبّاسیان شهر بغداد بود و معروفترین خلفاءِ عبّاسی هارون الرّشید است .

کار دستی ۱- کاغذی مربع را طبق نقطه چینهای شکل (۱) چهار تا کنید بعد مانند شکل (۲) با قیچی ببُرید و تاها را باز کنید آنوقت شکلی مانند (۱) خواهید داشت .



(۱)

(۲)

سرود دهقان

گردد زمین از رنج دهقان آباد / دهقان نترسد از مه و برف و باد

در برف و در گرمای تابستانی / آماده سازد باغی و بستانی

با بیل خود خاشاک و خس بردارد / بر گرد بستانها علف نگذارد

پاکیزه رویاند ببستان هر چیز / پاداش زحمت میبرد در پائیز
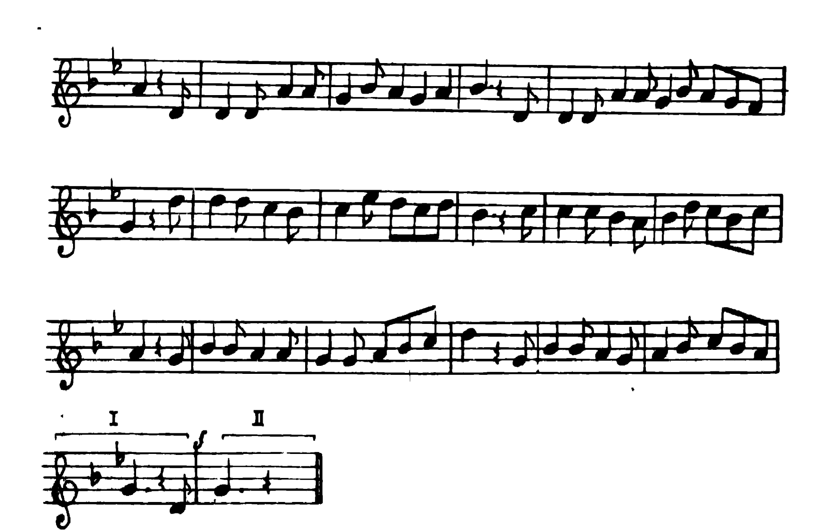
ای برزگر که بر زمین زنی شخم / وانگه بدست خود پراکنی تخم

برف دی و بهمن نگاهش دارد / ابر بهاری بر سرش ببارد

تیر آید و درو کنی بکوبی / نانها همی پزی چه نان خوبی

چون نان خویش از زحمت تو جوئیم / باید سپاس زحمت تو گوئیم

«گل گلاب»



درس علم الاشیاء

گل و میوه

در این درس میخواهیم با گل و میوه آشنا شویم. لابد خواهید گفت که ما همگی با گل و میوه آشنا هستیم. درست است، امّا شاید ندانید که گل با درگیاه است یعنی از گل میوه و از میوه گیاه میروید.

پرچم
سرتخمدان
گلبرگ
تخمدان

بیک گل سیب یا گل انار نظر کنید.

برگهای رنگین آنهارا گلبرگ میگویند.

وسط گلبرگها میله های کوچکی بشکل سنجاق می بینید که بر سر هر یک از آنها برآمدگی کوچکی وجود دارد. این میله ها را پرچم میگویند.

وسط میله های پرچم یک لوله نازک سرپهنی است که ته آن برآمدگی دارد، این برآمدگی تخمدان گل میباشد. گلبرگ و پرچم گل زود پژمرده و خشک میشود، امّا تخمدان دیر میماند و همان است که میوه میشود.

پرچمهای خشک شده را بر سر انار خوب میتوانید ببینید.

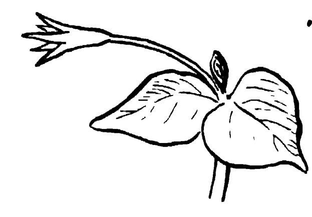
گل تمام گیاهان گلدار یکسان نیست مثلاً گندم و جو گلبرگ ندارند.

گلبرگهای لاله عباسی و اطلسی بهم چسبیده است امّا گلبرگهای آلو بالو و گل سرخ

وسیب از هم جدا است .

بعضی گیاهها مثل سیب و گلابی میوهٔ آبدار میدهند که در میان آن هسته یا دانه وجود دارد و بعضی دیگر میوهٔ خشک دارند مثل گندم و جو و برنج که ظاهراً بشکل دانه است.

هسته یا دانه را چون بکارند سبز میشود و گیاه دیگری از همان جنس میدهد و بدین جهت است که گفتیم : گل مادرِ گیاه است .



نقاشی - از روی این شکل بکشید

پند و مَثَل

۱- کافر همه را بکیش(۵) خود پندارد (بدکاران نیکان را مانند خود تصور میکنند)

۲- کسانیکه بد را پسندیده اند ندانم ز نیکی چه بد دیده اند ؟

۳ - هرکه عاقبت کار نگریست عاقبت نگَریست (هرکه پیش از شروع بکاری در عاقبت آن کار دقت کند و حساب خوب و بد آنرا بسنجد آخر کار گریه نخواهد کرد و پشیمان نخواهد شد)

۴- نابرده رنج گنج میسّر(۶) نمیشود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

---

۱ مال ۲ قوّت و قدرت ۳ سنگینی و محکمی ۴ لحظه‌ای ۵ دین ۶ فراهم - آسان

۵ - از کوزه همان برون تراود[۱] که در اوست (هرکس جنس خود را بروز میدهد)

۶ - هرچه زود برآید دیر نپاید (هرچه زود بدست آید پایدار نیست)

۷ - اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی

۸ - مشک آنست که خود ببوید نه آنکه عطّار[۲] بگوید. (خود را نستائید بگذارید دیگران شما را بستایند)

درس جغرافیا

وضع طبیعی ایران

نقشه ای که در صفحهٔ مقابل می بینید نقشهٔ ایران است بالای نقشه شمال، پائین آن جنوب، سمت راست مشرق و سمت چپ مغرب ایران است.

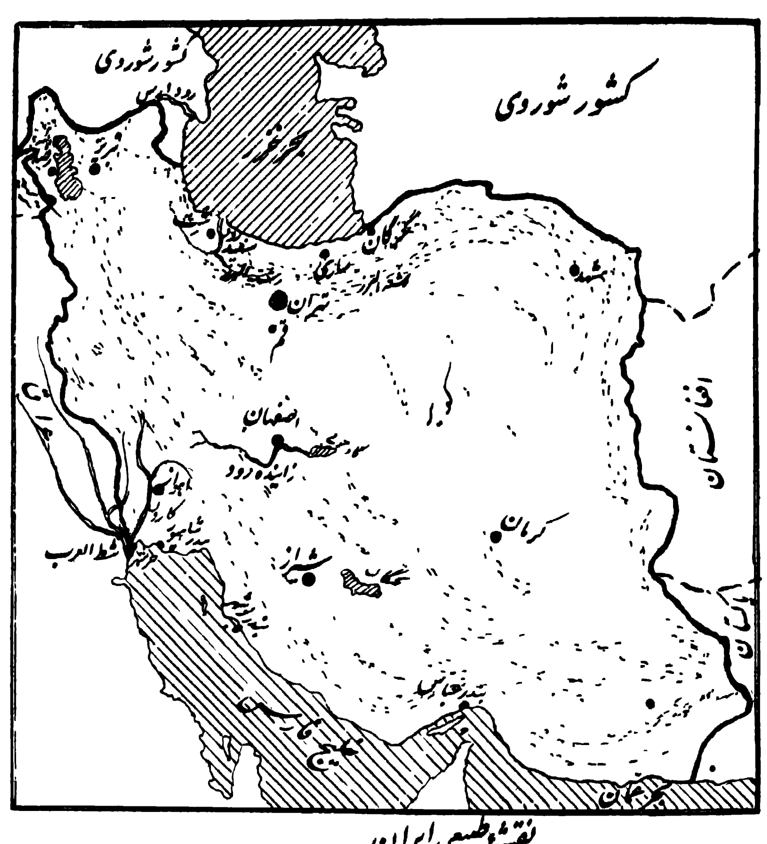
درجنوب ایران خلیج فارس و بحر عمّان واقع است که بتمام دریا های دنیا راه دارند، بنا براین کشتیهای اقیانوس پیما میتوانند ببندرهای جنوب ایران رفت و آمد کنند.

درقسمتی از شمال ایران هم دریای دیگری است که بحر خزر یا دریای مازندران نامیده میشود. بحر خزر درحقیقت دریاچه است یعنی از هیچ طرف بدریای آزاد متصل نیست امّا چون بزرگترین دریاچه های روی زمین است آنرا دریا میگویند.

درایران کوههای زیاد وجود دارد که مثل زنجیر بهم متصلند. بهمین جهت آنهارا رشته کوهها میگویند.

---

۱ تراوش کردن آب و هر مایع دیگر از ظرف ۲ عطرفروش



نقشهٔ طبیعی ایران

بزرگترین رشته کوههای ایران سلسلهٔ اَلبُرز است که در شمال کشور از مغرب بمشرق کشیده شده وبلندترین قلهٔ آن دَماوَند است که پیوسته از برف مستور[1] میباشد این قلهٔ بلند در شمال شرقی تهران واقع است واز جاهای دور مثل مازندران وکاشان دیده میشود .

بزرگترین رودهای ایران کارون میباشد که درخوزستان جاری است وپس از پیوستن بشَطّ العَرَب بخلیج فارس میریزد .

بزرگترین رود های شمال ایران سفیدرود است که درگیلان جاری است وبدریای خزر میریزد .

درمرکز ایران هم چند رود دیگر وجود دارد یکی از آنها زاینده رود درجنوب اصفهان است که بمُرداب گاوخونی میریزد .

قسمت عمده از مرکز ایران بیابان وکویر وخالی از آبادی است .

درشمال ایران که مجاور[2] دریای خزر قرار گرفته هوا مرطوب وباران زیاد میبارد این است که دراین نواحی[3] زمین از جنگل وچمن مَستور میباشد .

درمرکز ایران باران کم میآید، هوا خشک وروزها بسیار گرم میشود .

---

١ پوشیده ٢ همسایه - نزدیک ٣ ناحیه ها - قسمتها

درجنوب ایران هوا گرم و نسبةً مرطوب است امّا باران چندان نمیبارد .

درس تاریخ

ایران بعد از اسلام

بعد از انقراض سلسلهٔ ساسانی قوم عرب بر ایران دست یافت و ایرانیان که قبلاً بکیش[1] زردشت بودند، دین اسلام را قبول کردند .

در ابتدای ظهور اسلام یعنی در عصر خلفای راشدین حملهٔ عرب بر ایران بعنوان جهاد در راه خدا و بمنظور نشر تعلیمات[2] عالیهٔ قرآن مجید و دستورهای اسلامی بود ، از این رو با مردم بعدالت و مساوات[3] رفتار میشد ، عربِ مسلمان خود را با مسلمان غیرعرب برابر میدانست ، همه مسلمانان را برادر خویش میخواند و مطابق دستور قرآن مجید معتقد[4] بود که :

گرامیترین مَرُدم نزد خدا پرهیزگارترینِ آنها است .

بامر خدا باید با مردم بعدالت و نیکوکاری رفتار کرد .

هرکس جزای اعمال نیک و بد خود را خواهد دید .

در مدّت حکومت خلفاء راشدین سعی و مراقبت میشد که باین دستورهای برجستهٔ اسلامی عمل شود و فرقی میان مسلمانان گذاشته نشود . قوم نجیب ایرانی که از قدیم

---

۱ دین ۲ دستورها ۳ برابری ۴ معتقد بود یعنی باور داشت

دارای تمدن عالی بود شیفته و فریفتهٔ[6] اصول محکم و احکام صحیح دین اسلام گردید، دین تازه را قبول کرد و بآن معتقد شد.

اما همینکه حکومت اسلامی بدست اُمویان افتاد این اصول بکلّی فراموش شد و خلافت بی آلایش و زندگانی سادهٔ خلفاء راشدین بسلطنت و دنیاپرستی مُبدّل[1] گردید. حُکّام[2] و امراء[3] عرب خود را از نژادی والاتر[4] و برتر تصور کرده، بملل مسلمان غیر عرب، مخصوصاً ایرانیان، با چشم حقارت[5] مینگریستند، و دست ظلم و تعدی بمال و جان آنان دراز میکردند.

بدرفتاری امرای عرب ایرانیها را که هنوز گذشتهٔ پر افتخار خود را فراموش نکرده بودند وادار ساخت که خود را از زیر بار ظلم و بیدادگری خلفای عرب آزاد سازند و استقلال از دست رفتهٔ وطن خود را باز یابند. این عمل با سعی و کوشش عدّه‌ای از امراء و سرداران ایرانی مانند صفّاریان و سامانیان و غیره صورت گرفت که مدّتها در نقاط مختلف کشور حکومتهائی تشکیل دادند و شرح آنرا در درسهای بعد خواهیم خواند.

---

(۱) عوض (۲) حاکمان (۳) امیران (۴) بالاتر (۵) پستی و زبونی (۶) دلباخته

برای کشیدن شکل کامل (۴)، ابتدا (۱) را بکشید و بعد آنرا مثل (۲) و (۳)، کامل کنید.

درس علم الاشیاء

راه زیاد کردن گیاهان

چنانکه در درس گل و میوه دیدیم بیشتر گیاهها مانند گندم، جو، پنبه، چغندر و خربزه را بوسیلهٔ کاشتن تخم آنها زیاد میکنند.

بعضی دیگر از گیاهها، هرچند که دانه و تخم هم دارند، زیاد کردن آنها از راه دیگر آسانتر و بهتر است از این قبیل است تبریزی، بید، چنار، مو، شمعدانی و میخک که آنها را قلمه میزنند:

در اوائل بهار مثلاً یک یا چند شاخهٔ تبریزی را از یک درخت میبرند و هر شاخه را چندین قطعه میکنند و هر قطعه را که قلمه میگویند در زمین نمناک مینشانند باین ترتیب میتوان پس از چندی جنگلی از تبریزی احداث نمود و صاحب ثروت گردید.

یک وسیلهٔ دیگر برای زیاد کردن نباتات خواباندن شاخه ها است. مثلاً شاخهای از یاس را بدون آنکه از تنهٔ اصلی جدا کنند در زمین و یا یک گلدان میخوابانند روی آنرا خاک میریزند و آب میدهند، اما دقت میکنند که سر شاخه از خاک بیرون بماند. در زیر خاک کم کم از این شاخه ریشه هائی میروید. وقتی که این ریشه ها خوب نمو کرد و توانست

غذای کافی از زمین بگیرد شاخه را از تنهٔ اصلی جدا میکنند . این شاخه خود یک نهال جداگانه است و بعد درختی خواهد شد . مو و منگک را هم با این وسیله زیاد میکنند .

با خوابانیدن شاخه های زیادی و پاجوشها ، هم درخت اصلی را زیبا میکنند وهم بشمارهٔ آن شاخه ها نهال جداگانه بدست میآورند .

اندرز دهقان بفرزندان خود

برو کار میکن مگو چیست کار	که سرمایهٔ جاودانی است کار[۱]
نگر تا که دهقان دانا چه گفت	بفرزندگان چون همیخواست خفت[۲]
که میراث خود را بدارید دوست	که گنجی ز پیشینیان اندر وست
من آنرا ندانستم اندر کجاست	پژوهیدن[۳] و یافتن با شماست
چو شد مهرگان[۴] کشتگه بر کنید	همه جای آن زیر و بالا کنید
نمانید[۵] ناکنده جائی ز باغ	بگیرید از آن گنج هر جا سراغ
پدر مُرد و پوران[۶] با مید گنج	بکاویدن[۷] دشت بردند رنج

(۱) همیشگی . (۲) خوابید - خفت در اینجا یعنی مرد . (۳) طلب کردن - دنبال چیزی گشتن .

(۴) مهرماه . (۵) نگذارید (۶) پسران . (۷) کندن - گود کردن

بگاو آهن و بیل کندند زود | هم اینجا هم آنجا و هرجا که بود
قضا (۱) را در آنسال از آن خوب شخم | ز هر تخم برخاست هفتاد تخم
نشد گنج پیدا ولی رنجشان | چنان چون پدر گفت شد گنجشان

«ملک الشعراء بهار»

---

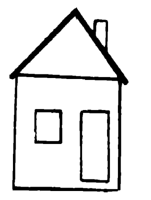
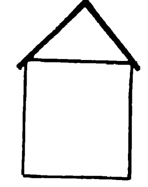
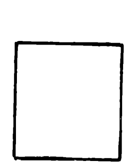
(۱) اتفاقاً .

پرسش : دهقان هنگام مرگ چه پندی بفرزندان خود داد ؟ - چگونه آنها را بکار تشویق کرد ؟ فرزندان پس از مرگ پدر چه کردند ؟ . آیا گنج را یافتند ؟ . فایدهٔ کار آنها چه شد ؟

از روی این شعر ده بار با قلم درشت و با خط خوب بنویسید :

نابرده رنج گنج میسّر نمیشود
مُزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

برای کشیدن شکل کامل یک خانه ، مثل شکل دست راست ، اوّل یک مربع مانند شکل دست چپ بکشید بعد بترتیب آنرا کامل کنید .

درس جغرافیا

استانهای ایران

برای آنکه ادارهٔ کارهای کشور آسان باشد آنرا به قسمت کرده‌اند که هر قسمت را یک استان میگویند.

هر استان را نیز بچند شهرستان و هر شهرستان را بچند بخش و هر بخش را بچند دهستان وده تقسیم نموده‌اند.

ادارهٔ امور هر استان بعهدهٔ یک استاندار و ادارهٔ امور هر شهرستان با یک فرماندار و ادارهٔ امور هر بخش با یک بخشدار است. دهدار و کدخدا متصدی امور دهستان وده هستند.

استانهای ایران از اینقرار است(*):

استان ۱ شامل گیلان، شهرستانهای قزوین، زنجان، ساوه واراک.

استان ۲ « مازندران، گرگان، تهران، قم، کاشان، سمنان، دامغان وشاهرود.

استان ۳ آذربایجان شرقی که مرکز آن تبریز است.

استان ۴ آذربایجان غربی که مرکز آن رضائیه است.

استان ۵ کردستان، کرمانشاهان و شهرستانهای همدان، ملایر، نهاوند

و تویسرکان .

استان ۶ خوزستان و لرستان .

استان ۷ فارس .

استان ۸ کرمان و بلوچستان .

استان ۹ خراسان و سیستان .

استان ۱۰ اصفهان .

(*) آموزگاران با استفاده از نقشهٔ رنگین ایران شاگردان را متوجه حدود استانها نسبت بیکدیگر نمایند وهمچنین آنان را متوجه سازند که هر استان در کجای مملکت قرار گیرد (مثلاً خوزستان در جنوب غربی ایران است) بعلاوه آنانرا وادارند که با تمرین زیاد محل شهرهای بزرگ را نسبت بیکدیگر بیان کنند مثلاً بگویند که مشهد در شمال شرقی تهران است و برای رفتن از تهران بمشهد از چه شهرهائی باید عبور کرد و یا تبریز در کدام سمت شیراز واقع شده است.

جوانمردی

یکی از صحابهٔ[۱] پیغمبر (ص) گوید که در جنگ تبوک[۲] کار بر ما زار شد، بسیاری شهید شدند و جمعی دیگر سخت مجروح در میدان جنگ افتاده بودند، آب کمیاب بود و بسا زخمیان که از تشنگی جان میدادند . مرا در این هنگام کمی

(۱) صحابه یعنی یاران و هم‌صحبتان . (۲) نام محلی است در قسمتهای شمالی عربستان که بین حضرت رسول (ص) با رومیان در آن محل جنگی روی داده است این جنگ به (غزوهٔ تبوک) مشهور است .

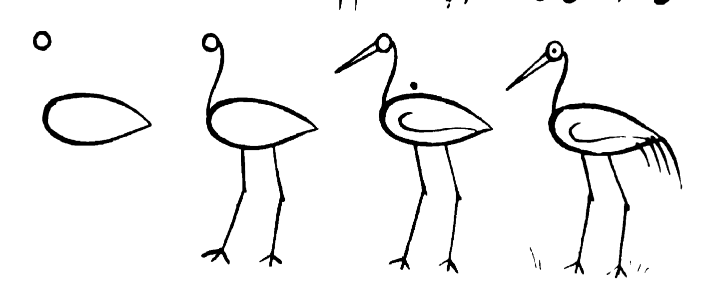
آب بدست آمد، آنرا در ظرفی برگرفتم و بکوبک زخمیان شتافتم، پسر عم خود را یافتم که وی را نفسی بیش نمانده بود. خواستم آب را بدو دهم گفت بهشام[1] ده که از من تشنه تر است. بنزدیک هشام رفتم او نیز حواله[2] بدیگری کرد که آبرا بوی ده چون بسر آن دیگری رفتم جان تسلیم کرده بود، بنزد هشام باز گشتم که آبرا باو رسانم او را نیز مرده یافتم. پس ببالین پسر عم خود شتافتم او هم وفات کرده بود و بدین ترتیب هر یک از آن سه تن جوانمرد با نهایت تشنگی دیگری را در نوشیدن آب برخویشتن مقدّم داشت تا هر سه تشنه درگذشتند

---

(۱) هشام نام یکی از یاران پیغمبر است (۲) حواله یعنی بدیگری رجوع کردن

پرسش : یاران پیغمبر ص را چه مینامند؟ زخمدار اوّل چرا آب را قبول نکرد؟ هشام که بود؟ چرا هشام آب را از دست آن یار پیغمبر نگرفت؟ کدامیک از زخمداران آب را نوشید؟ ازاین حکایت چه پندی آموختید؟ چرا عنوان حکایت را (جوانمردی) قرار داده اند؟

نقاشی - ابتدا مثل شکل دست چپ بکشید و کم کم آنرا کامل کنید تا آنکه شکل لک لک دست راست پیدا شود



درس تاریخ

صفّاریان - یعقوب لیث

کشور ایران بیش از دویست سال در تصرّف خلفای اُموی و عبّاسی بود. موقعی که خلفای عبّاسی رو بضعف وسستی گذاشتند جوانی ایرانی از مردم سیستان بنام یعقوب فرزند لَیث بفکر تجدید استقلال ایران افتاد و از آنجا بمخالفت با خلیفهٔ عبّاسی برخاست .

یعقوب در ابتدا رویگر بود اما از آنجا که طبع و همّت بلند داشت دست از آن کار برداشت و در صف سپاهیان درآمد . او مردی دلاور و زیرک و در سختیها پایدار بود، هرچه را هم بدست میآورد بدوستان خود میرساند وچون مردی کاردان و باهوش بود سپاهیان دورِ او را گرفتند ؛ یعقوب بکومک یاران جنگهای نمایانی کرد ، قسمتهای شرقی وجنوبی ایران را تصرّف نمود، آنجا را از دست خلیفهٔ عبّاسی رهائی بخشید وحکومتی مستقل تشکیل داد .

گویند وقتی یعقوب در بستر بیماری بود خلیفهٔ عبّاسی کسی را با فرمان حکومت فارس برای یعقوب نزد او فرستاد تا دیگر اقدام بجنگ نکند یعقوب دستور داد قدری پیاز و نان خشک برای فرستادهٔ خلیفه بیاورند ، بعد از آن روی بوی کرد وگفت بخلیفه بگو اگر از این بیماری نجات یافتم و زنده ماندم این شمشیر کار را

میان من و تو یکسره خواهد کرد و اگر تو غالب آمدی من با این نان و پیاز میسازم و ترک حکومت میکنم.

هنوز رسول ببغداد نرسیده بود که خبر مرگ یعقوب را شنید. یعقوب مؤسس سلسلهٔ صفاری است و صفاریان چندی در قسمتی از ایران حکومت کرده‌اند. چون پدر یعقوب رویگر بود و رویگر را بعربی صفار میگویند، بدینجهت سلسله ایرا که او تشکیل داد صفاریان خوانده‌اند.

درس دستور زبان فارسی

اسم

حسن ، تقی ، جمشید اسم اشخاص است.

شیر ، گربه ، بلبل اسم حیوانات است.

میز پنجره گل اسم چیزها است.

حالا خود شما اسم چند شخص را ببرید . . . . . .

اسم چند حیوان را ببرید . . . .

اسم چند چیز را ببرید

کلماتی مانند حسن گربه پنجره را اسم میگوئیم.

اسم کلمه ای است که با آن شخص یا حیوان یا چیزی را نام میبریم

در عبارت ذیل :

هر که علم خوانَد و عمل نکُنَد بدان مانَد که گاو رانَد و تخم نیفشانَد .

کلمات : علم ، عمل ، تخم اسم چیزها و گاو اسم حیوان است .

و همچنین در شعر ذیل :

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری

کلمات : ابر ، باد ، مه ، خورشید ، فلک ، کار ، نان ، کف ، غفلت ، اسم هستند .

تمرین - درس یعقوب لیث صفاری را بنویسید و زیر اسمهای آن خط بکشید و اسم اشخاص - جاها و چیزها را از هم جدا کنید .

کاردستی - از کاغذ مستطیلی بدرازی ۱۰ سانتیمتر و پهنای ۶ سانتیمتر ببرید . این مستطیل را از درازی سه مرتبه تا کنید ، باید مستطیلی بدرازی ۶ سانتیمتر و پهنای ۲/۱ سانتیمتر درآید ؛ روی این مستطیل شکل شکل کنار شکلی بکشید و آنرا با قیچی ببرید و تاهای کاغذ را باز کنید آنوقت شکل چهار دختر را خواهید دید که دست یکدیگر را گرفته اند .

درس علم الاشیاء

پیوند(*)

در درسهای پیش فهمیدیم که بیشتر گیاهان را بوسیلهٔ کاشتن تخم زیاد میکنند اما بعضی از آنها که بدین طریق بدست میآید یا مثل پسته اصلاً میوه نمیدهد و یا چون پرتقال دیربار میدهد و یا مانند گیلاس میوه‌ای میدهد که چندان خوب نیست، برای رفع این عیبها پیوند میزنند. پیوند بر چند قسم است که معروفتر از همه پیوند لوله‌ای، پیوند شکمی و پیوند شکافته‌ای است.

پیوند لوله‌ای: اگر بخواهیم مثلاً درخت آلوبالو را بوسیلهٔ پیوند مبدل بگیلاس کنیم، پوست قسمتی از یک شاخهٔ نازک آلوبالو را از همه طرف بر میداریم و پوست جوانه دار شاخهٔ گیلاس را که بقطر شاخهٔ آلوبالو باشد بشکل لوله جدا میکنیم. این لوله را بجای پوستی که از آلوبالو برداشتیم روی شاخهٔ آلوبالو قرار میدهیم. پس از مدتی پوست گیلاس با چوب آلوبالو جوش میخورد، جوانهٔ آن میروید و شاخه‌ای میشود. این شاخه هر چند که از ریشهٔ آلوبالو غذا میگیرد اما میوهٔ گیلاس خواهد داد.

پیوند شکمی : در پوست شاخهٔ آلوبالو شکافی باین شکل T میدهیم وقسمت کوچکی از پوست جوانه دار گیلاس را توی آن شکاف میگذاریم وروی آنرا بانخ میبندیم تا آنکه قطعهٔ پوست گیلاس کاملاً بچوب زیر پوست آلوبالو بچسبد . پس از چندی جوانهٔ گیلاس نمو میکند .

پیوند اسکنه‌ای : با این عمل میتوان مثلاً هلو را با بادام پیوند کرد : تنهٔ یک درخت بادام را که زیاد پیر نباشد از نزدیک ریشه با اره میبرند و در قسمتی که بر جای میماند با تبر شکافی میدهند . از طرف دیگر شاخه‌ای از یک درخت هلوی خوب را جدا میکنند وته آنرا از دو طرف میتراشند تا نازک شود بطوریکه پوست اصلی در یک کنار آن باقی بماند . بعد قسمت تراشیده را طوری در شکاف تنهٔ بادام قرار میدهند که پوست پیوند مجاور پوست تنه قرار بگیرد و بانخ تنه را محکم میبندند . پس از مدتی شاخهٔ هلو با تنهٔ بادام جوش میخورد . بدین ترتیب روی ریشهٔ بادام ساقهٔ هلوی خوب میروید

بهترین وقت برای پیوند لوله‌ای و شکمی موقعی است که شاخه کمی سفت باشد و پوست آن بآسانی برداشته شود. این وقت در جاهای معتدل مانند تهران و اصفهان ماه خرداد است . در پائیز هم این دو قسم پیوند را میتوان زد .
پیوند اسکنه‌ای باید موقعی زده شود که شکوفه ها میخواهند باز شوند .

(*) آموزگاران کوشش خواهند نمود که این درس با عمل توأم باشد

ورزش

ورزش بر همه مردم از کوچک و بزرگ لازم است .
چنانکه بعضی تصور کرده اند ، ورزش تنها برای جوانان سودمند نیست بلکه اطفال و پیران نیز بدان محتاجند و هر کس باید خود را بفراخور حال و سال بیک نوع ورزش عادت دهد .
ورزش در نمو بدن اطفال تأثیر بسیار دارد و پیران را قوی و سالم نگاه میدارد.
ورزش باید در هوای آزاد و فضای گشاده بعمل آید زیرا در جای سرپوشیده و محدود ناسودمند بلکه زیان آور است .
راه رفتن در هوای آزاد طبیعی‌تر و آسانترین ورزشها است .

توپ بازی و دویدن سبب تندرستی و نیرومندی است .

شناوری ماهیچه های انسان را قوی و محکم میسازد .

باغبانی بدن را سالم و دل را شاد میدارد .

بهترین ورزشها اسب سواری است که بدنرا قوی و چابک میسازد و روح را فرح[1] میبخشد . ایرانیان قدیم اسب سواریرا بسیار دوست میداشتند و بفرزندان خود این هنررا میآموختند .

گوی و چوگان بازی از ورزشهای قدیم ایرانیان است .

زنیرو بود مرد را راستی زسستی کژی زاید و کاستی

---

(۱) شادمانی

پرسش : آیا ورزش فقط برای جوانان لازمست ؟ ورزش برای اطفال و پیران چه فایده ای دارد ؟ شما کدام ورزش را دوست دارید ؟ چه بازیهائی را میدانید ؟ چه ورزشهائی میکنید ؟ شنا کردن میدانید ؟ شنا کردن برای چه خوب است ؟ ایرانیان قدیم چه ورزشهائی را دوست میداشتند ؟ آیا ورزش در گود ورزشخانه های قدیمی مفیداست یا مضر ؟ .

نقاشی - ابتدا شکل دست چپ بکشید بعد بتدریج همانرا کامل کنید .

درس جغرافیا

استان اول - گیلان

گیلان قسمتی از استان اول میباشد که در شمال کوههای البرز و جنوب دریای خزر واقع شده است .

در گیلان رود های بسیار جاری است که بزرگترین آنها سفید رود است و بحر خزر میریزد .

در گیلان تقریباً در هر سال دویست روز باران میآید و بدین سبب سرزمین گیلان سبز و خرّم میباشد .

محصولات عمدهٔ گیلان برنج ، چای ، مرکّبات ، توتون ، زیتون کنف ابریشم ، ماهی ، چوبهای جنگلی ، زغال چوب و لبنیّات است .

گیلان شامل شهرستانهای رشت ، لاهیجان ، بندر پهلوی ، فومنات و طوالش است .

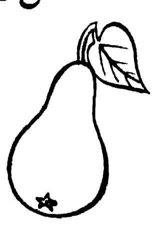
شهر رشت که از شهرهای زیبای ایران میباشد و تقریباً صد و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد مرکز گیلان است .

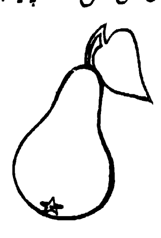
در لاهیجان چایکاری بسیار رواج دارد . بندر پهلوی که مهمترین بنادر ایران و مرکز شیلات است در کنار مردابی قرار دارد که در آنجا ماهی بسیاری صید میشود .

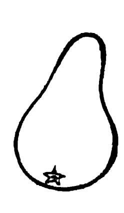
انشاء از روی تصویر - کومک دختر مهربان بمادر

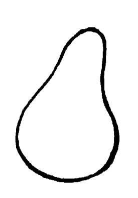
با توجه بشکل های بالا آنچه را که یک دختر مهربان، موقع ناخوشی مادرش انجام میدهد شرح دهید

نقاشی - اول مثل شکل دست چپ بکشید بعد همانرا کامل کنید تا شکل یک گلابی بشود









قاضی باتدبیر

از خانهٔ بازرگانی مال بسیاری را ربودند [۱] . بازرگان شکایت بقاضی برد .

قاضی برای یافتن دزد کوشش فراوان کرد اما چون بجائی نرسید ، بخدمتگزاران

بازرگان بدگمان شد ؛ آنانرا احضار [۲] کرد و بهریک چوبدستی داد که اندازهٔ آنها یکسان بود

وگفت فردا صبح همه با چوب خود در اینجا حاضر باشید اما اینرا هم بدانید که چوبدست آنکس که

مالرا دزدیده است بقدر یک انگشت از چوب دیگران بلندتر خواهد شد .

کسیکه مالرا دزدیده بود وقتی بخانه رسید نگران گردید و ترسید که فردا کار زشتش

فاش شود از این جهت بقدر یک انگشت از چوب خود بُرید . روز دیگر که چوبها را

نزد قاضی بردند و آنها را اندازه گرفت ، از کوتاهی یکی از چوبها دزد را شناخت ،

مال را از او گرفت و بصاحبش رد کرد و دزد رسوا را بزندان فرستاد .

---

۱ دزدیدند ۲ بحضور طلبید - نزد خود خواند .

پرسش و تمرین : چرا دزد چوب خود را کوتاه کرد ؟ اشخاص دزد و جنایتکار چرا همیشه ترسان و نگرانند ؟

این حکایت را در کلاس بفکر و بزبان خود بیان نمائید .

این جمله را پنج بار با خط خوب بنویسید :

بَدکار عاقبت رُسوا خواهد شد

درس تاریخ

سامانیان - امیر اسمعیل سامانی

امیر اسمعیل مؤسس سلسلهٔ سامانی و یکی از بزرگترین امیران این سلسله است.
امیر اسمعیل ابتدا در بخارا حکومتی مستقل برای خود تشکیل داد، کم کم قدرت زیاد تر پیدا کرد و قلمرو حکومت خود را وسعت داد تا آنکه با خاک صفّاریان همسایه گردید و با آنها بنای زد و خورد را گذاشت. اسمعیل پس از چند جنگ بر عَمرو لیث غلبه کرد و تمام خراسان و سیستان را متصرف شد.

میگویند در آخرین جنگی که بنا بود میان عمرو لیث و اسمعیل در شمال خراسان صورت گیرد، بمحض شروع جنگ اسب عمرو با آواز طبل بنشاط در آمد و او را بمیان سپاهیان اسمعیل برد و بدون آنکه جنگی صورت گیرد عَمرو گرفتار گردید.

امیر اسمعیل مردی کافی و عادل بود. او در مملکتداری مهارت داشت و در حفظ دوستی با خلفاء عباسی میکوشید، بازماندگان وی هم این شیوه را پیشهٔ خود ساختند و در نتیجه صلح و آرامش را تا اندازه ای در کشور برقرار کردند.

یکی دیگر از امیران سلسلهٔ سامانی امیر نصر است که رودکی نخستین شاعر بزرگ فارسی در زمان او میزیسته است.

اُمراءِ سامانی شعرا و نویسندگان زبان فارسی را تشویق میکردند و زبان فارسی

در زمان آنان در ماوراءالنهر (شمال خراسان فعلی) و خراسان رواج کلی یافت. یکی از نویسندگان بزرگ این دوره طبری صاحب تاریخ طبری است که آنرا بعربی نوشت و در همان دوره بدستور سامانیان بفارسی ترجمه شد.

درس علم الأشیاء

خون وگردش آن در بدن

خون در بدن گردش میکند و در همه جای آن وجود دارد، بهمین سبب هرجای بدن که بریده شود خون از آن بیرون میآید. چنانکه میدانیم غذا پس از هضم شدن بوسیلهٔ روده ها جذب میشود یعنی از روده ها وارد خون میگردد.

خون در ضمن گردش خود غذای جذب شده را بتمام اعضای بدن میرساند.

اگر خون بعضوی نرسد آن عضو بعلت بی غذائی از کار میافتد مثلاً چشم نمی بیند، گوش نمیشنود و یا دست و پا حرکت نمیکند.

خون داخل لوله هائی بنام رگ گردش میکند، خون از قلب با فشار وارد رگها میشود و پس از گردش در تمام بدن باز بقلب برمیگردد. همانقسم که در این شکل می بینید اگر یک آبدزدک لاستیکی را که از آب پر باشد فشار دهیم آب درون خود را بیرون میریزد. بعد اگر نوک آنرا در ظرف پر آب بگذاریم و بدون فشار آنرا

نگاه داریم آب را از آنظرف بداخل خود میکشد. عمل قلب مانند همان آبدزدک است
لحظه‌ای که قلب جمع میشود خون را با فشار وارد رگها میکند؛
ولحظهٔ دیگر که باز میشود خون را از رگها بدرون خود میکشاند.
قلب را دل هم میگویند، دل انسان مانند دل گوسفند مخروطی
شکل است .

قلب انسان در وسط سینه کمی بسمت چپ قرار دارد.
دو رگ بزرگ خون را از قلب بیرون میبرند و چند رگ
بزرگ خون را بقلب برمیگردانند، رگهائی که خون را از
قلب دور میکنند سرخرگ یا شریان و رگهائی که خون را بقلب
برمیگردانند، سیاهرگ یا وَرید نامیده میشوند . رگ هرچه از قلب
دورتر باشد باریکتر میشود .

در زیر پوست بَدَن و داخل عضوها
رگها بسیار و بسیار نازک میگردند ، این رگها را
ممکن است باریکتر از مو هم باشند رگهای مویین میگویند.

بایستد فوراً مرگ دست میدهد .

آموزگاران با نشاندادن شکل قلب بر روی تخته شاگردان را متوجه سازند که نوک باریک قلب سمت پائین و قسمت پهن آن سمت بالا قرار گرفته است .

درس دستور

صفت

پدر پدر پیر

فرق میان «پدر» و «پدر پیر» این است که در پدر پیر حالت پیری پدر بیان شده است .

انار انار شیرین

پنیر پنیر تازه

گربه گربهٔ سیاه

میز میز کوتاه

حالا بگوئید چه فرقی میان کلمات دست راست و کلمات دست چپ است ؟

کلمهٔ پیر صفت پدر شیرین صفت انار تازه صفت پنیر سیاه صفت گربه کوتاه صفت میز میباشد .

کلماتی که حالت و چگونگی شخص یا جانور یا چیزی را بیان کنند صفت نامیده میشوند

در جمله های :

«مرد دانا بهر کاری تواناست   صورت زشت بهتر از سیرت زشت

و نکوهیده است» کلمات دانا و توانا صفت مرد ، زشت اول صفت صورت

و زشت و نکوهیده صفت سیرت است .

همچنین در شعر :

کهن خرقهٔ خویش پیراستن   به از جامهٔ عاریت خواستن

کهن صفت خرقه و عاریت صفت جامه است

تمرین - درس کشور ایران را بنویسید و زیر کلماتیکه صفت هستند خط بکشید

محکم کاری

آهنگری در کارخانه مشغول کار بود ؛ پیشبند چرمی بگردن آویخته آستینها را بالا زده بود ، میلهٔ آهن سرخ شده ای را از کوره بیرون میآورد ، روی سندان میگذاشت و با چکش پی در پی بر آن میکوفت . آهنگر با خوشحالی و نشاط میخواست آنرا برای کسانیکه در آینده بکار خواهند برد خوب و محکم بسازد . در هر ضربه که آهنگر بر میله مینواخت صدها جرقه از میلهٔ آهن باطراف میجهید امّا از قلب گرم و پر اُمید آهنگر جرقه های نامرئی بیشتری از محبت بنوع و نیکوکاری جستن میکرد . میلهٔ آهن زیر

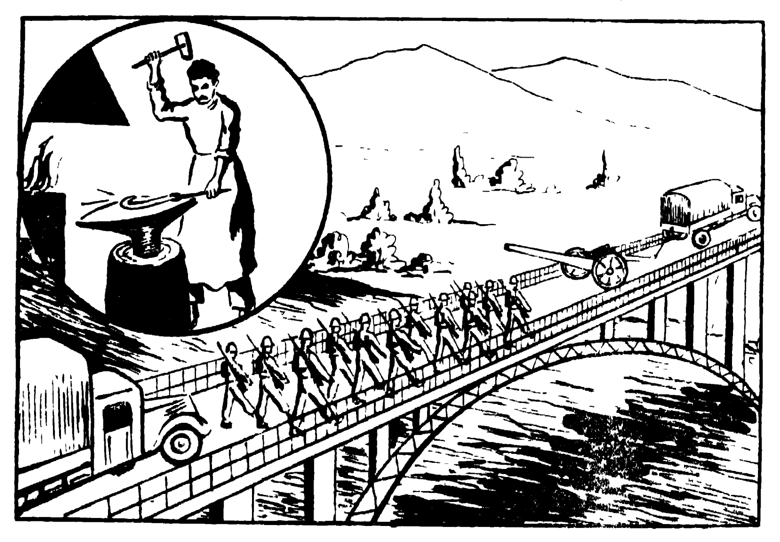
ضربتهای چکش او آراسته و صاف از کار درآمد . آهنگر کار خود را تمام شده میدانست
پس از رنج و زحمتی که تحمل کرده بود از کارخانه بیرون آمد و با خوشحالی راه خانه خود را پیش
گرفت . فردای آنروز با دقت بیشتری بمیله نظر انداخت ، در آن درز کوچکی دید؛
درز آنقدر کوچک بود که هرکس آنرا نمیدید و عیب آنرا نمیفهمید ، اما از چشم
دقیق و باریک بین آهنگر پنهان نماند . آهنگر بخود گفت «کار سست و ناقص ممکن
است باعث زیان و گاهی مرگ دیگران شود ، باید کار را محکم کرد» میله آهن را
بدست گرفت و در کوره گذاشت ، همینکه میله سرخ و نرم شد آنرا بیرون آورد
و دوباره زیر ضربه های شدید چکش قرار داد . ایندفعه میله آهن ساخته و پرداخته شد
و خوب و محکم از کار درآمد .

قضا را میله آهن بدست مهندسی رسید که آنرا در ساختن پلی بکار برد ؛ چیزی نگذشت
که دسته ای از سپاهیان از روی همان پل میگذشتند و پل زیر پایشان میلرزید :
وزن ششصد نفر سپاهی میله های آنرا خم کرده بود . درمیان میله ها فقط یکی محکم
و استوار مانده بود ، این همان میله ای بود که آهنگر نیکوکار و وظیفه شناس در
ساختن آن دقت کرده بود . اگر یک درز در آن راه یافته بود طاقت بار سنگین را
نیاورده پل میشکست و فرو میریخت و جان پرارزش ششصد نفر سپاهی که برای دفاع

وطن میرفتند از دست میرفت . امّا خوشبختانه اینطور نشد ، پُل ثابت و پایدار ماند و سپاهیان بسلامت از روی آن گذشتند .

میلۀ آهنی که مثل قلبِ سازندۀ آن محکم و بی عیب بود جان سپاهیانی را حفظ کرد که بوسیلۀ آنان کشوری از خطر نجات یافت .

پرسش : ۱- چرا آهنگر میلۀ آهنی را که خود ساخته بود نگاه کرد ؟ ۲- چرا دو مرتبه آنرا در کوره گذاشت ؟ ۳- آیا آهنگر میدانست که این میله را کجا بکار خواهند بُرد ؟ ۴- نتیجۀ محکم کاری او چه شد ؟ ۵- آیا فقط آهنگر باید محکم کاری کند ؟ ۶- چند مثال بزنید که سهل انگاری در کار باعث زیان یا خطر جانی برای دیگران باشد ۷- در بعضی کارها باید محکم کاری و دقت کرد یا در همه کارها ؟



درس جغرافیا **قزوین - زنجان - اراک - ساوه** (بقیهٔ استان اوّل)

در این شهرستانها مثل گیلان باران زیاد نمیبارد و از این رو از تمام زمینهای آنها استفاده نمیشود.

شهر قزوین که مرکز شهرستان قزوین است سر راه تهران بگیلان، آذربایجان و همدان واقع شده است.

قزوین از شهرهای قدیمی ایران میباشد و چندین بنای تاریخی دارد. محصول عمدهٔ این شهرستان گندم، جو و انگور است. حمدالله مستوفی مورخ و نویسندهٔ تاریخ گزیده از شهر قزوین برخاسته است.

شهرستان زنجان که آنرا خَمسه نیز میگویند در مغرب قزوین قرار دارد. هوای این شهرستان ییلاقی است و درخت تبریزی و باغهای میوهٔ فراوان دارد. معادن سرب و مس این شهرستان قابل توجه است.

مسجد و گنبد معروف سلطانیه که از بناهای سلطان محمّد خدابنده است در این شهرستان در کنار راه قزوین بزنجان قرار دارد.

محصول عمدهٔ شهرستان زنجان گندم و جو میباشد که غالباً بطور دیم بعمل میآید.

چاقوسازی زنجان معروف است.

اراک و ساوه دو شهرستان دیگر از استان اوّل میباشند .
فرش اراک و انار ساوه مشهور است .

قطعات حفظ کردنی

پند

بگیر ای جوان دست درویش پیر — نه خود را بیفکن که دستم بگیر
خدا را بر آن بنده بخشایش است — که خلق از وجودش در آسایش است
کسی نیک بیند بهر دو سرای(۳) — که نیکی رساند بخلق خدای

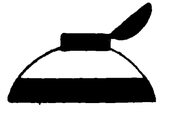
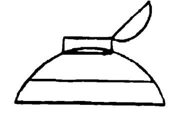
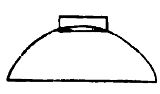
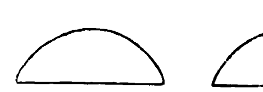
نکوکاری از مردم نیکرای(۱) — یکی را بده(۲) مینویسد خدای
تو نیز ای پسر هر کرا یک هنر — ببینی، ز ده عیبش اندر گذر

« سعدی »

---

(۱) خوش فکر (۲) در اینجا آموزگان توضیح خواهند داد که این مصراع اشاره بآیهٔ قرآن مجید است که خدا میفرماید هرکس یک کار نیک بکند ده پاداش نیک خواهد دید. (۳) سرا خانه. مراد از دو سرا دنیا و آخرت است

نقّاشی - یک شکل ساده مثل شکل دست چپ بکشید، بعد آنرا کامل کنید تا شکل یک دوات بشود .

درس تاریخ

عضدالدوله دیلمی

دیلمیان عده‌ای از سران سپاه[1] بودند که از دیلم یعنی قسمت کوهستانی گیلان برخاسته اند . دیلمیان در ایران چند سلسلهٔ سلطنتی تشکیل دادند که مشهورترین آنها سلسلهٔ آل زیار و سلسلهٔ آل بویه میباشد .

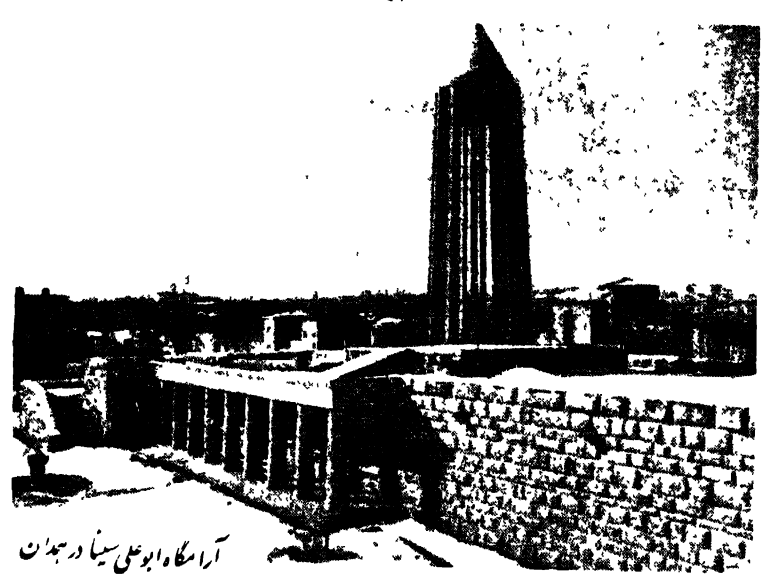
معروفترین سلاطین سلسلهٔ آل بویه عضدالدولهٔ دیلمی است که امیری دانا و خردمند بود، باهل علم احترام میگذاشت و درآباد کردن شهرها و ساختن بناهای خیر میکوشید . عضدالدوله در بغداد بیمارستانی ساخت که سالها بنام وی باقی و برقرار بود و مهمترین اثر او پل و بندی است که در فارس برروی رود خانهٔ کُر ساخته که تا امروز باقی است و یکی از بناهای تاریخی و باشکوه ایران بشمار میرود و بنام بند امیر معروف میباشد .

آل بویه بمذهب شیعه اعتقاد داشتند و در زمان ایشان علم و ادب رونق گرفت .

شیخ الرئیس ابوعلی سینا طبیب و دانشمند مشهور ایرانی مدتی وزارت یکی از پادشاهان آل بویه را در همدان بعهده داشت و در همان شهر وفات کرد بتازگی بنای باشکوهی برآرامگاه او در همدان ساخته اند .

---

[1] فرماندهان سپاه



آرامگاه ابوعلی سینا در همدان

درس علم الاشیاء

جگر سیاه و جگر سفید

دُرّه، شاگرد کلاس چهار، دختر باهوشی است و همیشه درسهائیرا که میخواند خوب میفهمد و بخاطر میسپارد. در یکی از روزهای تعطیل مادر دُرّه یک جگر سفید و یک جگر سیاه خرید و بخانه آورده بود که برای ناهار بپزد، دُرّه چون جگرها را دید بمادرش گفت:

مادرجان پارسال که من در کلاس سوم بودم روزی آموزگار یک جگر سفید گوسفند را بکلاس آورد تا عضو تنفس گوسفند را بما نشان دهد و ما آنرا بدقّت دیدیم و دانستیم که انسان هم چنان عضوی در سینه دارد که با آن نفس میکشد و آنرا ریه یا شُش میگویند.

مادرش باو آفرین خواند و گفت درست است و لابد اینرا هم فراموش

نگر ده ای که ریه دو قسمت دارد : یک قسمت در سمت راست سینه است و دیگری در طرف

چپ و هر دو قسمت بلولهٔ خرخره متصل اند.

دُرّه گفت بلی مادر جان ولی میخواستم بدانم این جگر

سیاه چیست و چه فایده دارد و آیا انسان هم جگر سیاه

دارد؟ مادرش گفت بلی دختر عزیزم انسان هم جگر سیاه

دارد که بآن کبد نیز میگویند و در پهلوی راست زیر ریه

وروی معده قرار گرفته است. یکی از فایده های کبد کومک

کردن بهضم غذا است.

اشخاصیکه کبد آنها خوب کار نمیکند بمرضهای مختلف مانند سوءهضم و زردی و کم خونی گرفتار میشوند.

آدم بیسواد کور است

طفلی با چشمان بسته از مادر بدنیا آمد. چون بسن هفت رسید از هر جهت تندرست

بود جز آنکه چشمانش هنوز بسته بود و نمیتوانست چیزی را ببیند. پدر و مادرش که پیوسته از این

بابت متأثر(۱) بودند تصمیم معالجه اش گرفتند و او را نزد چشم پزشکی حاذق(۲) بردند.

طبیب پس از معاینه(۳) آنانرا دلداری و اطمینان داد که چشمان طفل سالم است و فقط

---

(۱) غصه دار (۲) ماهر - با اطلاع (۳) وارسی - رسیدگی

پلکها بهم چسبیده است و او با یک عمل جرّاحی خواهد توانست آنها را از هم جدا و طفل را بینا سازد. سپس رو بطفل کرده گفت عزیزم برای اینکه چشمان ترا باز کنم اوّل کمی رنج خواهی برد امّا بعد تو نیز مثل ما خواهی توانست همه چیز را ببینی و چشمان تو از دیدن آفتاب و ماه و ستارگان آسمان و مشاهدهٔ[۱] گلها و درختان روی زمین و بسیاری چیزهای دیگر لذّت فراوان خواهد برد.

طفل چون از رنج و زحمت عمل میترسید زیر بار نمیرفت[۲] گریه میکرد و میل داشت همچنان چشم بسته و کور بماند و میگفت چه احتیاج دارم اشیاءِ[۳] دنیا را ببینم؟! امّا پدر و مادر که خوشبختی فرزند را در بینائی او میدانستند بگریه و زاری او توجّه نکردند و او را برای معالجه در اختیار پزشک گذاردند.

با عمل و مواظبت طبیب چشم طفل کم کم باز شد و چون توانست همه اشیا را مثل دیگران ببیند بسیار خوشحال و از پدر و مادر و پزشک بی اندازه ممنون و سپاسگزار گردید.

بچه های تنبل نیز مانند آن طفل کورند که نمیخواهند آموزگار چشم دلشان را بنور علم روشن کند و دنیای تازه ای را بآنها نشان دهد.

این بچه ها باید بدانند که شخص نادان کور است و زحمت و کوشش در راه تحصیل

---

۱ دیدن - نگریستن - تماشا کردن ۲ زیر بار نرفتن - سرپیچی کردن - اطاعت نکردن ۳ چیزها

اگرچه بنظرشان مشکل آید عاقبت(۱) موجب نیکبختی وخوشحالی آنان خواهد گردید.

---

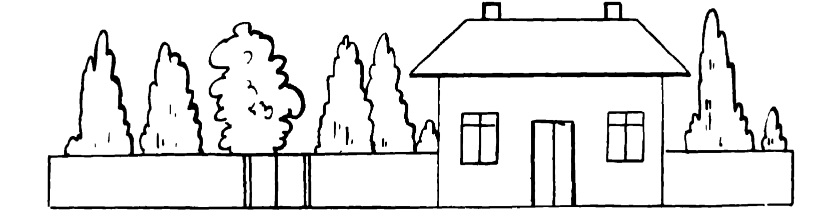
(۱) سرانجام

پرسش: چرا پدر و مادر میخواستند چشم طفل خود را باز کنند؟
چرا پدر و مادر طفل خود را بدبستان میگذارند؟ چرا طفل کور نمیخواست
چشمش را باز کنند؟ چرا شاگرد تنبل نمیخواهد درس بخواند؟ فرق باسواد
و بی سواد چیست؟ قانون تعلیمات اجباری چه فایده دارد؟

مصراع ذیل را بیست مرتبه با خط خوب و قلم درشت بنویسید

تن مُرده و جان نادان یکی است

نقاشی - از روی این شکل بکشید و چند بار پیش خود تمرین کنید تا شکل سادهٔ خانه و باغ را از و در رسم نمائید.



درس جغرافیا

مازندران

مازندران که قسمتی از استان دوّم است درمشرق گیلان وجنوب دریای خزر واقع شده و مانند گیلان حاصلخیز و پر برکت است .

رطوبت هوا و بارانِ زیاد باعث شده است که سراسرِ مازندران سبز وخرّم واز جنگل یا چمن مستور باشد .

قسمتی از کوه البرز درجنوب مازندران قرار گرفته وقلّهٔ دماوند از بیشتر شهرهای مازندران نمایان است . مازندران چندین رود خانه دارد ، بزرگترین آنها رود تجن است که ازکنار شهرساری میگذرد .

ازجنگلهای مازندران انواع چوبهای محکم بدست میآورند که برای مصرف صنعتی بسیار نقاط میبرند .

درچمنزارهای مازندران پرورش گاو رواج دارد ، برنج وکنف وپنبه ومرکبات از محصولات عمدهٔ کشاورزی مازندران است .

پارچه های نخی که درکارخانجات بزرگ پارچه بافی شهرهای مازندران (شاهی و بهشهر) بافته میشود مشهوراست ودرسراسرکشور مصرف میرسد .

درجنوب مازندران، در دامنهٔ کوه البرز معادن بزرگ زغال سنگ مثل معدن زیرآب

وجود دارد .

شهرساری مرکز استان مازندران واز شهرهای قدیمی ایران است .

بابل که سابقاً بارفروش نامیده میشد بزرگترین وآبادترین شهرهای مازندران است

بندر زیبای بابلسر در شمال شهر بابل واقع شده واز تفریحگاههای خوب مازندران

ویکی از مراکز شیلات بحر خزر است .

شیر و موش

بود شیری ببیشه ای خفته — موشکی کرد خوابش آشفته[۱]

آنقدر گوش شیر گاز گرفت — گه رها کرد و گاه باز گرفت

تا که از خواب شیر شد بیدار — متغیر[۲] ز موش بد رفتار

دست برد و گرفت کلهٔ موش — شد گرفتار ، موش بازیگوش

خواست در زیر پنجه له کندش — بهوا برده بر زمین زندش

گفت کای[۷] موش لوس یک غازی[۳] — با دم شیر میکنی بازی؟

موش بیچاره در هراس[۴] افتاد — گریه کرد و بالتماس[۵] افتاد

که تو شاه وحوشی[۶] و من موش — موش هیچ است پیش شاه وحوش

۱ پریشان ۲ غضبناک ۳ غاز در قدیم پولی بوده برابر ۱/۲ شاهی این جا یعنی بی ارزش است ۴ ترس ۵ درخواست ۶ درندگان وجانوران کوهی وبیابانی . ۷ که ای

تو بزرگی و من خطا کارم — از تو امید مغفرت[1] دارم
شیر ازین لابه[2] رحم حاصل کرد — پنجه واکرد و موش را ول کرد

اتفاقاً سه چار روز دگر — شیر را آمد این بلا بر سر
از پی صید گرگ یک صیاد[3] — در همان حول[4] و حوش دام نهاد
دام صیاد گیر شیر افتاد — عوض گرگ شیر گیر افتاد
موش چون حال شیر را دریافت — از برای خلاص او بشتافت
بندها را جوید با دندان — تا که در برد شیر از آنجا جان

هر کسی نیک کرد یا بد کرد — بد بخود کرد و نیک با خود کرد
شیر چون موش را رهائی داد — خود رها شد ز پنجهٔ صیاد

(ایرج میرزا)

---

۱ آمرزش و گذشت ۲ گریه و زاری ۳ شکارچی ۴ دور و بر - اطراف .

پرسش - چگونه موش خواب شیر را آشفته کرد ؟ شیر با او چه کرد و چه گفت ؟ موش چرا در هراس افتاد ؟ بشیر چه گفت ؟ شیر چگونه بدام افتاد ؟ که او را نجات داد ؟ نتیجهٔ این حکایت چیست ؟

این اصطلاح را یاد بگیرید « نباید با دم شیر بازی کرد »

دانش

سرود

گر دل[۱] نهی ای پسر بدین پند — از پند پدر شوی برومند

غافل منشین نه وقت بازی است — وقت هنر است و سرفرازی است

دانش طلب و بزرگی آموز — تا به نگرند روزت از روز

میکوش بهر ورق که خوانی — تا معنی آن تمام دانی

هر چیز که دل بدان گراید[۲] — گر جهد[۳] کنی بدست آید

گفتن ز من از تو کار بستن — بیکار نمیتوان نشستن

کم گوی و گزیده[۴] گوی چون دُر[۵] — تا ز اندک تو جهان شود پُر

لاف[۶] از سخن چو دُر توان زد — آن خشت بود که پُر توان زد

با آنکه سخن بلطف[۷] آب است — کم گفتن آن سخن صواب[۸] است
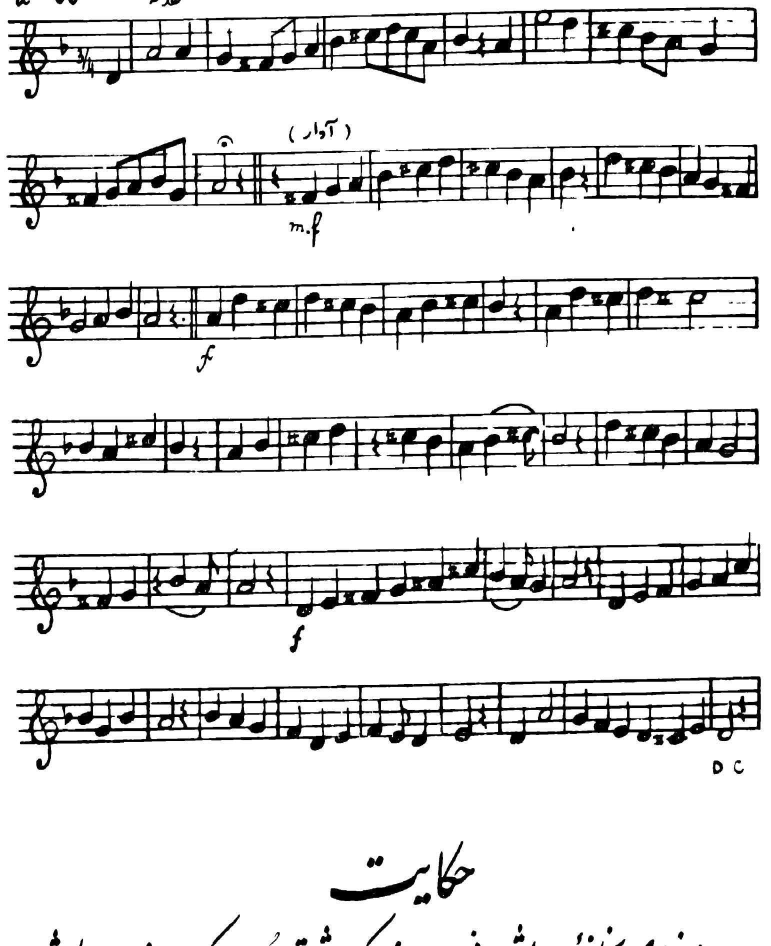
چون شیر بخود سپه شکن باش — فرزند خصال[۹] خویشتن باش

آنجا که بزرگ بایدت بود — فرزندی من ندارت سود[۱۰]

گفتن ز من از تو کار بستن — بیکار نمیتوان نشستن

---

۱ توجه کنی - بکار بندی ۲ میل کند ۳ کوشش ۴ خوب و گلچین ۵ سنگ قیمتی ۶ لاف زدن یعنی بخود بالیدن ۷ پاکی و پاکیزگی ۸ درست و بجا ۹ خصلتها، صفتها ۱۰ فایده



حکایت

دزدی بخانهٔ درویشی رفت چندانکه بیشتر جُست کمتر یافت . درویش بیدار بود آواز برداشت که من روز روشن در اینجا هیچ نیابم ، تو در شب تاریک چه خواهی یافت ؟ «قاآنی»

درس تاریخ

سُلطان محمُود غزنوی

سلطان محمود پسر سبکتکین بزرگترین پادشاه سلسلهٔ غزنوی است . چون پایتخت پادشاهان این سلسله شهر غَزْنَه یا غزنین در افغانستان بوده باین جهت آنها را سلسلهٔ غزنوی یا غزنویان نامیده اند .

سلطان محمود سلسلهٔ سامانیان را برانداخت[1] و ماوراءالنّهر[2] و خراسان را گرفت .

در زمان او کشور ایران وسعت بسیار پیدا کرد .

این پادشاه بقصد جهاد یعنی نشر مذهب اسلام چند بار بهندوستان لشکر کشید . سلاطین و امراء آنسرزمین را مغلوب کرد و بهر جا که میرسید بتکده ها را خراب و بتها را سرنگون میساخت . بتکدهٔ سومنات از معروفترین بتخانه هائی بود که در این لشکرکشیها خراب گردید و سلطان محمود از آنجا زر[3] و جواهر بسیار بایران آورد .

سلطان محمود در اواخر عمر بری لشکر کشید ، آنجا را از دست سلاطین آل بویه خارج کرد و ضمیمهٔ قلمرو حکومت خود ساخت .

این پادشاه زبان فارسی را در هندوستان رواج داد .

محمود پادشاهی علم دوست و ادب پرور بود ، دربار او مجمع[4] بسیاری از

---

۱ منقرض کرد ۲ یعنی آنطرف رود جیحون ، قسمتی از ترکستان فعلی که در شمال شرقی خراسان واقع است ۳ طلا
۴ محل اجتماع

بزرگان شعرای فارسی زبان بوده است که پادشاه آنانرا تشویق و نوازش میکرد.
معروفترین شعراء زمان سلطان محمود استاد بزرگ سخن حکیم ابوالقاسم فردوسی است
که تقریباً در هزار سال قبل میزیسته و کتاب معروف شاهنامه را بنام آن
سلطان بنظم درآورده است . این شعر مشهور از آن سخندان نامی است :

توانا بود هرکه دانا بود   بدانش دل پیر برنا بود

درس علم الاشیاء

عضلات واستخوانهای بدن

همه دیده ایم که قصاب چگونه گوشت را از استخوان جدا میکند . گوشت عضله یا ماهیچهٔ گوسفند است .

انسان هم مثل گوسفند عضله واستخوان دارد. استخوانها قسمتهای نرم بدن را نگاه میدارند و بواسطهٔ آنها بدن برپا است .

عضله
استخوان
بند یا مفصل آرنج

استخوان بندی از قطعه استخوانهای جداگانه تشکیل شده که بوسیلهٔ بندها یا مفصلها بهم متصل اند.
عضلات باستخوانها چسبیده اند و با باز و بسته شدن آنها قطعات استخوانها و در نتیجه بدن بحرکت درمیآید(*)

---

* آموزگاران با باز کردن و بستن دست و پا استخوانها و بندها و ماهیچه ها را نشان دهند .

بعضی استخوانهای بدن انسان پهن و نازک است مثل کاسهٔ سر که از چند استخوان نازک و پهن که بهم چسبیده اند درست شده است.

بعضی دیگر دراز و لوله ای شکل است مثل استخوانهای دست و پا

استخوانهای کوتاه و کوچک هم در بدن پیدا میشود مانند مهره های تیرهٔ پشت که آنرا ستون فقرات هم میگویند .

استخوانهای سینه را قفسهٔ سینه میگویند.

قفسهٔ سینهٔ انسان از دوازده جفت دنده ترکیب یافته که ده جفت آنها از جلو باستخوان وسط سینه و از پشت بمهره های ستون فقرات چسبیده اند و دو جفت آنها از جلو آزاد و فقط از عقب بستون فقرات متصّل اند . درون قفسه ریه ها و قلب جا دارند .

استخوانهای دست از استخوانهای بازو ، ساعد، مچ ، کف و انگشتان دست و استخوانهای پا از استخوانهای ران ، زانو ، ساق ، مچ ، کف و انگشتان پا تشکیل یافته اند .

درس دستور

فعل

حسن و پرویز با هم صحبت میکردند . ضمن صحبت حسن گفت : گنجشک من
..... و ساکت ماند . پرویز باو گفت چرا حرف خود را تمام نکردی ؟
گنجشک تو چه کار کرد ؟ چه شد ؟ چگونه است ؟ حسن جواب داد گنجشک من
پرید پرویز گفت حالا فهمیدم چه میخواستی بگوئی .

پرید فعل است . فعل کلمه ای است که کردن کاری را میرساند و هرگاه عبارتی
بدون فعل باشد آن عبارت معنی تمام ندارد .

اگر بگوئیم : احمد سیب را ..... پرویز . برادرم عبارتی نگفته ایم
که معنی تمام داشته باشد .

امّا اگر بگوئیم : احمد سیب را خورد . پرویز خندید . برادرم آمد . عبارتهائی
گفته ایم که معنی تمام دارند .

چند کلمهٔ پی در پی که از آنها یک معنی تمام فهمیده شود یک جمله نامیده میشود.

در جمله های بالا : خورد ، خندید و آمد فعلند و سبب شده اند که آن
جمله ها معنی تمام داشته باشند .

عبارتهای دیوار خراب . رضا مریض هم معنی تمام ندارد.

امّا اگر بگوئیم دیوار خراب شد و یا رضا مریض است معنی جمله ها تمام میشود.

شُد و است نیز فعلند.

فعل کلمه ای است که کردن کاری یا شدن و یا بودن بر حالتی را برساند

در جمله های «جمشید آمد ، پدر کتاب خرید ، اسب دوید» آمد

خرید دوید فعل هستند و نشان میدهند که کاری صورت گرفته است.

در جمله های : جمشید ناخوش شد . انار پروین سرخ است ، شد و است

فعل هستند و حالتی را نشان میدهند.

تمرین : عبارتهای ذیل را بنویسید و زیر فعلها را خط بکشید :

آب را گِل آلود کرد تا ماهی بگیرد ، جمشید ناخوش شد ، زمین گرد است

تکلیف : حکایت صفحهٔ ۵۲ را بنویسید و زیر فعلها را خط بکشید و بگوئید

کدام فعل انجام کار را میرساند و کدام فعل شدن یا بودن را نشان میدهد.

تمرین : دو شعر زیر را از بر کنید ، فعلهای آنرا بگوئید.

ایکه دستت میرسد کاری بکن　　　پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

اندک اندک بهم شود بسیار　　　دانه دانه است غلّه در انبار

درس جغرافیا

پایتخت ایران - تهران

تهران شهر وسیع و زیبا و پرجمعیتی است واقع در استان دوّم و در جنوب رشته کوه البرز . قلّهٔ زیبا و پربرف دماوند که بلندترین قلّه های البرز است در دوازده فرسخی شمال شرقی تهران قرار دارد .

تهران پایتخت ایران یعنی مقرّ پادشاه و هیئت وزیران و مجلس شورای ملّی است. دیوان کشور، بالاترین مرجع دادگستری، در تهران است .

این شهر بزرگ و زیبا تا یکصد و هفتاد سال پیش یعنی تا حدود سال ۱۲۰۰ هجری قمری دهکده ای بیش نبود ، در آن تاریخ آقا محمّد خان مؤسّس سلسلهٔ قاجار آنجا را پایتخت قرار داد و از آن بعد با استعداد طبیعی که داشت بسرعت رو بترقّی گذاشت و روز بروز بر وسعت و جمعیّت آن افزوده شد تا امروز که بزرگترین شهرهای ایران گردیده است و قریب یک میلیون نفر جمعیّت دارد .

تهران یکی از مراکز صنعتی ایران است ، کارخانجات قندسازی ، سیمانسازی شیشه سازی وغیره دراطراف این شهر کار میکنند .

دراطراف تهران جلگه های وسیع و حاصلخیزی مانند ورامین و شهریار وجود دارد .

تهران بزرگترین مرکز فرهنگی کشور و دارای دبستانها و دبیرستانهای متعدّد

و یک دانشگاه بزرگ است .

ری که از شهرهای قدیمی ایران بوده است خرابه های آن در جنوب تهران، نزدیک بقعهٔ حضرت عبدالعظیم علیه السّلام هنوز باقی است . از این شهر دانشمندان بزرگ از قبیل محمّد زکریای رازی طبیب مشهور برخاسته اند .

تجریش که در شمال تهران واقع شده مرکز شمیرانات و محلّی ییلاقی است .

کرج یکی دیگر از توابع تهران است که دانشکدهٔ کشاورزی آن شهرت دارد .

انشاء از روی تصویر - پسر نیکوکار



سرگذشت یک پسر نیکوکار از وقتی که پول توجیبی از مادر خود میگیرد تا رسیدن بدبستان

درس تاریخ

سلجوقیان

سلجوقیان قومی بودند که در زمان حکومت سلطان محمود غزنوی بشهرهای
خراسان حمله میکردند . تا وقتیکه سلطان محمود زنده بود بواسطهٔ قدرت او قوم
مزبور کاری از پیش نبردند اما همینکه او مُرد سلجوقیان بر خراسان تاختند ،
نخست بر آنجا و بعد بتدریج بر تمام ایران مسلّط شدند و سلسله‌ای از پادشاهان
ایران را تشکیل دادند . چون یکی از اجداد آنان سلجوق نام داشت بدین سبب
سلسلهٔ مزبور بنام سلجوقیان معروف گردید .

یکی از پادشاهان مشهور این سلسله اَلْب ارسلان است . این پادشاه براهنمائی
وزیر نامی خود خواجه نظام الملک طوسی بر شهرت و اعتبار دولت سلجوقی افزود
پس از الب ارسلان سلطنت بپسرش جلال الدّین ملکشاه رسید . وی بزرگترین
پادشاهان سلسلهٔ سلجوقی است .

خواجه نظام الملک طوسی سمت وزارت ملکشاه را نیز داشت و شهرت این
پادشاه بیشتر بواسطهٔ کاردانی آن وزیر باتدبیر بود .

در زمان ملکشاه بر وسعت خاک ایران بسیار افزوده شد .

خواجه نظام الملک در غالب شهرهای ایران مدارسی برپا ساخت که آنها را

نظامیّه میگفتند ، از همه معروفتر نظامیّهٔ شهر بغداد است بسیاری از دانشمندان بزرگ اسلامی در این مدرسه تحصیل و یا در آنجا تدریس کرده اند .

در زمان ملکشاه مردم در آسایش و راحت بسر میبردند و علم و ادب ترقّی بسیار کرد .

عمر خیّام نیشابوری حکیم و شاعر نامی ایران در زمان ملکشاه سلجوقی میزیسته است.

درس علم الاشیاء

اعصاب و حواسّ پنجگانه

یکی از دستگاههای بدن انسان دستگاه اعصاب است . عصبها یا پیها رشته هائی است که از مغز سر یا از مغز حرام شروع و در تمام بدن پراکنده میشود . دستگاه عصبی از مغز و مغز حرام و رشته های اعصاب تشکیل میگردد . مغز یا مُخ که مرکز بیشتر عصبهای بدن است درون کاسهٔ سر جای دارد .

مغز حرام انسان هم مانند مغز حرام گوسفند درمیان استخوانهای تیرهٔ پشت یا ستون فقرات

قرار گرفته است .

اعصاب بدن بر دو قسمند : بوسیلهٔ بعضی میتوانیم حس کنیم و با بعضی دیگر فرمان حرکت باعضاء بدن میدهیم .

در بدن پانج حسّ وجود دارد که آنها را حواس پنجگانه نیز میگویند از این قرار : باصره یا حسّ دیدن ، سامعه یا حسّ شنیدن ، شامّه یا حسّ بوئیدن ، ذائقه یا حسّ چشیدن و لامسه که با آن زبری و نرمی یا سردی و گرمی و بعضی از حالتهای دیگر چیزها را حسّ میکنیم . عضو این حسّ پوست بدن و مخصوصاً سر انگشتان است .

پند و امثال *

در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سفید است .

جائی که نمک خوری نمکدان مشکن (از هر کس نیکی دیدی با و بدی مکن)

مرد آنست که لب بندد و بازوی گشاید (مرد کسی است که بجای حرف زدن بعمل پردازد)

بزرگی سراسر بگفتار نیست دو صد گفته چون نیم کردار نیست .

چراغ دروغ بیفروغ است (دروغگوئی باعث بی آبروئی است)

حفظ بدن واجب است حفظ وطن از آن واجبتر .

حرف حقّ تلخ است .

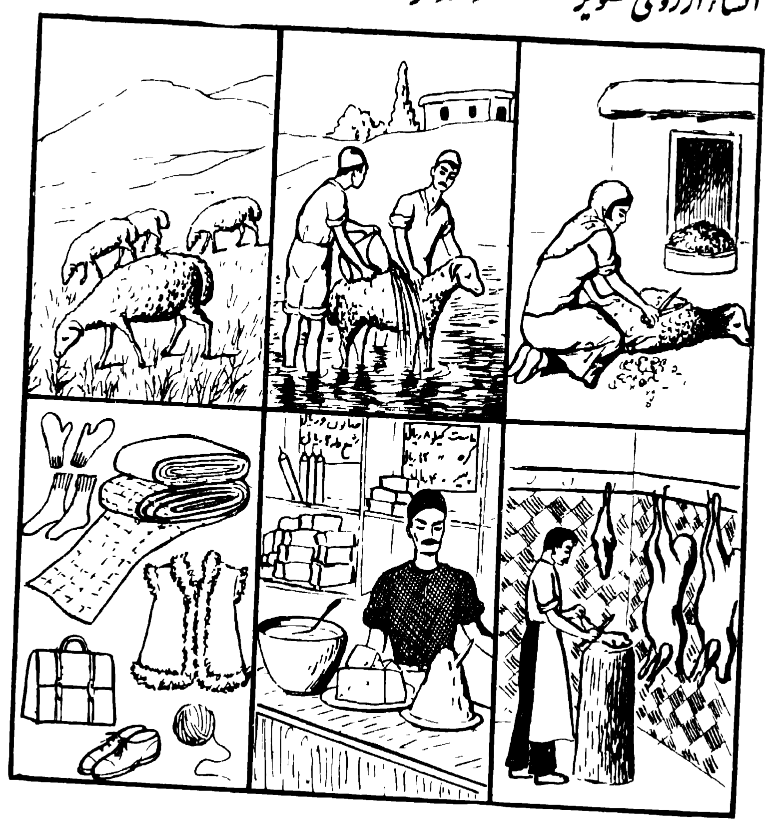
مهر محکم شود ز خوشخوئی　　　دوستی کم کند ترشروئی

هر که تنها بقاضی رفت راضی برمیگردد .

---

* آموزگاران سعی کنند که اطفال پندها را حفظ کنند و معانی آنها را از خود بگویند و هر یک از آنها را در یک حکایت مناسب جای دهند .

انشاء از روی تصویر — فوائد گوسفند



آنچه را که از هر شکل میفهمید شرح دهید

درس جغرافیا

قم و کاشان

این دو شهرستان میان تهران و اصفهان قرار دارند . کوههای کرکس در جنوب کاشان واقع و قسمتی از زمینهای قم و کاشان شوره زار و کویر است .

آب و هوای نواحی کوهستانی اطراف قم و کاشان معتدل و ییلاقی است ، امّا آبادیهای نزدیک کویر هوای خشک و تابستان بسیار گرم دارد.

شهر قم که از شهرهای قدیم ایران است بواسطهٔ واقع شدن سر راه تهران - کاشان - اراک - اصفهان و شهرهای جنوبی ایران دارای موقعیت خاصی است امّا بیشتر اهمیت قم از لحاظ مذهبی است ، زیرا مدفن حضرت معصومه سلام الله علیها خواهر حضرت رضا علیهَ السلام است و هر سال جمع کثیری از نقاط مختلف بزیارت آن میروند .

راه آهن سرتاسری ایران از این شهر میگذرد .

کاشان از قدیم یکی از شهرهای صنعتی ایران بوده قالی بافی ، مخمل بافی ، زری بافی ، کاشی سازی و مسگری آن شهرتی بسزا داشته است .

در کاشان بناهای تاریخی بسیار وجود دارد . فضلائی مانند ملاّ محسن فیض وبابا افضل وشعرائی مانند محتشم و ملک الشّعراء صبا از این شهر برخاسته اند. باغ زیبای فین که از بناهای دورهٔ صفویّه است در جنوب کاشان واقع است. از توابع کاشان یکی نطنز است که گلابی آن مشهور و دیگر قمصر که گلِ سُرخ وگلاب آن معروف است .

پاداش نیکوکاری

یکی در بیابان سگی تشنه یافت — بُرون[1] از رمق[2] در حیاتش[3] نیافت

کُلَه[4] دَلو کرد آن پسندیده کیش[5] — چو حَبل[6] اندر آن بست[7] دستار[8] خویش

بخدمت میان بَست[9] و بازو گشاد — سگ ناتوان را دَمی[10] آب داد

خبر داد پیغمبر از حال مرد — که داوَر[11] گناهان او عفو[12] کرد

تو با خلق نیکی کن ای نیکبخت — که فردا نگیرد خدا بر تو سخت

---

۱ برون بجای بیرون - اینجا بمعنی بجز است ۲ باقیماندهٔ جان ۳ - زندگی ۴ کلاه ۵ عقیده ، مذهب ۶ مانند ۷ ریسمان ۸ شال - عمامه ۹ کمر بست (تصمیم گرفت) ۱۰ جرعه ای ۱۱ خدا ۱۲ بخشش

این حکایت را بزبان خود در کلاس بیان کنید

تکلیف : شعرهای بالا را یکمرتبه بنویسید زیر اسمها یک خط ، زیر صفتها دو خط و زیر فعلها سه خط بکشید . **انشاء :** حکایت بالا را با فکر خود بنثر بنویسید .

درس تاریخ

خوارزمشاهیان

پادشاهان سلجوقی برای ادارهٔ قسمتهای مختلف کشور امیران بزرگ یا شاهزادگان را مأمور میکردند .

یکی از این امیران که مأمور حکومت خوارزم در شمال خراسان شد، و بهمین جهت لقب خوارزمشاه یافته بود، کم کم قدرتی پیدا کرد و برای خود سلطنتی تشکیل داد و سلطنت را در خانوادهٔ خود موروثی ساخت .

از پادشاهان معروف خوارزمشاهی سلطان محمّد است که درزمان او قلمرو حکومت خوارزمشاهیان وسعت پیدا کرد و از حدود چین تا نزدیکی بغداد رسید .

درزمان این پادشاه قوم وحشی و خونخوار مُغول بسرکردگی چنگیزخان بخاک ایران هجوم آوردند . محمّد خوارزمشاه از عهدهٔ جلوگیری آنان برنیامد، مغولها بر خراسان و دیگر شهرهای ایران دست یافتند .

خوارزمشاه چون تاب جنگ آن قوم را نداشت پیوسته از شهری بشهر دیگر میگریخت و مغولان از پی او میشتافتند تا عاقبت بجزیره ای از دریای خزر پناه برد و درآنجا بخواری مُرد .

محمّد خوارزمشاه پسری دلاور و باهمت بنام سلطان جلال الدّین داشت . وی

سپاهیان پراکندهٔ ایران را جمع کرد و بجنگ مغولان شتافت و چندین بار آنها را شکست داد اما چون لشگرش کم بود کاری از پیش نبرد و بهندوستان گریخت، پس از چندی با یران بازگشت و در جنگ با مغولان هنرنمائی و دلاوری بسیار کرد، لیکن عاقبت مغلوب گردید

درس علم الاشیاء

باصره یا حس بینائی

عضو حس بینائی چشم است . بوسیلهٔ این عضو اشیاء را می بینیم و رنگ آنها را تمیز میدهیم .

چشم عضوی است بسیار ظریف ، بدین سبب آفریدگار حکیم استخوان پیشانی را سپر و ابروها را سایه بان و پلکها و مژه ها را روپوش آن قرار داده است تا از برخورد چیزهای سخت و آسیب آن دیدن از تابش خورشید و گرد و غبار محفوظ بماند .

چشم درون استخوانی گود بنام کاسهٔ[*] چشم جا دارد و در آن حرکت میکند .

چشم کروی شکل است اما فقط قسمت بیرونی آن که میان پلکها قرار دارد نمایان است .

---

* کاسهٔ چشم را استخوان حدقه هم میگویند .

بعضی اشخاص بظاهر چشم سالم دارند اما بینائی آنان خوب و کامل نیست. مثلاً بعضی شاگردان از ته کلاس آنچه روی تخته نوشته شده نمی بینند و یا هنگام خواندن باید کتاب و کاغذ را نزدیک بچشم خود بیاورند. اینگونه اشخاص نزدیک بین هستند. بعضی دیگر برعکس از نزدیک خوب نمی بینند و هنگام خواندن چشم آنها زود خسته میشود و یا سرشان درد میگیرد. اینان دوربین هستند. وقتی که چنین نقصها در چشم وجود داشته باشد باید بچشم پزشک مراجعه کرد و بدستور او عینک گذاشت تا بتوان خوب دید و در زحمت نبود.

گرگان و شهرستانهای دیگر استان دوّم

درس جغرافیا

گرگان دشت پهناوری است در مشرق مازندران و جنوب شرقی دریای خزر دو رود گرگان و اترک از آن میگذرد. قسمتی از رود اترک در مرز ایران و شوروی قرار دارد. گرگان یکی از نواحی حاصلخیز کشور ما است، انواع محصولات کشاورزی از آنجا بدست میآید؛ گندم، پنبه و توتون مهمترین محصولات زراعتی این دشت میباشد مرتعهای وسیع آن نیز معروف است.

قسمتی از دشت گرگان محلّ سکونت ایل ترکمن است که در تربیت اسبهای تیزرو مهارت دارند، اسبهای ترکمن یکی از نژادهای خوب اسبهای دنیا است

مرکز فرمانداری گرگان شهر گرگان است که سابقاً آنرا استرآباد میگفتند . این شهر یکی از شهرهای قدیمی و زمانی پایتخت سلاطین آل زیار بوده است که مدتها در مقابل دشمنهای خارجی ایران مردانه میجنگیدند .

بنای زیبا و باعظمت گنبد قابوس بوسیلهٔ یکی از سلاطین این سلسله بنام قابوس وشمگیر ساخته شده است .

یکی از بندرهای شهرستان گرگان درکنار دریای خزر بندرشاه است که در انتهای خط آهن تهران مازندران واقع شده .

از شهرستانهای دیگر استان دوم سمنان و دامغان و شاهرود میباشند که در جنوب رشتهٔ البرز سر راه تهران مشهد واقع شده اند . در اطراف سمنان معادن آهن و گوگرد زیاد است .

دامغان از شهرهای قدیمی ایران میباشد ، شهر صددروازه ، پایتخت قدیم اشکانیان نزدیک این شهر بوده است .

در نزدیکی شاهرود بخش بسطام قرار دارد که مدفن بایزید بسطامی زاهد و خداپرست نامی میباشد .

درس تاریخ

اَتابکان

پیش از این، در درس تاریخ، گفتیم که پادشاهان سلجوقی برای اداره کردن قسمتهای مختلف کشور شاهزادگان را نیز مأمور میکردند. چون غالب این شاهزادگان خُردسال بودند همراه هر یک از آنان بزرگی را میفرستادند که باو اَتابک (یعنی پدربزرگ) میگفتند و ادارهٔ امور عملاً در دست این اتابک بود. موقعیکه سلجوقیان ضعیف شدند اتابکان بتدریج قدرت پیدا کردند و در چند ناحیه مثل آذربایجان و فارس سلسله هائی تشکیل دادند که باتابکان آذربایجان و اتابکان فارس موسوم شده اند؛ شهرت اتابکان فارس بیشتر از دیگران است.

اشتهار اتابکان فارس دو علّت دارد یکی حسن تدبیری است که در مقابل حملهٔ مغول بکار بردند و بدان سبب ناحیهٔ فارس از خرابی محفوظ ماند و جان جمعی از علماء و اهل ادب و مقدار کثیری کتاب از تلف شدن رهائی یافت. دیگر اینکه شاعر بزرگ ایران سعدی شیرازی در زمان این اتابکان میزیسته و در دو کتاب گلستان و بوستان خود که از شاهکارهای جاوید ادبیّات ایران است، نام آنانرا بنیکی یاد کردَه است.

درس علم الأشياء

بهداشت چشم

چشم لطیفترین عضو بدن و بینائی از اعمال مهم حیات انسان است . پس باید در بهداشت و سلامت چشم خوب دقت کنیم .

بچه های عزیز ، هیچگاه چشم را با انگشت نمالید و با دست چشم خود را نخارانید زیرا ممکن است دستتان چرکین و آلوده بمیکرب باشد و باعث تراخم و امراض دیگر چشم بشود .

در موقع خواندن و نوشتن چراغ را جلو کتاب و یا صفحهٔ کاغذ خود نگذارید زیرا نور چراغ بچشم شما میتابد و مانع میشود که صفحهٔ کاغذ را خوب ببینید و بهمین جهت چشمتان زود خسته میشود و از کار میافتد .

سعی کنید که در موقع خواندن چراغ را پشت سر و یا طرف چپ بگذارید تا صفحهٔ کاغذ خوب روشن بشود و چشم شما خسته نشود .

فراموش نکنید که اگر چشمتان از دور یا نزدیک خوب نمی بیند ، بپدر و مادر خود بگوئید تا شما را پیش چشم پزشک ببرند و هرچه چشم پزشک دستور داد عمل کنید.

سبکتگین و آهو

سبکتگین پدر سلطان محمود غزنوی، روزی با یکی از دوستان از سرگذشت خود چنین حکایت میکرد:

پیش از آنکه کارم با رونق[۱] شود، در شدت[۲] میگذراندم و گاه میبود که وجه معاش[۳] خود و خوراک اسبم را از شکار بدست میآوردم. روزی در یک چنان حالی که داشتم بقصد شکار بصحرا شتافتم، هنگام عصر بود و اسبم سخت تیزتک[۴] چنانکه هیچ شکار از کمندم رهائی نداشت. آهوئی دیدم ماده و بچه‌ای با وی. اسب از پیش[۵] برانگیختم[۶] بچه از مادر جدا شد، بگرفتمش و برزین نهادم و بازگشتم. روز نزدیک نماز شام رسیده بود. چون لختی[۷] براندم آوازی بگوشم آمد، بازنگریستم[۹]. مادر بچه بود که در پی من میآمد و غریوی[۸] میکرد چنانکه گوئی بچهٔ خود را از من خواهش[۱۰] میکند. بطمع آنکه او را نیز بگیرم اسب برگردانیدم و بتاختم؛ چون باد از پیش من برفت. بازگشتم[۱۱] و دو سه بار همچنین اتفاق افتاد، بیچاره میآمد و مینالید، تا نزدیک شهر رسیدم و آن ماده آهو همچنان نالان نالان میآمد، دلم بسوخت و با خود گفتم، از این آهو بره

---

۱ رونق یعنی آب و تاب ۲ سختی و تنگدستی ۳ وجه یعنی پول و وسیله - معاش یعنی زندگی ۴ تندرو ۵ دنبالش
۶ اسب برانگیختن یعنی رکاب کشیدن و مهمیز زدن ۷ قدری و پاره‌ای ۸ ناله و فریاد ۹ بعقب سر نگاه کردم
۱۰ میطلبد. میخواهد ۱۱ برگشتم.

چه فایده تورا حاصل خواهد شد؟ بر این مادر مهربان رحم باید کرد ؛ بچه را بصحرا
انداختم ، سوی مادر بدوید ؛ غریو کردند وهردو بسوی دشت رفتند ؛ چون بخانه
رسیدم تاریک شده بود واسبم بی جو مانده ، سخت دلتنگ شدم وغمناک بخفتم ؛
در خواب پیرمردی بزرگوار را دیدم که نزدیک من آمد ومرا میگفت : ای سبکتگین
بجای آن بخشایشی[۱] که بر آن ماده آهو کردی وآن بچه را باو باز دادی واسب خود را
بی جو گذاردی ما غزنین وزاولستان[۲] را بر تو وفرزندان تو بخشیدیم ومن رسول[۳]
آفریدگارم . من بیدار شدم وقوی دل[۴] گشتم وهمیشه از این خواب میاندیشیدم[۷] واینک
بآنچه مرا در خواب نوید[۵] دادند رسیده‌ام ویقین دانم که پادشاهی در خاندان وفرزندان
من تا آنزمان که خدا تقدیر[۶] کرده است بماند «نقل از تاریخ بیهقی با کمی تصرف»

---

۱ گذشت ۲ زاولستان یا زابلستان نام ناحیه‌ای از ایران قدیم بود که شامل زابلستان فعلی وقسمتی از افغانستان میشد
۳ فرستاده وپیامبر ۴ دلیر در اینجا مطمئن بآینده معنی میدهد ۵ مژده ۶ مقدر ومعین کرده است .
۷ فکر میکردم

پرسش - سبکتگین که بود ؟ چرا بصحرا میرفت ؟ چرا شکار خود را رها کرد ؟ چرا اسبش بی جو ماند ؟
برای شما اتفاق افتاده است که بر حیوانی رحم کنید ؟ اگر چنین اتفاقی افتاده است حکایت
کنید . این حکایت را بزبان خود در کلاس بیان کنید

انشاء - این حکایت را با انشاء ساده بنویسید

تکلیف - از روی این حکایت بنویسید وزیر اسمهای آن یک خط وزیر صفتها دوخط وزیر فعلها سه خط بکشید

درس جغرافیا

آذربایجان

آذربایجان از استانهای حاصلخیز و پرنعمت ایران است . محصولات کشاورزی و حیوانی آن فراوان و مخصوصاً میوه و لبنیات[1] آن بقدری است که میتوان آنجارا انبار خشکبار و لبنیات ایران دانست .

آذربایجان در شمال غربی ایران واقع شده و با کشور شوروی در شمال و کشور ترکیه در مغرب همسایه است (*)

از نظر اهمیتی که آذربایجان دارد آنجارا بدو استان شرقی و غربی تقسیم کرده اند.

بیشتر جاهای آذربایجان کوهستانی و هوای آن ییلاقی است . ازجمله کوههای بلند آن کوه سهند در جنوب شرقی تبریز و کوه سبلان در نزدیکی اردبیل است که اطراف آن چند چشمهٔ گرم گوگردی وجود دارد .

مهمترین رودخانه های آذربایجان رود ارس میباشد که در شمال آن جاری و سرحد میان ایران و کشور شوروی است .

دریاچهٔ رضائیه که بزرگترین دریاچه های داخلی ایران است در قسمت غربی آذربایجان واقع شده و در آن کشتیرانی میشود .

---

[1] آنچه از شیر گرفته شود مثل پنیر ، ماست ، روغن .

(*) آموزگاران از روی نقشه های کتاب و نقشهٔ بزرگ دیواری کشورهای همسایهٔ آذربایجان را نشان دهند

کشاورزی و گله داری در آذربایجان غربی رواج دارد؛ باغهای میوه وزراعت
چغندر و توتون و همچنین پرورش گاومیش ثروت طبیعی بزرگی برای این ناحیه میباشد.
در آذربایجان کارخانجات بزرگ قندسازی ، چرم سازی ، پارچه بافی ،
میوه خشک کنی و کبریت سازی مشغول کاراست و محصولات آنها برای مصرف
بنقاط دیگر فرستاده میشود .

در آذربایجان بناهای تاریخی زیاد وجود دارد .
مرکز استانداری آذربایجان شهر تبریز است که پس از تهران بزرگترین شهرهای
ایران میباشد و قریب دویست و پنجاه هزار نفر جمعیّت دارد . این شهر مدّتی پایتخت
ایران بوده است .
رضائیه مرکز آذربایجان غربی از شهرهای قدیمی ایران است . ناحیه رضائیه
در حاصلخیزی معروف و مرکز عمدهٔ صادرات توتون و خشکبار و روغن میباشد .
اردبیل که مدفن شیخ صفی الدّین زاهد و مرشد[1] معروف و جدّ پادشاهان سلسله
صفوی است از شهرهای معروف و قدیمی آذربایجان میباشد .
قبر شاه اسمعیل مؤسّس سلسله صفوی نیز در این شهر است.

---

[1] پیشوا - راهنما

دیگر از شهرهای آذربایجان مراغه، خوی، مرند میباشد که باغهای میوهٔ آنها مشهور است.

---

* - آموزگاران با استفاده از نقشهٔ ایران محل استان آذربایجان را بشاگردان نشان دهند و با تمرین روی کاغذ و روی تخته، محلّ شهرهای آذربایجان و کشورهای همسایه بخاطر نشان آنان سازند.

درس تاریخ

قوم مغول و چنگیز خان

چنانکه در درس تاریخ، راجع بخوارزمشاهیان، خواندیم، در زمان سلطان محمّد، قوم مغول بسرکردگی چنگیز خان از مرکز آسیا بایران هجوم آوردند. مغولان مانند سیل بنیان کن بهر جا که رسیدند ویران ساختند، کتابخانه ها را سوختند، مدارس را خراب کردند، دانشمندان و نویسندگان را کشتند، جانداری را باقی نگذاشتند و هرچه را میخواستند باخود بردند.

کشور ایران قریب ۱۶۰ سال در تصرف چنگیز و اولاد او بود.

قوم وحشی مغول در ابتدا خرابی زیاد وارد آوردند امّا رفته رفته باخلاق و عادات و مذهب ایرانیان خو گرفتند.

یکی از نوادگان مشهور چنگیز هلاکو خان است. وی دستگاه خلافت عبّاسی را

که هنوز در بغداد باقی بود از میان برداشت و دولت بنی عبّاس را ، با کشتن آخرین خلیفهٔ آنان ، منقرض ساخت (سال ٦٥٦ هجری) .

خواجه نصیر الدّین طوسی که از بزرگترین علما و حکمای ایران است در غالب سفرها همراه هلاکو بود . خواجه در مراغه ، پایتخت هُلاکو خان ، کتابخانه ای بزرگ و دستگاهی برای ستاره شناسی تأسیس کرد .

فرزندان هلاکو که بعد از او بسلطنت رسیدند در اواخر قبول دین اسلام کردند . یکی از آنان غازان خان است که پادشاهی عاقل و فاضل بود و شهر سلطانیّه را نزدیک زنجان ساخت . دیگر برادرش سلطان محمّد خدابنده است که مذهب شیعه را پذیرفت و گنبد سلطانیه از بناهای اوست .

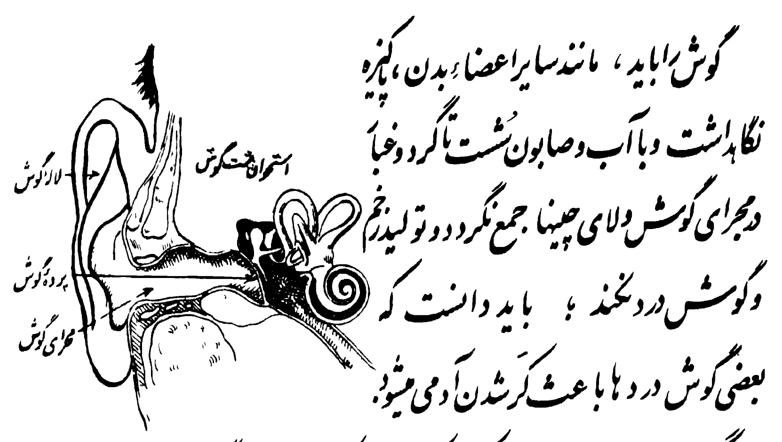
درس علم الأشیاء

گوش ، بینی و بهداشت آن

گوش

گوش عضو شنیدن است . قسمتی از آن که از خارج دیده میشود لالهٔ گوش نام دارد . امّا قسمت اصلی گوش دیده نمیشود بلکه در داخل استخوانِ پشت لاله قرار گرفته است .

میان لالهٔ گوش مجرائی قرار دارد که آنرا سوراخ گوش میگویند ، در انتهای این مجرا پردهٔ گوش واقع است .



گوش را باید، مانند سایر اعضاء بدن، پاکیزه نگاهداشت و با آب و صابون شست تا گرد و غبار در مجرای گوش ولای چینها جمع نگردد و تولید زخم و گوش درد نکند. باید دانست که بعضی گوش دردها باعث کر شدن آدمی میشود.

نباید گوش را با چوب یا سنجاق پاک کرد چون ممکن است پردهٔ گوش پاره و انسان کر شود. صداهای بسیار قوی هم، مانند صدای توپ، از نزدیک برای حس شنیدن مضرّاست، باید از آن دوری جُست.

بینی

یکی از فواید بینی حس کردن بوی چیزها است. اگر این حس خوب کار نکند، انسان غذاهای گندیده را از غذای خوب و هوای فاسد را از هوای پاک تمیز نمیدهد و ممکن است با خوردن غذای بد یا تنفّس هوای ناسالم رنجور گردد.

برای سلامت این حس علاوه بر شست و شوی مرتّب بینی باید از استعمال عطرهای تند دوری جست.

بینی فایدهٔ دیگر نیز دارد و آن جلوگیری از داخل شدن گرد و غبار هوای تنفّس

بریه است . زیرا داخل بینی موهای ریزی وجود دارد که گرد و غبار هوای تنفس را میگیرد . پس باید از بینی نفس کشید تا هوای سالم بریه برسد کسانیکه عادت دارند با دهان تنفس کنند بسینه درد و گلو درد دوچار میشوند .

شبان متقلب (۱)

داشت شبانی (۲) رَمه (۳) در کوهسار	پیر و جوان گشته از او شیرخوار
شیر که از بُز بسبو (۴) ریختی	آب در آن شیر درآمیختی
روزی از آن کوه بصحرای خاک	سیل درآمد رمه را بُرد پاک (۵)
خواجه چو شد با غم و آزار جفت	کارشناسیش (۶) در آن کار گفت
کان همه آب تو که در شیر بود	شد همه سیل و رمه را در ربود (۷)

« از امیر خسرو دهلوی »

۱ نادرست ۲ چوپان ۳ گله ۴ کوزهٔ بزرگ ۵ تمام - همه ۶ کارشناس یعنی کاردان با تجربه ۷ گرفت و با خود برد

پرسش : آیا کلماتی را میشناسید که در عبارات فوق بجای این کلمه ها گذاشته شود و همان معنی را بدهد ؟ رمه - سبو - پاک - جفت .

آیا ضدّ هریک از این لغات را میدانید اگر میدانید بگوئید : پیر - غم - جفت - آمیختن .

این حکایت را بزبان خود بیان کنید . چرا شبان آب در شیر میآمیخت ؟

چه پندی از این حکایت میآموزید ؟

درس جغرافیا

استان پنجم

استان پنجم در مغرب ایران و با کشور عراق همسایه است . کردستان، کرمانشاهان و شهرستانهای همدان، ملایر، نهاوند و تویسرکان جزء این استان محسوب میشود .

قسمت عمدهٔ این استان کوهستانی است و از کوههای بلند آن کوه اَلوَند در جنوب شرقی همدان را میتوان نام برد

محصولات کشاورزی این استان بیشتر گندم و جو است ، در کردستان زراعت توتون و در شهرستانهای دیگر ، خصوصاً در ملایر ، کشت مو رواج دارد .

گله داری در این استان اهمیت زیاد دارد ، لبنیات آن فراوان و روغن کرمانشاه در تمام کشور معروف است .

کرمانشاه یکی از محلهای نفت خیز ایران است و معادن زرنیخ کردستان شهرت بسیار دارد .

مرکز استان پنجم شهر بزرگ و قدیمی کرمانشاه است . در اطراف این شهر آثار تاریخی بسیار مانند طاق بُستان وجود دارد که از دورهٔ ساسانی باقیمانده است .

همدان نیز از شهرهای قدیمی و زمانی پایتخت ایران بوده و چنانکه قبلاً خوانده ایم قبر

شیخ الرئیس بوعلی سینا فیلسوف و طبیب مشهور ایران در آنجا است .

درس تاریخ

تیموریان

مردم ایران هنوز از صدمات مغول نیاسوده بودند که بمصیبتی دیگر دوچار شدند
و آن هجوم تیمور گورکان و لشگریان او ، از ترکستان ، بود (حدود ۶۰۰ سال قبل)
امیر تیمور مردی جنگی ، دلیر ، بی رحم و خونخوار بود و چون در یکی از جنگها تیری
بپای او خورد و لنگ شد او را تیمور لنگ نیز نامیده اند . تیمور جنگهای بسیار
کرد و کشورهای زیادی را تسخیر نمود ، از جمله چند مرتبه بکشور ما لشگر کشید . در این جنگها
خرابیها و کشتارهائی در ایران نمود که دست کمی از صدمات و خونریزیهای مغول نداشت.
اولاد امیر تیمور مدتی در ایران سلطنت کردند و سلسله ای بنام تیموریان یا گورکانیان
تشکیل دادند . یکی از مشهورترین سلاطین این سلسله میرزا شاهرخ پسر امیر تیمور است که
پادشاهی علم دوست و هنرپرور بود . مسجد زیبای گوهرشاد در شهر مشهد از بناهای گوهرشاد
زن این پادشاه است .

با وجود صدمات فراوانیکه در مدت سه قرن هجوم و حکومت مغول و تیموریان بر ایران
و ایرانیان وارد آمد، بواسطهٔ وجود دانشمندان و شعرا و نویسندگان بزرگ، چراغ علم و
دانش در این کشور ، بیفروغ و خاموش نماند . در این دوره علاوه بر شیخ سعدی شیرازی

و خواجه نصیرالدین طوسی که قبلاً ذکر نامشان گذشت ، خواجه حافظ شیرازی و مولوی صاحب کتاب مثنوی و بسیاری دیگر از بزرگان علم و ادب وجود داشته اند .

درس علم الاشیاء

نفت

آموزگار : موضوع درس این ساعت ما نفت است ؛ نفت امروز بقدری اهمیت یافته است که آنرا طلای سیاه مینامند، بسیار بجا است که شما هم از آن اطلاعاتی داشته باشید .

جمشید : ما که حالا بجای چراغ نفتی چراغ برق داریم ، پس نفت بچه درد میخورد تا اطلاعی از آن داشته باشیم ؟

آموزگار : اولاً درست است که شما چراغ برق دارید اما همه جای کشور برق نیست و هنوز در بعضی از شهرهای کوچک و در بیشتر دهات ایران هموطنان شما از نفت برای روشنائی استفاده میکنند . ثانیاً نفت را فقط برای روشن کردن چراغ و بخاری و اجاق بکار نمیبرند ؛ امروز در تمام کشورها بیشتر کارخانجات و کشتیها و هواپیماها و اتومبیلها و حتی بعضی از کارخانجات برق نیز با نفت کار میکنند و اگر نفت نباشد تمام اینها از کار میافتد . پس نفت در سراسر جهان اهمیت فراوان دارد و هر کشوریکه نفتش زیادتر است ، اهمیتش در دنیا بیشتر است .

خسرو : اتومبیل که با بنزین حرکت میکند !

آموزگار : صحیح است ، در بیشتر اتومبیلها بنزین میریزند و چون بنزین را هم از نفت میگیرند میتوان گفت که همه اتومبیلها با نفت کار میکنند . در هواپیما هم بنزین مخصوص میریزند که آن نیز از نفت است .

هوشنگ : نفت از کجا و چگونه بدست میآید ؟

آموزگار : نفت در زیر بعضی زمینها وجود دارد . در زمینهای نفت خیز چاههای بسیار عمیق میکنند تا بنفت برسند .

نفتی را که از این چاهها بیرون میآورند خالص نیست و آنرا نفت خام میگویند ؛ نفت خام را در تصفیه خانه ها با اسباب و وسائل مخصوص پاک و صاف میکنند و هنگام تصفیه از آن مواد مختلف میگیرند . از این مواد یکی نفت معمولی و دیگر بنزین است .

کشور ما از کشورهای نفت خیز مهم جهان میباشد . در خوزستان منابع سرشاری از نفت وجود دارد که امروز از آنها استفاده میکنیم . از نفت کرمانشاهان هم بهره برداری مینمائیم . در نقاط دیگر کشور نیز نفت داریم اما هنوز استخراج نشده است .

زندگی در خانواده

نسبت بپدر و مادر و بزرگتران باید با ادب باشیم و بآنان احترام بگذاریم. پدر و مادر خیرخواه فرزند ند، آنان خوشی و راحت خود را فدای آسایش ما میکنند واز نگاهداری و تربیت ما دریغ نمینمایند. بنابراین باید آنانرا از دل و جان دوست بداریم؛ و فرمانشان را اطاعت کنیم، کاری نکنیم که از ما آزرده خاطر شوند و بدانیم که نافرمانی نسبت بپدر و مادر از گناهان بزرگ و غیر قابل بخشش است.

با چشم ادب نگر پدر را از گفتهٔ او مپیچ سر را
با مادر خویش مهربان باش آمادهٔ خدمتش بجان باش
چون این دو شوند از تو خرسند خرسند شود ز تو خداوند

باید دربارهٔ برادر و خواهر کوچکتر از خود مهربان و غمخوار باشیم و در نگاهداری و پاکیزگی آنان بمادر و پدر کومک کنیم.

نسبت بخدمتگزاران هم باید با محبت و دلسوز بود، هر وقت چیزیرا از آنان میخواهیم ممکن است با گفتن دو کلمه «خواهش میکنم» دل آنانرا شاد و پس از انجام کار هم با جملهٔ «تشکر میکنم» آنانرا خرسند ساخت؛ همانطور که در حفظ اعضاء بدن مثل سر و دست و گردن میکوشیم باید از خدمتگزاران که درحقیقت از اعضاء خانواده بشمارند، نگاهداری

کنیم، در سختیها بآنان کومک کنیم و در شادیها و خوشیهای خود آنانرا شرکت دهیم .

دل زیردستان نباید شکست
مبادا که روزی شوی زیردست

اگر مهمان بخانۀ ما آمد، باید بگشاده روئی با او رفتار کنیم و با ادب بپرسشهای او جواب دهیم؛ مهمان عزیز و محترم است و در حق او گفته اند: مهمانرا گرامی بدار اگر چه کافر باشد .

چو مهمان آیدت دلشاد میباش
ز هر بند غمی آزاد میباش

هنگامیکه میخواهیم از خانه بمدرسه یا جای دیگر برویم باید در نظافت خود دقت کنیم . سر و صورت ما مرتب و پاکیزه باشد، چنانچه لکۀ گل یا چربی در لباس ما باشد باید آنرا برطرف کنیم

چون باادب و تمیز باشی
نزد همه کس عزیز باشی

راستی فراموش نکنیم که مقصود از لباس پاکیزه، لباس نو نیست ؛ جامه هر اندازه کهنه باشد میتوانیم آنرا پاک و نظیف نگاه داریم .

از نرم و خشن هر آنچه پوشی
باید که بپاکیش بکوشی

استان ششم

درس جغرافیا

خوزستان دشت همواری است که در جنوب غربی ایران واقع شده . این جلگۀ وسیع با ناحیۀ لرستان که در شمال آن قرار دارد و اغلب آن کوهستانی است روی هم استان ششم را تشکیل میدهند .

کارون، بزرگترین رود های ایران ، در خوزستان جاری است و پس از
مشروب ساختن بیشتر زمینهای آن بشط العرب می پیوندد و بخلیج فارس میریزد.
خوزستان سرزمین زرخیزی است زیرا خاک آن حاصلخیز و زیر زمین
آن از نفت سرشار است .
در خوزستان آثار تاریخی و بناهای قدیمی بسیار دیده میشود ، از آنجمله آثار
دورهٔ هخامنشی در شهر شوش است .
مرکز استان ششم شهر اهواز ، درکنار رود کارون ، است .
بروجرد که در ناحیهٔ لرستان واقع گردیده و ورشو سازی آن معروفست ،
آبادان که بزرگترین مرکز تصفیهٔ نفت آسیاست ، بندر خرمشهر و بندر
شاهپور که در کنار خلیج فارس واقع شده اند از شهرهای این استان اند.

نقاشی بترتیبی که پیشتر گفته شد نقاشی کنید

درس تاریخ

شاه اسماعیل صفوی

چنانکه پیش خواندیم کشور ایران قریب ۳۰۰ سال تحت استیلای قوم مغول و تیموریان بود و بمختصری از خرابیها و ویرانیهائی که این اقوام بکشور ما وارد ساختند آگاهی داریم؛ در اواخر این مدت هر قسمت از ایران بدست یکنفر که خود را در آنجا حاکم مستقل میدانست افتاده بود.

در این هنگام جوان چهارده ساله شجاع با ایمانی بنام اسماعیل که از نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی است قیام کرد و تصمیم گرفت با تشکیل دولت واحد مستقلی باین وضع آشفته خاتمه دهد. شیخ صفی الدین اردبیلی مردی خداشناس و پرهیزگار بود که مریدان و پیروان بسیار داشت. اسماعیل بدستیاری آنان و با نیروی ایمان و لیاقت و شجاعتی که داشت بمنظور خویش رسید و حکومت واحد مقتدری برای تمام ایران تشکیل داد. اسماعیل در سال ۹۰۵ هجری قمری بپادشاهی نشست و سلسله‌ای تشکیل داد که بمناسبت نام جدش شیخ صفی بسلسلهٔ صفویه موسوم گردیده است. یکی دیگر از کارهای مهم شاه اسماعیل این بود که مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران کرد. دولت عثمانی (دولت ترکیهٔ امروز) که همسایهٔ غربی ایران بود از این اقدام شاه اسماعیل ناراضی شد زیرا آن دولت میخواست که این مذهب

در ایران رواج و رسمیت پیدا کند بدین جهت سلطان عثمانی با لشگری فراوان

با آذربایجان تاخت . شاه اسماعیل برای جلوگیری از آنان رشادت و دلاوری

بسیار بخرج داد اما از آنجا که سپاهیانش مانند سپاهیان عثمانی توپ و تفنگ

نداشتند نتوانست در برابر آنان مقاومت کند و شکست خورد، پادشاه عثمانی با

لشگریانش وارد شهر تبریز شدند ولی بواسطهٔ مقاومت دلیرانهٔ مردم غیور آن

شهر ناگزیر ببازگشت شدند .

شاه اسماعیل از پادشاهان شجاع و بزرگ ایران است . این پادشاه

توانست دولتی بزرگ و نیرومند برای ایران تشکیل دهد و شوکت و عظمت گذشتهٔ

ایران را بازگرداند .

درس علم الأشیاء

دندان و بهداشت آن

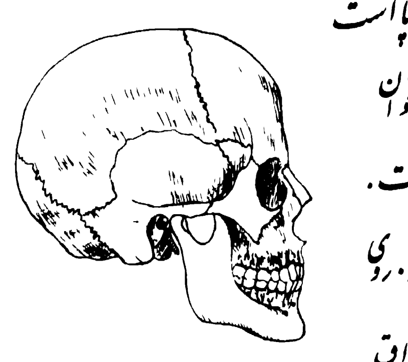
همچنانکه درخت بریشهٔ خود برپا است

دندان هم بوسیلهٔ ریشهٔ خود که در استخوان

آرواره فرورفته ، محکم و استوار است .

قسمت ظاهر هر دندان را تاج میگویند . روی

تاج دندان جسم سفید رنگ برّاق



وسختی است که مینا نامیده میشود . مینا دندان را از سرما وگرما وسایر بلاهای موذی حفظ میکند .

اگر دندانها را پس از غذا نشوئیم ریزه های غذا لای آنها میماند ورفته رفته فاسد وگندیده میشود ودر نتیجه مینای دندان را سوراخ میکند . دراین حال میگویند دندان کرم خورده است .

مینا

ریشه

آرواره

از دندان کرم خورده سمی تراوش میکند که چون با غذا مخلوط و وارد معده شود بدن را مسموم میسازد . چه بسا اشخاص که مبتلا بناخوشیهای سخت بوده اند وپس از تحقیقات طبی معلوم گردیده که سبب آن خرابی دندان آنان بوده است .

مینای دندان از ضرب دیدن وپی درپی سرد وگرم شدن نیز شکاف برمیدارد ومیریزد .

فساد دندان درابتدا اندک است وچون دردی از آن احساس نمیشود شخص خیال میکند که دندانش سالم است ودرصدد علاج برنمیآید وهنگامی از خرابی دندان خود آگاه میشود که کرم خوردگی شدت یافته وآنرا سیاه وتباه کرده باشد

پس اگر میخواهید دندانتان همیشه سالم باشد :

۱ ـ پسته وفندق ودیگر چیزهای سخت را با دندان نشکنید .

سر پسته مشکن بسنگ ای پسر | در بسته نتوان شکستن بسر
مکن خسته دندان ببادام سخت | که دندان ز سختی شود لخت لخت

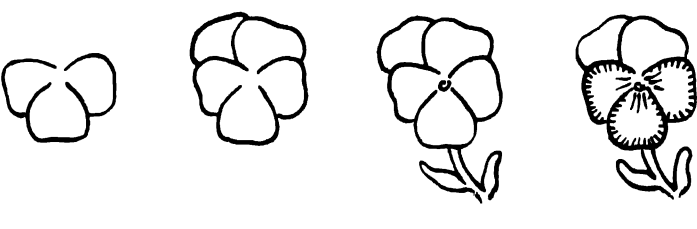
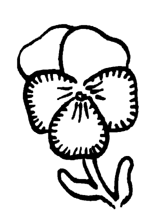
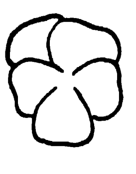
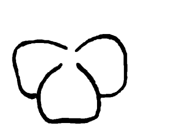
۲ - از پشت سر هم خوردن غذاهای بسیار سرد و بسیار گرم بپرهیزید و با غذاهای گرم بلافاصله آب بسیار سرد ننوشید .

۳ - پس از هر غذا و مخصوصاً بعد از شام هنگام خواب پشت و روی دندانها را با دقت مسواک بزنید و مسواک را از بالا بپائین و از پائین ببالا بکشید تا آنچه در بن و لای دندانها است بیرون آید .

۴ - برای شستن دندان مسواک مخصوص بخود داشته باشید و مسواک شخص دیگر را هیچگاه بکار نبرید .

۵ - سالی یکبار دندانهایتان را بپزشک دندان نشان دهید تا اگر کرم خوردگی اندک و نامحسوس داشته باشد بعلاج آن بپردازد .

نقاشی - بترتیبی که در سرمشقهای پیش گفته شد نقاشی کنید

از چاله بچاه

گلنار و مریم دو خواهر روستائی[1] بودند . چند سال پیش پدرشان مُرد و سرپرستی آنان را مادرِ پیرشان بعهده گرفته بود . پیرزن عادت داشت که صبح زود هنگامیکه خروس میخواند برای عبادت برخیزد و بچه های خود را برای تنظیفِ[2] خانه و دوشیدن شیر بیدار کند .

گلنار و مریم از این ترتیب ناراضی و ناراحت بودند و میل داشتند که صبحها بخوابند . روزی باهم قرار گذاشتند که خروس را بکشند تا بانگ[3] او خاموش گردد و دیگر مادرشان چنان زود برنخیزد . این فکر خود را عملی ساختند امّا از شب بعد مادر پیر برای آنکه مبادا موقع بیدار نشود از نیمه شب برخاست و بچه ها را بیدار کرد .

---

۱ دهاتی ۲ پاکیزه و نظیف کردن ۳ صدای بلند - آواز

پُرسش - فرق چاله و چاه چیست ؟ سحرخیزی چه فوایدی دارد ؟ فکر خود را عملی ساختن یعنی چه ؟ از این حکایت چه میفهمید ؟

از رُوی این جمله پنج بار با خط خوب بنویسید :

سحر خیز باش تا کامُروا باشی

درس جغرافیا

استان هفتم - فارس

این استان در جنوب ایران و کنار خلیج فارس واقع شده است .

فارس محل ظهور پادشاهان هخامنشی بوده و آثار تاریخی بسیار دارد . یکی از این آثار بنای تخت جمشید نزدیک شیراز است که مقر پادشاهی داریوش کبیر و فرزندان او بود . این بنا نشانهٔ عظمت پادشاهان و نمونه‌ای از شاهکارها و هنرمندیهای ایرانیان قدیم است .

در فارس رشته کوههای بلند وجود دارد که میان آنها دشتهای حاصلخیز قرار گرفته ، کوه دِنا بلندترین کوههای فارس است و یکی از کوههای مرتفع ایران بشمار میرود .

از رودهای معروف فارس رود کُر است ، عضدالدوله دیلمی براین رود پل و سد محکمی بسته که امروز بنام بند امیر معروف است و زمینهای وسیعی در اطراف آن بند آبیاری میشود . رودخانهٔ کُر بدریاچهٔ نیریز میریزد ، این دریاچه را بختگان نیز مینامند . در فارس انواع محصولات زراعتی مثل گندم ، جو ، چغندر ، خرما و مرکبات بدست میآید . تنباکوی آنجا هم شهرت دارد .

مرکز استان هفتم شیراز است که از شهرهای آباد ایران بشمار میرود .

این شهر از قدیم یکی از کانونهای[1] علم و ادب کشور بوده و دانشمندانی مانند ملاصدرا و شعرائی مانند سعدی و حافظ از آن برخاسته اند.

از شهرهای مهم فارس بندر بوشهر در کنار خلیج فارس است. دیگر آباده که سر راه اصفهان بشیراز واقع شده و منبت کاری آن مشهور است. دیگر جهرم که خرمای آن معروف است. فسا و نیریز از شهرهای دیگر این استان بشمار میرود.

---

[1] کانون در اینجا یعنی مرکز

حکایت

بازرگانی چند بسته پارچهٔ ابریشمین بساربانی سپرد که بشهری بَرَد و باو گفت چون بدان شهر رسی آنها را نزد خود نگاهدار تا من بیایم.

ساربان بارها را بمقصد رسانید، چندی منتظر ماند، بازرگان نیامد. ساربان پنداشت که او مرده است، پارچه ها را فروخت و از قیمت آنها خانه و باغی خرید.

چندی گذشت، بازرگان آمد و پس از جستجوی بسیار ساربان را یافت، گریبان او را گرفت و اموال خویش را از او طلب نمود. ساربان انکار کرد و گفت تو کیستی و چه میخواهی؟ من هرگز ترا ندیده و نمیشناسم. بازرگان چون چنین دید ناچار

شکایت بقاضی برد . قاضی ساربان را احضار کرد و پرسید اموال این مرد را چه کردی ؟ ساربان سوگند یاد کرد که هرگز ساربانی نکرده و مردی دهقان است و بازرگان چیزی باو نسپرده .

چون بازرگان برای ثابت کردن ادّعای خود نوشته وگواهی نداشت قاضی نتوانست حکمی بدهد ، ناچار تدبیری اندیشید و آنان را مرخّص کرد ، همینکه آندونفر نزدیک در رسیدند قاضی آواز داد ساربان ! ساربان ! ساربان دروغگو بی اختیار برگشت . قاضی گفت اگر تو ساربان نبودی چرا برگشتی وچگونه دانستی که روی سخن با تواست ؟ آنگاه حکم کرد خانه وباغ را ازاو گرفتند وببازرگان دادند .

درس تاریخ

شاه عبّاس بزرگ

یکی از پادشاهان بزرگ ایران شاه عبّاس اوّل صفوی است که بواسطهٔ فتوحات وکارهای بزرگی که برای ایران انجام داده وآثاری که ازخود باقی گذاشته اورا شاه عباس کبیر خوانده اند . هنگامی که او بپادشاهی رسید ایران درداخل دوچار فتنه وآشوب بود ، ازبکان ازشمال شرقی ایران بخراسان میتاختند وعثمانیها آذربایجان وقسمتهای غربی ایران را درتصرف داشتند .

شاه عبّاس ازبکانرا سرکوبی نمود و بجای خود نشانید ، عثمانیهارا از کشور خارج ساخت و نظم و امنیّت را برقرار کرد .

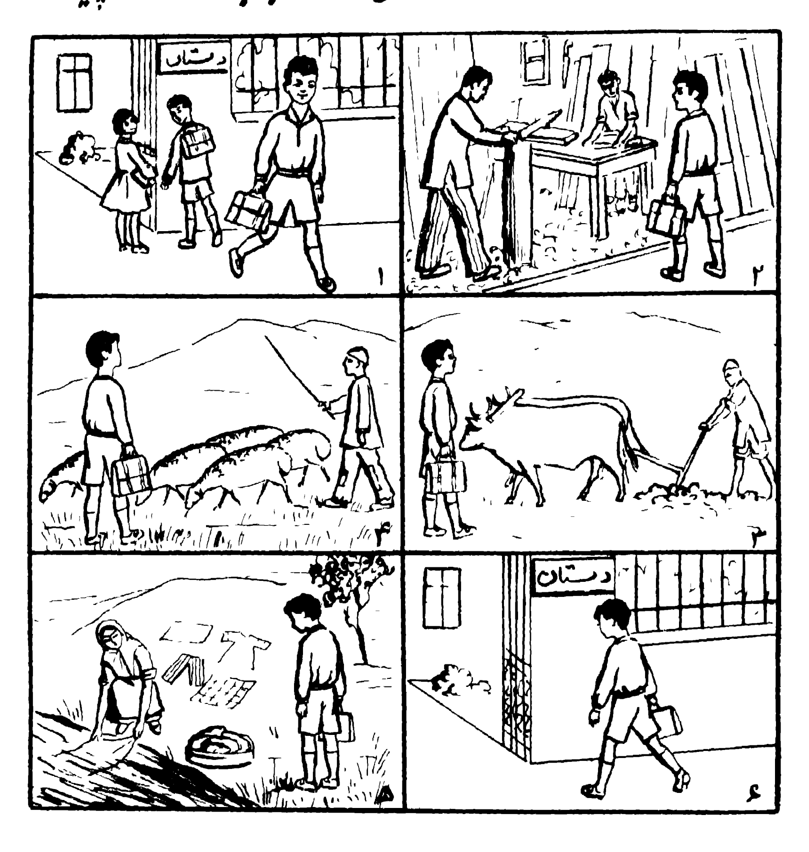
شاه عبّاس مردی شجاع و عاقل و سیاستمدار بود ، بکسانیکه باو و کشور خدمت میکردند مهربانی میکرد و پاداش میداد و در آبادی شهرها و ساختن بناهای عمومی از قبیل آب انبار و کاروانسرا در تمام نقاط کشور سعی فراوان داشت .

صورت شاه عباس بزرگ

این پادشاه در سال هزار هجری پایتخت خود را از قزوین باصفهان بُرد . او در این شهر بناهای بسیاری مانند مسجد شاه و پل معروف سی و سه پل ساخته که هنوز هم باقی است .

شاه عبّاس در رواج دادن مذهب شیعه و تشویق علماء و دانشمندان کوشش بسیار میکرد .

انشاء از روی شکل — سرگذشت طفلی که یکروز بدبستان نرفت و پشیمانی او



روزی منصور از رفتن بدبستان خودداری کرد تا در شهر و صحرا گردش کند . ضمن گردش چون دید همه کار میکنند از کردهٔ خود پشیمان شد و بدبستان بازگشت . از روی تصویرهای بالا شرح حال آنروز منصور را بنویسید .

درس علم الاشیاء

حس ذائقه و بهداشت دهان

باحسّ چشیدن طعم غذاها را تمیز میدهیم. عمل چشیدن در دهان صورت میگیرد
وعضو اصلی آن زبان است.

زیر پوست دهان عضوهائی مثل خوشهٔ
انگور وجود دارد که آنها را غُدّه میگویند.

آب دهان یا بُزاق که برای هضم غذا
بسیار لازم است از این غدّه ها وارد دهان میشود

غدّه های بزاقی

هرچه غذا بیشتر جویده شود با آب دهان بیشتر مخلوط و بهتر هضم خواهد شد
بنابراین اگر غذا را تند تند بخوریم و یا خوب نجویم، بزاق با آن کاملا مخلوط نمیشود
و در نتیجه خوب هضم نمیگردد.

زبان گذشته از اینکه عضو چشیدن است وسیلهٔ سخن گفتن نیز هست.
پس اگر دهان ما تمیز نباشد ممکن است هنگام صحبت بوی زننده از آن برآید که مردم را
خوش نیاید.

بنابراین باید در پاکیزه نگاهداشتن دهان و دندان خود مراقبت کامل نمائیم.

در مدرسه

هنگام رفتن بمدرسه نباید در کوچه و بازار بتماشای دکّان ، مغازه و مردم مشغول شویم و بدون سبب اینجا و آنجا توقّف کنیم ، تا وقت ما تلف نشود و بمدرسه دیر نرسیم ؛ باید سعی کنیم سرِوقت در مدرسه حاضر باشیم .

همانطور که پدر و مادرمانرا دوست داریم و بآنان احترام میگذاریم باید مُدیر و ناظم و آموزگار مدرسه را هم دوست بداریم و بآنان احترام بگذاریم . در سرِ درس گوش و هوش ما باید بگفتار آموزگار باشد

اندر سر درس گوش میباش   با هوش و سخن نیوش[1] میباش

میکوش که هرچه گوید اُستاد   گیری همه را بجا یکی یاد

اگر چیزیرا نفهمیدیم بدون خجلت از آموزگار خواهش کنیم که دربارهٔ آن توضیح بیشتری بدهد . اگر آموزگار چیزی از ما پرسد باید از جای خود برخیزیم و با عبارات ساده و روشن مطلب را بزبان خود بیان کنیم . مطالب کتابرا نباید نفهمیده حفظ کرد ؛ باید بکوشیم تا آنچه رامیخوانیم خوب بفهمیم

میکوش بهر ورق که خوانی   تا معنی آن تمام دانی

---

[1] سخن نیوش - سخن شنو

مدرسه: بدر و دیوار و میز و نیمکت مدرسه نباید خط کشید و آنها را کثیف کرد؛
دفتر، کتاب، واثاثهٔ آن مال همه ما است باید در نگهداری و پاکیزگی آن سعی کنیم. ‏قلم، کیف، خط کش و بطور کلی لوازم تحریر[۱] خود را باید همیشه نظیف[۲] و مرتب نگاه داریم تا گذشته از شادی و خوشحالی که از این روش بخود ما دست میدهد[۳] دیگران هم ما را بدیدهٔ تحسین[۴] نگرند و عزیز بدارند.

بلباس و کفش و لوازم تحصیلی خود نباید ببالیم[۵] و این نکته را بخاطر داشته باشیم که افتخار و برتری هر کس تنها بعلم و صفات پسندیدهٔ او است.

هر قدر بتوانیم باید از وقت استفاده کنیم و علم و هنر بیاموزیم تا در آینده از آن بهره مند گردیم.

هر طفل که قدر وقت دانست	دانستن قدر خود توانست
هر چیز رود ز دست انسان	شاید که بدست آید آسان
گر وقت رود ز دست ارزان	با هیچ گهر خرید نتوان
در عهد شباب[۶] چند سالی	کسب هنری کن و کمالی
تا آنکه بروزگار پیری	در ذلت[۷] و مسکنت[۸] نمیری
روزی که در آن نکرده‌ای کار	آنروز ز عمر خویش مشمار

۱ نوشتن ۲ پاکیزه و تمیز ۳ حاصل میشود ۴ آفرین گفتن ۵ افتخار کنیم ۶ جوانی ۷ خواری ۸ بی‌چیزی

درس جغرافی

استان هشتم - کرمان و بلوچستان

استان هشتم در جنوب شرقی ایران است و از کرمان و بلوچستان تشکیل میشود.
این استان وسیع از سمت جنوب محدود بیحر عمّان و از طرف مشرق با کشور پاکستان
هم مرز است .

جزیره های قشم و هرمز در تنگهٔ میان خلیج فارس و بحر عمّان واقعند و جزء
استان هشتم محسوب میشوند .

بیشتر زمینهای این استان صحرا و کویر است ، امّا میان بعضی رشته کوههای
آنجا زمینهای حاصلخیزی وجود دارد که در آن ، مرکّبات خوب ، ذرّت ، گندم ،
کرچک ، خرما ، حَنا و زیره فراوان بعمل میآید .

از کوههای بلند این استان کوه تفتان است که در بلوچستان ، نزدیک مرز پاکستان
قرار دارد ؛ از قلّه این کوه غالباً گازهای آتشفشانی خارج میشود .

آب و هوای این استان معمولاً گرم و خشک است امّا در فصل بهار بارانهای
شدید و کم دوام میبارد و سیلهای مهیب[1] جاری میشود .

شهر کرمان مرکز استان هشتم ، از شهرهای قدیمی ایران است . قالیهای

---

[1] هولناک - ترس آور

که در این شهر بافته میشود در دنیا مشهوراست .

شهرهای معروف این استان از اینقرارند :

بندرعباس در کنار خلیج فارس ، که اطراف آن بسیار حاصلخیز و خرما و نارنگی آن مشهوراست ، زاهدان مرکز بلوچستان که بوسیله یک رشته خط آهن بکشور پاکستان مربوط میشود ، و دیگر زابل در فنجان .

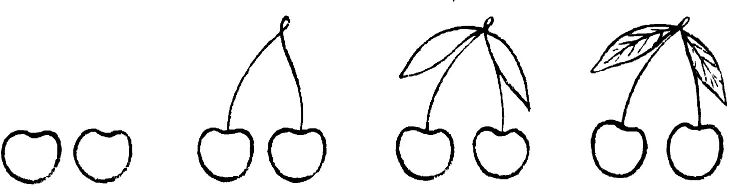
مثل تیغ سلمانی !

جوانی انگلیسی در پاریس زبان فرانسه یاد میگرفت . این عبارت را نزد معلم خواند که «این کارد تیز است مثل تیغ سلمانی» . جوان از معلم پرسید مثل تیغ سلمانی یعنی چه ؟ گفت یعنی خیلی خوب .

شب جائی مهمان بود خانمی باو رسید و گفت : حال شما چطور است ؟

گفت : مثل تیغ سلمانی ! ! .

نقاشی - بترتیبی که در پیش گفته ایم نقاشی کنید



درس تاریخ

شاه سلطان حسین صفوی ـ فتنهٔ افغان

شاه عباس بزرگ کشور ایران را طوری آباد و منظم ساخت که ایرانیان سالها پس از وی بآسودگی و خوشی زیستند و بدین سبب براحت طلبی عادت کردند و دیگر شجاعت و دلاوری پیشین از آنان کمتر بروز میکرد.

تن پروری مردم از طرفی و سستی و بیکفایتی اغلب جانشینان شاه عباس از طرف دیگر، سبب شد که دولت صفوی با همه اقتدار و عظمتی که داشت در اواخر بسیار ضعیف گردد.

آخرین پادشاه صفوی شاه سلطان حسین است که مردی سست اراده و بی لیاقت بود. در زمان او کارها از نظم و ترتیب افتاد و کشور دچار آشفتگی و هرج و مرج شد. در این وقت دسته ای از افغانها که شوریده بودند بخود و کرمان حمله ور شدند و پس از تصرف آنجا بجانب اصفهان که پایتخت بود تاختند. لشکر شاه سلطان حسین در برابر هجوم آنان نتوانست مقاومت (۱) کند و شکست خورد. افغانها اصفهان را محاصره (۲) کردند بقسمی که راه خواربار بر مردم بسته شد، خوردنی در شهر نایاب گردید و مردم از گرسنگی بجان آمدند. در این موقع

---

۱ پایداری ۲ محاصره شهر یعنی دور شهر را گرفتن.

شاه سلطانحسین چاره ای جز تسلیم ندید و ناگزیر بدست خود تاج سلطنت را بر سر محمود رئیس افغانها گذاشت .

افغانها چند سال در ایران بودند و بیدادگری و خونریزی بسیار کردند .

درس علم الاشیاء — هوا - سوختن - اکسیژن

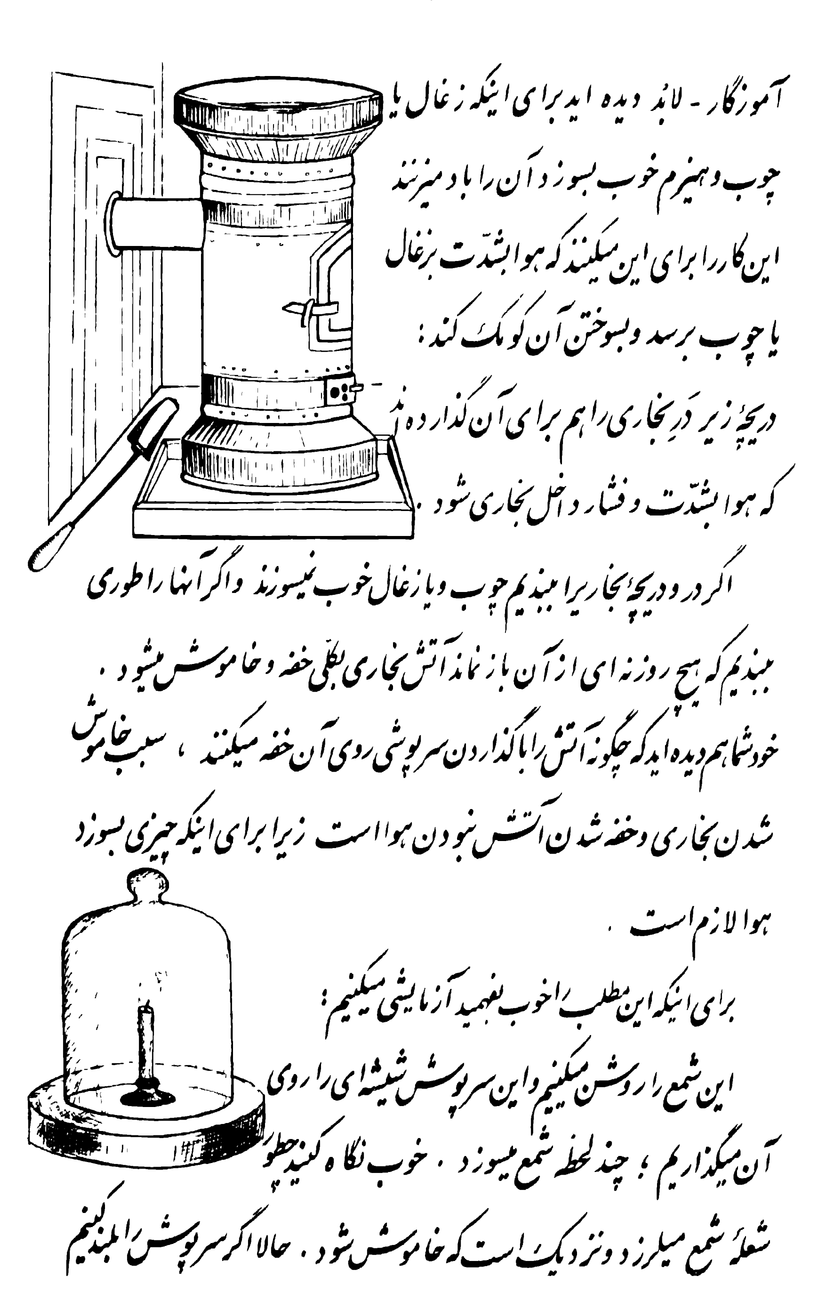
بخاری

آموزگار : وقتی هوا سرد میشود بخاریها را روشن میکنند ؛ خوب است امروز کمی دربارهٔ بخاری صحبت کنیم . شما هم خوب دقت کنید ، هرچه دراینباب میدانید بگوئید وآنچه را که نمیدانید بپرسید - پرویز ! شما بگوئید بخاری زغال سنگی را چطور روشن میکنند ؟

پرویز : اتفاقاً یکروز صبح وقتیکه خدمتگزار کلاس ، بخاری را روشن میکرد من نگاه میکردم ، اول کمی چوب خشک توی بخاری چید ، بعد زغال روی آن ریخت پس از آن با کبریت چوب را آتش زد و در بخاری را بست تا دود بیرون نیاید . طولی نکشید که زغالها آتش گرفت و بخاری گرم شد .

آموزگار : بسیار خوب معلوم میشود پرویز دانش آموز باهوش ودقیقی است همه باید مثل او باشند .

احمد : چرا زیر در بخاری یک دریچه هم میگذارند ؟



آموزگار - لابد دیده اید برای اینکه زغال یا
چوب و هیزم خوب بسوزد آن را باد میزنند
این کار را برای این میکنند که هوا بشدّت بزغال
یا چوب برسد و بسوختن آن کومک کند :
دریچهٔ زیر دَرِ بخاری راهم برای آن گذارده اند
که هوا بشدّت و فشار داخل بخاری شود .

اگر در و دریچهٔ بخار یرا ببندیم چوب و یا زغال خوب نمیسوزند و اگر آنها را طوری
ببندیم که هیچ روزنه ای از آن باز نماند آتش بخاری بکلّی خفه و خاموش میشود .
خودشما هم دیده اید که چگونه آتش را با گذاردن سرپوشی روی آن خفه میکنند ، سبب خاموش
شدن بخاری وخفه شدن آتش نبودن هوا است زیرا برای اینکه چیزی بسوزد
هوا لازم است .

برای اینکه این مطلب را خوب بفهمید آزمایشی میکنیم :
این شمع را روشن میکنیم و این سرپوش شیشه ای را روی
آن میگذاریم ، چند لحظه شمع میسوزد . خوب نگاه کنید چطور
شعلهٔ شمع میلرزد و نزدیک است که خاموش شود . حالا اگر سرپوش را بلند کنیم

که هوای تازه بشمع برسد لرزش آن تمام و مثل اوّل شعلهٔ آن بلند میشود .
امّا اگر سرپوش را برنداریم شمع خاموش خواهد شد . ازاین آزمایش نتیجه
میگیریم که برای سوختن شمع هوا لازم است .

خسرو : حالا که شمع خاموش شد زیر سرپوش هوا نیست ؟

آموزگار : هوا هست امّا دیگر بدرد سوختن نمیخورد .

هوا از دو گاز بنام اکسیژن و اَزت درست شده است .
برای سوختن چیزها اکسیژن لازم است و بدون آن هیچ چیز نمیسوزد . اکسیژنِ
هوای زیر سرپوش بمصرف سوختن شمع رسید و تمام شد و آنچه زیر سرپوش
باقی ماند اَزُت است که در سوختن چیزها دخالتی ندارد ؛ ازاین جهت است که گفتیم
هوای زیر سرپوش بدرد سوختن نمیخورد .
اینکه گفتیم برای سوختن چیزها هوا لازم است مقصود هوائی است که دارای
اکسیژن باشد .

* * *

گاز کربن خطرناک و کُشنده است

ناصر : اینکه میگویند فلانی را بخاری یا زغال گرفته و خفه شده یعنی چه ؟

آموزگار : وقتی که زغال میسوزد و اکسیژن برای سوختن زغال مصرف میشود گاز دیگری بنام گاز کربن درست میشود . این گاز برای تنفس بسیار مضر و خطرناک است .

اگر در اطاقیکه گاز کربن جمع شده است بمانیم سر درد میگیریم و اگر این گاز خیلی زیاد باشد مسموم میشویم ؛ آنوقت میگویند ما را بخاری یا زغال گرفته است .

حالا میتوانید بگوئید چرا سر لوله بخاری را در دودکش قرار میدهند ؟

پرویز : برای اینکه گاز کربن که از سوختن زغال درست شده ، و فرمودید که برای تنفس خوب نیست ، از دودکش بالا برود و در اطاق جمع نشود .

آموزگار : آفرین ! درست گفتید . موقعیکه در اطاق چراغ نفتی یا زغال میسوزد باید گاه بگاه پنجره را باز کرد تا گاز کربن خارج شود و هوای تازه باطاق بیاید .

خسرو : بخاری خانهٔ ما مثل بخاری مدرسه نیست و با نفت میسوزد ؛ آیا بخاری نفتی هم مثل بخاری زغالی گاز کربن درست میکند ؟

آموزگار : بلی ، از سوختن هر جسم سوختنی مانند چوب ، زغال سنگ ، نفت و بنزین گاز کربن درست میشود .

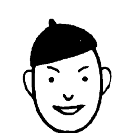
جمشید : پس ما که در خانه بجای بخاری کرسی داریم از خطر گاز کربن آسوده ایم

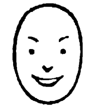
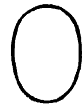
آموزگار : برعکس، شما که کرسی دارید باید بیشتر مواظب باشید زیرا درمنقل زیرکرسی گازکربن زیاد تولید میشود ، مخصوصاً اگرزغال یاخاکه زغال خوب نگرفته باشد .

ناصر : حالاخوب فهمیدم که مقصود ازگرفتن بخاری یاکرسی چیست . سال پیش دریک شب دونفراز همسایگان ماراکرسی گرفت وهردو مردند .

آموزگار ـ حالاکه خطرهای گازکربن رادانستید پس اولاًاز بکاربردن بخاریهای بی لوله که هوای اطاق راسمّی میسازند اجتناب کنید واگرناچاراز استعمال این بخاریها شدید گاهگاه پنجرۀ اطاقرا بازکنید تاهوای تازه وارد اطاقتان بشود ومسموم نگردید .
ثانیاً اگردرمنزل خودکرسی دارید بپدر ومادرخودکومک کنیدکه آتش منقل راخوب سرخ کنند ومدّتی درهوای آزاد بگذارندکه گاز سمّی آن خارج شود وبعد زیرکرسی بگذارند. بعلاوه وقتی میخواهید بخوابید سرخودرازیرکرسی نکنید مباداکه ازاثرگازکربن مسموم شوید .

نقاشی کنید



درس جغرافیا

استان نهم - خراسان

خراسان استان بزرگی است که در شمال شرقی ایران واقع شده . این
استان در سمت شمال و شمال شرقی با ترکستان که قسمتی از خاک شوروی است هم مرز
واز سمت مشرق با افغانستان محدود است .

شمال خراسان کوهستانی و جنوب غربی آن کویر و بصحرای مرکزی ایران متصل است.

در خراسان چندین رشته کوه وجود دارد که دنباله رشته البرزند . از آنجمله
هزار مسجد و بنالود یا بینالود در نزدیکی مشهد است .

از معروفترین رود های خراسان اترک است که از نزدیکی قوچان میگذرد و پس از
پیوستن بچند رود دیگر رود بزرگ اترک را تشکیل میدهد که سرحد میان ایران و شوروی
است و بدریای خزر میریزد .

در خراسان معادن زیاد یافت میشود ، یکی از آنها معدن فیروزه در نیشابور است
که شهرت جهانی دارد .

محصولات کشاورزی خراسان از قبیل غلات . پنبه و تریاک فراوان و پر اهمیت
است . در آنجا انواع میوه های خوب بعمل میآید چنانکه هلو و گیلاس و مخصوصاً
سیب دره های پرآب اطراف مشهد شهرت بسیار دارد .

خوبی و فراوانی چغندر خراسان سبب شده که تا کنون دو کارخانهٔ قندسازی درآنجا برپا شود .

قالی خراسان بخوبی معروف و یکی از صادرات عمدهٔ ایران بخارج کشور است .

بسیاری از بزرگان و دانشمندان وشعرای ایران که مایهٔ سربلندی وافتخار ما هستند ازخراسان برخاسته اند . عمرخیّام وشیخ عطّار از نیشابور ؛ حکیم ابوالقاسم فردوسی ، خواجه نصیرالدین طوسی وخواجه نظام الملک از اهل طوس هستند که شهری قدیمی ونزدیک مشهد حالیه بوده است .

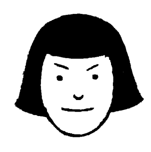
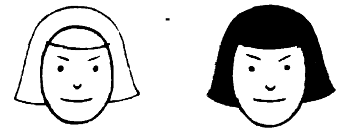
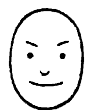
شهرمشهد، مرکز استان نهم ، ازشهرهای قدیمی ایران و مدفن حضرت رضاع امام هشتم وزیارتگاه شیعیان است . مزار[1] آنحضرت کتابخانه وموزهٔ بزرگی دارد که کتابهای نفیس واشیاء تاریخی وگرانبها درآن جمع آوری شده است .

ازشهرهای معروف خراسان بیرجند ، نیشابور ، سبزوار ، قوچان ، بجنورد ، تربت حیدریه و کاشمر است .

---

[1] زیارتگاه

نقاشی کنید


پند و مثل

عالِم بی عمل درخت بی ثمر است . *

گرهی که بدست وا میشود بدندان نباید باز کرد .

آشپز که دو تا شد آش یا شور است یا بی نمک .

کوه بکوه نمیرسد آدمی بآدمی میرسد .

ماهی را هر وقت از آب بگیرند تازه است .

گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم .

تعجیل نکو نیست مگر در عمل خیر .

ندهد مرد هوشمند جواب — مگر آنگه[1] کزو[2] سؤال کنند

مال از بهر[3] آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن[4] مال .

عاقلیرا پرسیدند که نیکبخت کیست و بدبخت چیست ، گفت نیکبخت آنکه خورد و کِشت[5] بدبخت آنکه مُرد و هِشت[6]

---

۱ آنگاه ۲ کز او ۳ از برای ۴ جمع کردن ۵ کاشت ۶ گذاشت .

---

* آموزگاران باید معنی هر یک از پند و امثال بالا را خوب بشاگردان بفهمانند و محل استعمال هر مثل را هم با مثالهای متناسب بآنها نشان دهند .

درس تاریخ

نادرشاه افشار

هنگامیکه ایران میدان تاخت و تاز افغانها بود، دشمنان دیگر ایران، دولت عثمانی و روسیه نیز از خرابی اوضاع ایران استفاده کردند: روسها ساحل جنوبی بحر خزر و عثمانیها قسمتهای غربی ایرانرا تصرّف نمودند.

دراین موقع که خاک ایران سراسر زیر پای دشمن بود، مردی رشید و شجاع بنام نادر از ایل افشار خراسان قیام کرد و باندک زمانی بپشتیبانی دلیران ایران و بنیروی همّت بلند خود دشمنان خارجی را برانداخت و آشوب داخلی را خوابانید.

نادر نخست بدفع افغانها پرداخت و پس از چند جنگ سخت آنهارا تار و مار کرد.

صورت نادرشاه

دراین موقع دولت روس که عظمت و پیشرفت نادر را دید قسمتهائی را که در تصرّف داشت تخلیه نمود.

نادر پس از بیرون کردن افغانها بجنگ با عثمانیها مشغول شد و تنها براندن آنان

از ایران قناعت نکرد بلکه بخاک عثمانی نیز حمله برد ؛ درنتیجه دولت عثمانی مجبور بصلح شد .

دراین هنگام ایرانیان بواسطهٔ لشگرکشیها وفتوحات نادر و قدرتی که درسرکوبی وبرانداختن دشمنان داخلی وخارجی ایران نشان داده بود اورا شایستهٔ پادشاهی دانستند وبسلطنت برگزیدند .

نادرشاه افشار پس از رسیدن بپادشاهی ازخراسان بافغانستان شتافت وپس ازتصرّف قندهار بهندوستان لشگرکشید وآن کشور پهناور رافتح کرد ؛ پادشاه هند بحضور وی آمد وتاج شاهی وجواهر سلطنتی راتقدیم داشت امّا نادرشاه تاج سلطنتی را دوباره بپادشاه آنجا بخشید وخود باثروت فراوان بایران بازگشت وچند سال بعد درنزدیکی قوچان کشته شد .

اشعار ذیل را حفظ کنید ؛

نصیحت

اکنون که دستت میرسد کاری بکن — پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

نام نیکو گر بماند ز آدمی — به کزو ماند سرای زرنگار[1]

۱ـ نقاشی و زینت شده با طلا

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست   ای برادر سیرت(۱) زیبا بیار

گنج خواهی در طلب(۲) رنجی ببر   خرمن ار میبایدت تخمی بکار

کام(۳) درویشان و مسکینان(۴) بده   تا همه کامت برآرد(۵) روزگار

نام نیک رفتگان ضایع مکن   تا بماند نام نیکت برقرار

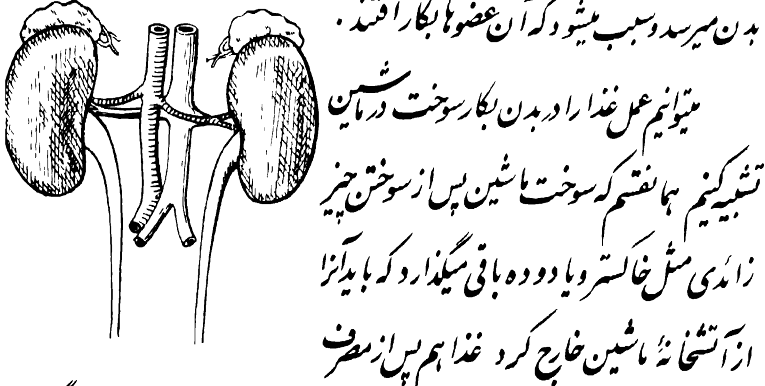
«سعدی»

۱- رفتار ۲- خواستن ۳- خواست و حاجت ۴- بی‌چیزان ۵- برآورد

درس علم الاشیاء

کُلیه

چنانکه میدانیم پس از آنکه غذا هضم شد شیرهٔ آن از روده وارد خون میشود و از آنجا بتمام اعضاء بدن میرسد و سبب میشود که آن عضوها بکار افتند.



میتوانیم عمل غذا را در بدن بکار سوختن در ماشین تشبیه کنیم همانقسم که سوخت ماشین پس از سوختن چیز زائدی مثل خاکستر و یا دوده باقی میگذارد که باید آنرا از آتشخانهٔ ماشین خارج کرد غذا هم پس از مصرف شدن چیزهائی در عضوها باقی میگذارد که سمی است و باید بخارج از بدن دفع گردد این چیزهای سمی بوسیلهٔ خون بعضوی بنام کُلیه میرسد و از آنجا بصورت پیشاب بخارج

رانده میشود .

کُلیه را قُلوه هم میگویند. انسان دو کلیه دارد که بشکل قلوه های گوسفند و تقریباً بهمان اندازه اند. کلیه ها در ناحیهٔ کمر و در دو طرف ستون فقرات قرار دارند. اگر کُلیه درست کار نکند شخص بیمار میشود و حتّی ممکن است بمیرد .

شاگرد مدرسهٔ خوب



منصُور در کلاس چهارم دبستان درس میخواند وهمیشه در امتحانات شاگرد اوّل میشود ؛ پدر و کارکنان مدرسه از اخلاق و کار او بسیار راضی هستند و همه با چشم محبّت و تحسین باو نگاه میکنند . خوب است ببینیم منصور چه کارهائی میکند که همه اورا دوست دارند تا ما هم مثل او باشیم :

منصور شاگرد باادب و مهربانی است ؛ سروقت بدبستان حاضر میشود ؛ وقتی کسی صحبت میکند خوب گوش میدهد و چون سخن گوینده تمام شد مطلب خود را بیان میکند ؛ کلمات «لطفاً» «تشکر میکنم» غالباً از زبان منصور شنیده میشود ؛ بچه های کوچکتر از خود کومک میکند و هر قدر بتواند احتیاجات آنانرا برمیآورد ؛ هرچه راازکسی میگیرد باو پس میدهد ؛ راست میگوید و دُرست قول است ؛ میز

ونیمکت خود را در کلاس پاکیزه نگاه میدارد ؛ در و دیوار کلاس و مدرسه را
خط‌خط نمیکند، سخنان یاوه والفاظ پوچ و بی‌معنی کسی از منصور نشنیده است .
مادرش مکرر با و گفته است منصور بخند تا دنیا بتو بخندد ؛ ازاینرو منصور
همیشه خنده رو و بانشاط است و از اخم و ترشروئی بدش میآید .
راستی منصور گذشته از درس، در ورزش و بازیهای گوناگون نیز از دیگران جلوتر
است ؛ هنگام ورزش بقاعده و با ترتیب بازی میکند ؛ بدیگران و بخصوص کوچکتران
فرصت و مهلت برای بازی میدهد ؛ اتّفاق میافتد که منصور گاهی در بازیها شکست
بخورد امّا او خود را نمیبازد و دوباره بازی را از سر میگیرد تا ببرد ؛ اگر همبازیهای
او ببازند آنانرا ملامت و سرزنش نمیکند از این جهت است که او را دوست دارند
و موقع بازی همه میخواهند که منصور از دستهٔ آنها باشد . ما هم سعی میکنیم که
مثل منصور باشیم .

تمرین - این درس را با خط خوب در دفتر خود بنویسید و زیر اسمها یک خط ، زیر صفتها
دو خط و زیر فعلها سه خط بکشید .

درس جغرافیا

استان دهم - اصفهان و یزد

استان دهم که در مرکز ایران واقعشده شامل شهرستانهای اصفهان و یزد است . درمغرب این استان کوههای بختیاری و درمشرق آن کویرلوت قرار دارد .

زاینده رود که از کوههای بختیاری سرچشمه میگیرد قسمتی ازاراضی این استانرا مشروب میکند . این رود ازجنوب اصفهان میگذرد و بمرداب گاوخونی میریزد . کشاورزی دراین استان رونق بسیار دارد . وازآنجا غلات ، سبزیجات ومیوهٔ فراوان ازقبیل خیار ، خربزه ، به ، هلو وگلابی بدست میآید .

معادن فلزات دراین استان زیاد است : بزرگترین ناحیهٔ معدنی ایران درانارک ، یکی ازبخشهای این استان است وازآنجا مس ، نیکل ، سرب وغیره استخراج میشود .

اصفهان که مرکز استان دهم است بزرگترین شهرصنعتی ایران محسوب میشود . مردم این شهرغالباً هنرمند وصنعتگرند ؛ میناسازی ، قلمزنی وقالیبافی اصفهان معروف است و پارچه های قلمکار آنجا هم شهرت دارد . درکارخانه های بزرگ نساجی این شهر انواع پارچه مخصوصاً پارچه های پشمی بافته میشود .

---

۱ - بافندگی

که در تمام کشور بمصرف میرسد .

اصفهان از برکت زاینده رود بسیار حاصلخیز ، خرّم و با صفاست؛ هر سال مقدار زیادی میوه از این شهر بشهرهای دور دست مثل تهران ، آبادان وکرمان برای فروش میبرند .

بناهای تاریخی در اصفهان بسیار است که بیشتر آنها درزمان شاه عبّاس صفوی و جانشینان وی ساخته شده است وبعضی آنها مانند مسجد شیخ لطف الله هنوز درکمال زیبائی باقی است .

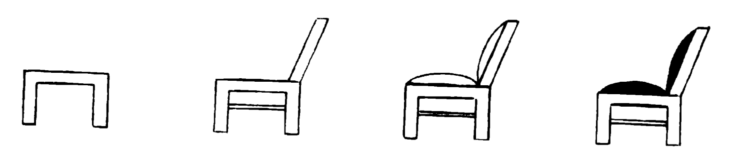
یزد برعکس اصفهان کم آب ونسبةً خشک است امّا چاههای عمیق[۱] قناتهای طویلی[۲] که بهمّت وکوشش کشاورزان یزدی حفر[۳] شده ومیشود کشاورزی آنجا رارونق بخشیده است .

شیرینی سازی و پارچه بافی یزد مشهور است .

---

۱ گود ۲ دراز و طولانی ۳ کندن

نقّاشی کنید



انشاء از روی شکل — نتیجهٔ آزار بحیوانات

سرگذشت این بچهٔ موذی را شرح دهید

اَدَب

لقمان[۱] را گفتند اَدَب از که آموختی گفت از بی ادبان که هرچه از ایشان در نظرم ناپسند[۲] آمد از فعل[۳] آن پرهیز کردم .

مرد باید که گیرد اندر گوش ور[۴] نوشته است پند بر دیوا

---

۱ نام حکیمی است معروف ۲ بد و ناشایسته ۳ کردن ۴ وَر اینجا بمعنی اگرچه است

سرود

"ایران"

ما باغ ایران را گلیم — ایران گل و ما بلبلیم
ما غنچه های نورسیم — گلهای بی خار و خسیم(۱)
ما را در ایران زاده اند — شیر محبت داده اند
او در وجود آوردمان — در دامنش پروردمان

تا مهر و مه تابنده است
ایران ما پاینده است
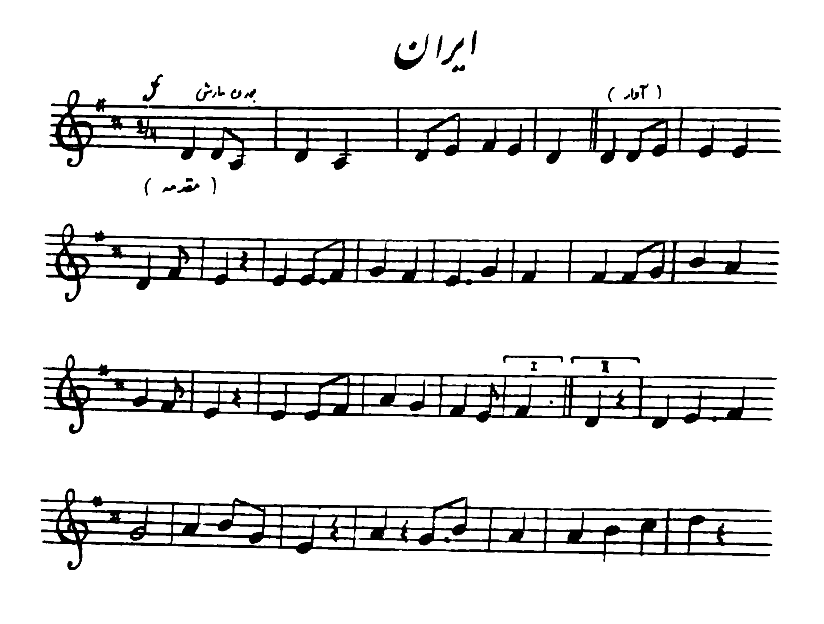
باغ جهان ایران ماست — بی او جهان زندان ماست
گهواره جنبان همه — او جسم ما و جان ماست
یزدان پرستی دین ماست — شه دوستی آیین(۲) ماست
بر شاه و میهن حق شناس — این شیوهٔ(۳) دیرین ماست

تا مهر و مه تابنده است
ایران ما پاینده است

این خانهٔ شاهان بود — کاخ شهنشاهان بود
درگاه شاپور و قباد — دربار نوشیروان بود
این خانهٔ امید ماست — تکیه گه جمشید ماست
این خانهٔ زال(۴) زر است — از هر سرائی خوشتر است

تا مهر و مه تابنده است
ایران ما پاینده است

۱- خاشاک ۲- رسم و روش ۳- راه و رسم ۴- زال پدر رستم .



سنّ حیوانات

معلّم حیوان شناسی از شاگردی پرسید سنّ اسب و امثال آنرا از روی چه میتوان تعیین نمود ؟ گفت از روی دندان .

معلّم پرسید سنّ مرغ و خروس را چطور ؟ گفت آنرا هم از روی دندان . گفت مرغ و خروس که دندان ندارند تا بتوان سن آنها را از روی دندانشان تشخیص داد - گفت از دندان خودم - گفت چطور ؟ - گفت مرغ و خروس وقتی پیر باشند گوشت آنها سِفت است و زیر دندان خوب جویده نمیشود واگر جوان باشند بآسانی جویده می شود .

درس تاریخ

کریمخان زند

پس از کشته شدن نادرشاه میان سرداران و برادرزادگان او کشمکش درگرفت ، با یکدیگر بنای زد و خورد را گذاشتند و بار دیگر مردم ایران دچار ناامنی و بی نظمی شدند . دراین هنگام یکی از سران ایل لُر که رئیس طایفهٔ زند و نامش کریمخان بود لشکری فراهم آورد ، اصفهان و فارس را تصرّف کرد و بعد با مدّعیان سلطنت و اشرار فتنه جو بجنگ پرداخت و آنانرا مغلوب ساخت .

کریمخان مردی شجاع ، جوانمرد و عادل بود ؛ با مردم بسیار مهربانی میکرد و پیوسته بآبادی کشور و آسایش رعیت میکوشید . او تمام ایرانرا بجز خراسان ، که باولاد نادرشاه واگذارده بود ، بزیر فرمان خود در آورد .



صورت کریم خان وکیل

کریمخان هیچوقت نام پادشاه برخود ننهاد بلکه خود را وکیل مردم میدانست . او شیراز را

پایتخت خود قرار داد . بناهای عالی از مسجد، گرمابه، بازار، کاروانسرا، آب انبار و باغهای باصفا در آن شهر ساخت که بیشتر آنها هنوز باقی و معروف بناهای وکیل است .

تمرین جمله سازی

کلمات ستون دست راست را با کلمات ستون دست چپ طوری ترکیب کنید که معنی تمام بدهد : مثلاً : چای سرد شد . شیشه شکست

ستون راست	ستون چپ
۱- چای . باد . شیشه	۱- شکست . سرد شد . وزید
۲- گربه . اسب . کور	۲- شیهه میکشد . نمی بیند . گاز میگیرد
۳- خوابیده . خریدم . نهال را	۳- نشاندم . بیدار شد . خانه را
۴- از دبستان . برآمد . تلفن	۴- زنگ زد . آمدم . آفتاب
۵- درخشید . پول من . باهوش است	۵- گم شد . جمشید . ستاره
۶- سخن را . غذا را . آب را	۶- نوشید . شنید . خورد

تر که خشک گرفت آتش و میسوزد

کلمات بالا را طوری پس و پیش کنید که از آن یک مثل معروف فارسی بیرون آید

درس علم الاشیاء

لبنیات



شیر گاو و گوسفند برای انسان مفید و غذای لذیذ وسالمی است .

از شیر ، سرشیر ، ماست ، پنیر ، کره و روغن بعمل میآید .

ماست : برای درست کردن ماست شیر را میجوشانند و میگذارند کمی سرد شود باندازه ای که انگشت را نسوزاند دراینوقت شیر را مایه میزنند یعنی کمی ماست تازهٔ خوب بآرامی درآن میریزند ، آنگاه سرظرف و اطراف آنرا با پارچه میپوشانند که سرد نشود . بعد از دوسه ساعت شیر میبندد و ماست میشود .

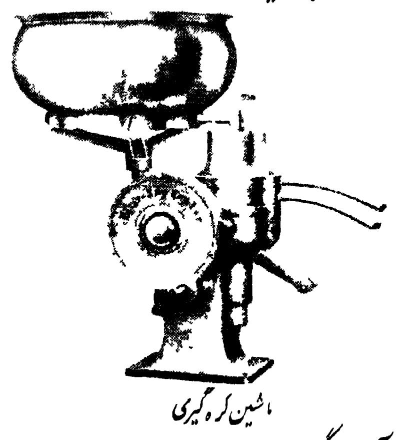
ماست خوب از شیر تازه و چربی نگرفته بعمل میآید .

کره : کره را از دوراه بدست میآورند :

۱ـ از ماست : کمی آب را با ماست مخلوط میکنند و آنرا میزنند یعنی آنرا مدتی تکان میدهند ؛ درنتیجه کرهٔ ماست جدا و در رو جمع میشود . آنچه باقی میماند دوغ است .

در دهات برای گرفتن کره ماست را در مَشکهای بزرگ میریزند و مشکرا مدتی تکان میدهند تا کره از دوغ جدا شود .

۲ ـ از شیر : میتوان کره را از تکان دادن شیر نیز بدست آورد . برای اینکار یا شیر را در ظرفی میریزند و آن را تکان میدهند تا کره از آن جدا شود و یا در ماشین کره گیری میریزند : چون ماشین را با دست بحرکت در آورند پره های داخل ماشین میچرخد و کره را از شیر بصورت خامه جدا میکند


ماشین کره گیری

باید دانست کره ای که از ماست بدست میآید سالمتر از کره ایست که از شیر تهیّه میشود زیرا برای بستن ماست باید قبلاً شیر را جوشانید و باین ترتیب میکربهای مُضِرّ آن از بین میروند .

روغن : کره را میجوشانند و جِرم آنرا میگیرند روغن میشود .

امروزه علاوه بر روغن حیوانی روغن دیگری برای پختن غذا و شیرینی بکار میرود که از نباتات میگیرند و بروغن نباتی معروف است .

پنیر : برای درست کردن پنیر کمی پنیر مایه در شیر نیمگرم میریزند و خوب

بهم میزنند و روی آن را با پارچهٔ پاکی میپوشانند و میگذارند تا کم کم شیر سرد و بسته شود بعد در صافی میریزند تا آب آن بیرون برود ، آنگاه آنرا در پارچهٔ محکمی می پیچند و چیز سنگینی روی آن میگذارند تا باقی آب آن نیز خارج شود.

پنیری که از شیر تازه و چربی نگرفته بعمل آید چرب و خوشمزه و مطبوع است.

شیر و ماست و پنیر و کره هم غذائی خوشمزه و هم برای تندرستی بسیار سودمند است .

خوراک مردم ده نشین چون غالباً شیر و ماست است بیشتر آنان تندرستند پزشکان میگویند خوردن شیر و ماست عمر انسان را زیاد میکند

برای خنده

(۱) معلم - چرا سر شیر و کره بالا میآیند و روی شیر جمع میشوند ؟

شاگرد - برای اینکه مردم بتوانند آنها را بگیرند و بخورند .

---

(۲) معلم - برای جلوگیری از فاسد شدن و ترش شدن شیر چه باید کرد؟

شاگرد - بهتر اینست که شیر را در پستان گاو نگهدارند .

گرگ و لکلک

گرگی که استخوان بزرگ در گلویش گیر کرده بود رنجور شد ؛ با لک لکی قرار گذاشت که اگر استخوان را از گلوی او بیرون آورد پاداش و دستمزد خوبی باو بدهد . لکلک که گردن و نوک بلندی داشت بدهان گرگ نزدیک شد ، نوک خود را در گلوی او فرو برد و استخوانرا بآسانی بیرون آورد . آنگاه تقاضای دستمزد کرد .



گرگ دندانهای خود را بهم فشرد و چشمانش را بطرف لکلک خیره کرد و گفت : چه پاداش از این بالاتر که سر خود را بآسودگی در دهان گرگ خون آشامی چون من فرو برده و سالم بیرون آورده ای ؟ همین افتخار برای تو بس است .

آزمایش فکری

از حکایت زیر کلمات : دور . میخواستم . چیزی . چسبیده اند . تند . بقدری . خود . تیرهای . خریده . بدوران . نمره . افتاده است آنها را طوری در جای خود بگذارید که حکایت درست فهمیده شود .

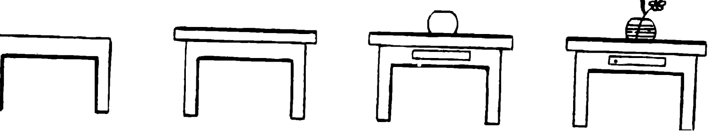
خودستائی !

دو نفر تازه . . . . رسیده که هر دو اتومبیل . . . . بودند از مهارت . . . صحبت میکردند :

اوّلی گفت : من . . . . ماشین را . . . . می بردم که . . . . تلفن بین راه همه بنظر میآمد بهم . . . . . .

دوّمی گفت : اینکه . . . . نیست . من . . . . دور بزنم از بس بسرعت . . . . زدم . . . . عقب ماشین خود را خواندم

نقاشی کنید



با پدر و مادر درشتی نباید کرد

روزی بغرور[۱] جوانی بانگ بر مادر زدم دل آزرده بکنجی نشست و گریان همیگفت: مگر خردی[۲] فراموش کردی که درشتی میکنی

چه خوش گفت زالی[۳] بفرزند خویش · چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن[۴]

گر از عهد[۵] خردیت یاد آمدی · که بیچاره بودی در آغوش[۶] من

نکردی در این روز بر من جفا[۷] · که تو شیر مردی و من پیرزن

«از گلستان سعدی»

۱- غفلت ۲- کوچکی ۳- پیرزن ۴- زورمند ۵- زمان ۶- بغل ۷- بدی و ستم

درس تاریخ

قاجاریه

ایل قاجار طایفه‌ای از ترکمنها بودند که در استراباد (گرگان حالیه) زندگی میکردند.
یکی از رؤسای این طایفه بنام محمد حسنخان قاجار در جنگ با کریمخان زند کشته شد و کریمخان پسر او آقا محمد خانرا در شیراز زیر نظر خود نگهداشت.

همینکه کریمخان درگذشت آقا محمد خان باسترآباد گریخت و بکومک افراد قبیلهٔ خود بزودی استراباد، مازندران و گیلانرا متصرف شد.

بازماندگان کریمخان نیز که برای رسیدن بپادشاهی بجان هم افتاده و ضعیف

شده بودند در جنگ با آقا محمد خان مغلوب گردیدند در نتیجه او بپادشاهی رسید
آقا محمّد خان در سال ۱۲۰۰ هجری قمری تهران را پایتخت قرار داد و بزودی بر تمام ایران
مسلط گردید . او پادشاهی باتدبیر و جنگجو امّا بسیار سختگیر و بیرحم وکینه جو بود و عاقبت
بدست گماشتگان خود کشته شد .

آقا محمّد خان چون اولاد نداشت برادرزاده اش باباخان بسلطنت رسید
که پس از نشستن بتخت سلطنت لقب فتحعلیشاه را اختیار کرد . این پادشاه دوبار با
دولت روسیّه جنگیده و در هر دو جنگ گرچه در اوّل فتح با ایران بود ، امّا عاقبت
بسبب بی نظمی سپاه و خیانت جمعی از مردم ، سپاه ایران شکست خورد و قسمت
مهمّی از خاک ایران که در شمال رودخانهٔ ارس بود بتصرّف دولت روس در آمد و رودخانهٔ
ارس سرحدّ بین دو مملکت گردید

پس از فتحعلیشاه محمّدشاه بسلطنت رسید ، این پادشاه میرزا ابوالقاسم قائم مقام را
صدراعظم خود کرد . قائم مقام مردی باکفایت واز نویسندگان معروف زبان
فارسی است .

پس از محمّدشاه پسر او ناصرالدّین میرزا بپادشاهی رسید . ناصرالدّین شاه
ابتدا بکومک و تدبیر صدراعظم خود میرزا تقی خان فراهانی بر اوضاع مسلّط گردید .



صورت میرزا تقی خان امیرکبیر

میرزا تقی خان مردی باکفایت و وطندوست بود، در مدت کم در تمام ایران نظم و امنیت را برقرار کرد، برای تعلیم و تربیتِ مَرَدُم کوشید و مدرسهٔ دارالفنون در تهران از یادگارهای او است؛ بسبب همین خدمات او را امیرکبیر لقب داده‌اند.

امّا ناصرالدّین شاه قدر این وزیر کاردان ولایق را ندانست و از روی جوانی و نادانی او را معزول کرد و کمی بعد امر بکشتن او داد.

ناصرالدّین شاه پس از پنجاه سال سلطنت در بقعهٔ حضرت عبدالعظیم کشته شد.

اثرِ همنشینی

روزی محمود درخانهٔ جمشید مهمان بود؛ هنگام بازگشت جمشید چند دانه گل یاس چید و باو داد. محمود گلها را در دستمال ریخت و در جیب گذاشت؛ چون بخانه رسید میان خواهران و برادران خود تقسیم کرد.

روز بعد محمود باپدرش بگردش رفته بود در راه نهرِ آبی دید، دست ورویش را شُست و دستمال درآورد که صورتش را خشک کند دید هنوز بوی گُل میدهد بپدرش

گفت من دیروز چند دانه گُلِ یاس در این دستمال ریخته بودم هنوز بوی خوش میدهد پدرش گفت بوی این دستمال برای تو درس خوبی است همینطور که این دستمال از همنشینی و مجاوَرَت با گل بوی گل گرفته است ، انسان هم با هرکس همنشینی و آمیزش کند خوی او را میگیرد ؛ پس باید با مردمِ خوشخوی و دانا نشست و برخاست کرد واز مُعاشَرَتِ[۱] با مردم بَد و نادان گریزان بود .

گِلی خوشبوی در حمّام رُوزی | رسید از دست محبوبی[۲] بدستم
بدو گفتم که مُشکی یا عَبیری[۳]؟ | که از بوی دلاویز[۴] تو مستم
بگفتا من گِلی ناچیز[۵] بودم | ولیکن مدّتی با گُل نشستم
کمالِ[۶] همنشین در من اثر کرد | وگرنه من همان خاکم که هستم

موضوعِ انشاء :

این دو شعر را از بر کنید و در بارهٔ آن ۵ سطر بنویسید :

با بدان کم نشین که صُحبتِ[۷] بد | گرچه پاکی تورا پلید[۸] کند
آفتاب ارچه روشنست آنرا | پارهٔ ابر ناپدید[۹] کند

۱ آمد و شد - همنشینی ۲ محبوب یعنی دوست ۳ چیزی که بوی خوب میدهد ۴ خوب و دلپذیر . ۵ بی قدر و ارزش ۶ برتری - فضل ۷ معاشرت ۸ ناپاک ۹ ناپیدا

درس جغرافیا

آسیا

همسایگان ایران

درسال سوم خواندیم که خشکیهای سطح زمین را بپنج قطعهٔ بزرگ آسیا ، اروپا ، افریقا ، امریکا ، اقیانوسیه تقسیم کرده اند .

آسیا بزرگترین قطعات[1] سطح زمین است وکشور ما ایران دراین قطعه در مغرب آن قرار دارد .

کشورهای ترکیه ، عراق ، پاکستان وافغانستان که با ما هم مرز و همسایه اند نیز دراین قطعه قرار دارند .*

همچنین یک قسمت از خاک روسیهٔ شوروی که در آسیا واقع شده با ما همسایه است .

ترکیه درشمال غربی ایران واقع شده وپایتخت آن شهر آنکارا است .

معروفترین شهراین کشور اسلامبول یا استامبول است که سابقاً پایتخت بوده .

مردم این کشور مسلمانند وزبان آنان ترکی است .

۱ـ قطعه ها

* آموزگاران کشورهای همسایه ایرانرا از روی نقشه بشاگردان نشان دهند وآنقدر تمرین کنند تا محل این کشورها نسبت با ایران ونسبت بیکدیگر خاطرنشان آنان گردد .

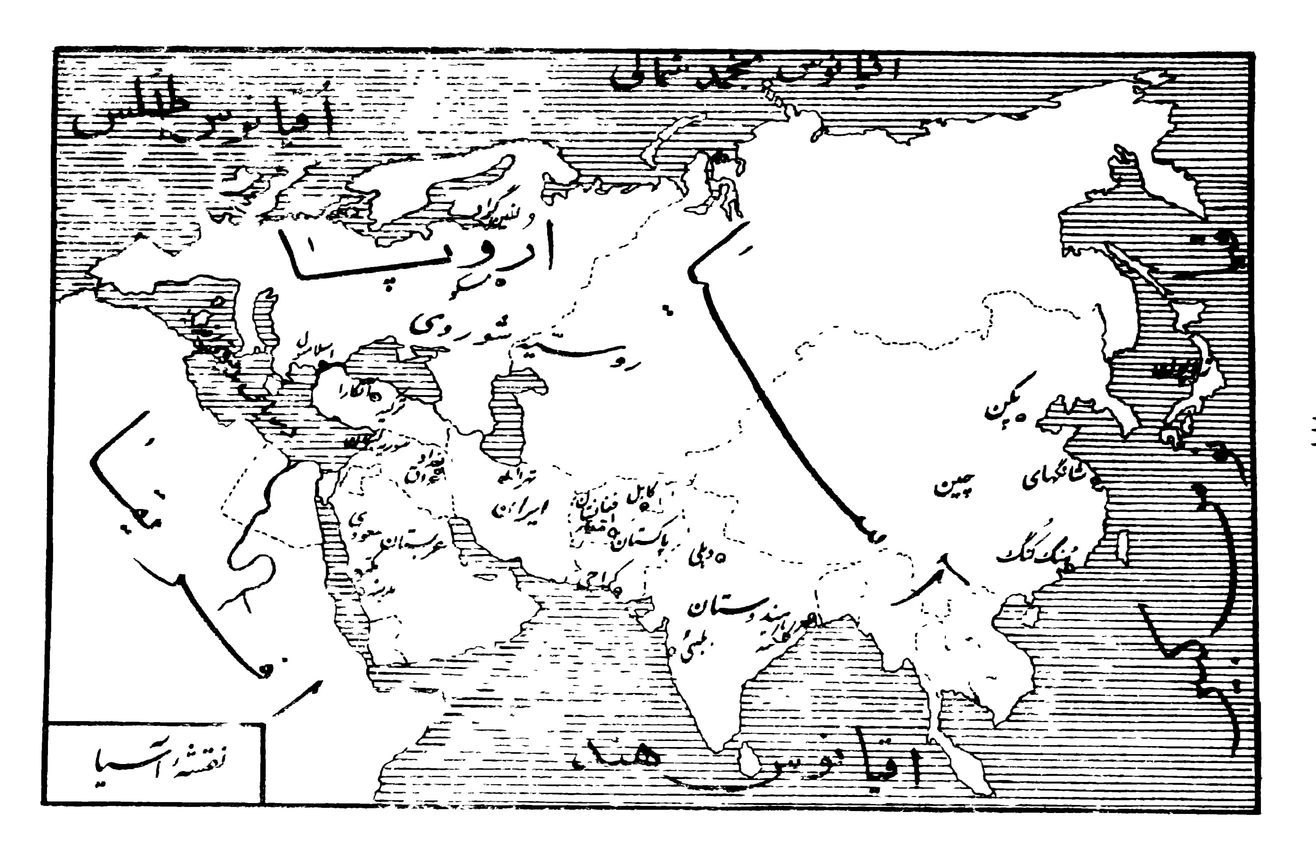
عراق در مغرب ایران و پایتخت آن شهر بغداد است . زبان مردم این کشور عربی و دینشان اسلام است ، در عراق دو رود دَجله و فُرات جاری است . این دو رود نزدیک خلیج فارس بیکدیگر متصل میشوند و شط العرب را تشکیل میدهند . نجف ، مَدفَنِ حضرت امیرالمؤمنین علیؑ و کربلا ، مدفن حضرت امام حسینؑ از شهرهای معروف عراقند .

پاکستان در جنوب شرقی ایران واقعست . زبان فارسی در این کشور رواج دارد و مردم آن مسلمانند . پایتخت پاکستان بندر کراچی در ساحل[1] اقیانوس هند قرار دارد . لاهور یکی از شهرهای مهم این کشور است .

افغانستان در مشرق ایران و پایتخت آن شهر کابُل است ، مردم این کشور مسلمانند و بزبان فارسی تکلّم[2] میکنند . هرات و قندهار از شهرهای مُعتَبَرِ[3] افغانستان بشمار میآیند .

روسیهٔ شوروی کشور پهناوری است که پایتخت و غالب شهرهای مهم آن در قطعهٔ اروپا واقع است ، پایتخت روسیه شهر مسکو و یکی از شهرهای معتبر آن لنین گراد است .

۱- کنار ۲- سخن گفتن ۳- با اعتبار - با اهمیت .


اقیانوس منجمد شمالی
اقیانوس اطلس
اروپا
مسکو
شوروی
روسیه
استامبول
آنکارا
ترکیه
سوریه
بغداد
عراق
تهران
ایران
کابل
افغانستان
پاکستان
دهلی
کراچی
هندوستان
بمبئی
عربستان سعودی
مکه
مدینه
افریقا
پکن
چین
شانگهای
هنگ کنگ
اقیانوس هند

نقشهٔ آسیا

آزمایش هوش : داستان زیر را بدقّت بخوانید اوّلاً هرچه را که در آن نادرست دیدید تصحیح کنید و ثانیاً حکایت تصحیح شده را پاکنویس نمائید

شکار آهو و مرغابی

فصل تابستان بود . روزی سه شکارچی برای شکار از شهر خارج شدند روشنائیِ مهتاب منظرهٔ زیبائی بصحرا و دشت بخشیده بود ، آب از هر طرف جاری بود امّا بعضی از نهرها یخ بسته بود .

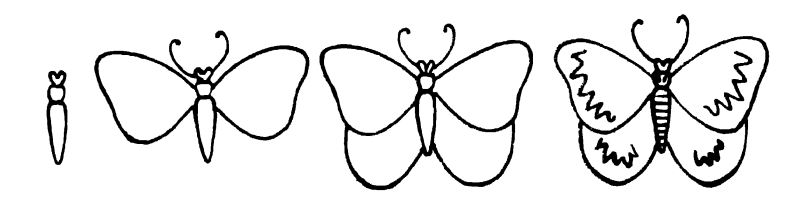
شکارچیان درراه با آهوئی برخوردند و از آنجا که آهو چابک نیست و خوب نمیتواند بدود بزودی توانستند او را بکشند و بگیرند . دو نفر از شکارچیها همانجا مشغول پختنِ گوشت آهو و تهیهٔ ناهار شدند و دو نفر دیگر دوباره برای شکار براه افتادند دو فرسنگ بیشتر نرفته بودند که ناگهان نظرشان بیک مرغابی افتاد که روی درختی نشسته مشغول شیر دادن جوجه های خود بود . حیوان تا آنها را دید شیهه کشان فرار کرد و چنان تند دوید که شکارچیان توانستند او را بگیرند . وقتی که خواستند او را بکشند دندانهای خود را محکم بهم میزد و از شدّتِ دست و پا زدن تمام پشمهایش ریخت امّا توانست از دست شکارچیان خلاص شود و خود را بنهر آبی که از نزدیک آنجا میگذشت برساند ، بیچاره بآب زد ولی چون شنا نمیدانست دوباره

بچنگ آن سه شکارچی افتاد .

دراین موقع که ظهر بود آندو شکارچی که مشغول کباب کردن گوشت آهو بودند ناهار را حاضر کردند و دوستان خود را برای صرفِ آن صدا زدند . اینان کبوتری را که شکار کرده بودند با زحمت بسیار بدوش کشیدند و بسوی آنان باز گشتند . بعد از صرفِ غذا مهیای بازگشت شدند و یکساعت بظهر مانده بود که بخانهٔ خود در ده رسیدند

آموزگاران این حکایت را در کلاس جمله بجمله بخوانند واز شاگردان در تصحیح آن کمک بخواهند چنانچه از جمله ای گذشتند وکسی متوجّه غلط آن نشد دوباره آنرا تکرار و شاگردان را بدقت بیشتر وادار کنند . پس از آنکه داستان بانتها رسید از شاگردان بپرسند که دراین حکایت چند اشتباه وجود دارد ؟ وآنانرا وادارند بنحویکه در بالا پیش از عنوان داستان اشاره شده است حکایت را تصحیح و پاکنویس کنند .

نقاشی کنید :



درس علم الاشیاء

رودخانه - چشمه - چاه - قنات

آب باران و برف و تگرگ پس از رسیدن بزمین یک قسمت از آن بخار میشود و بهوا میرود، قسمتی از آن بزمین فرو میرود و باقیمانده بر سطح زمین جاری میگردد .

آبیکه بزمین فرو میرود یا خود بشکل چشمه از جای دیگر بیرون میآید و یا آنرا با کندن چاه و قنات بیرون میآورند و بمصرف آشامیدن یا زراعت میرسانند . ممکن است در گذرگاه این آب، در زیر زمین بعض نمکها باشد و در آن حل شود بدینجهت آب بعض چاهها و چشمه ها تلخ و شور است .

آن قسمت از آب باران و برف که بر سطح زمین جاری میگردد ابتدا بصورت رشته های باریکی است که آنرا جوی میگویند، از بهم پیوستن چند جوی نهر و از اتصال نهرها رود بوجود میآید . جائی را که رود در آن جریان دارد رودخانه یعنی خانهٔ رود میگویند. بیشتر رودها عاقبت بدریا میریزند .

رود در آبیاری زمینهای زراعتی اهمیت بسیار دارد و بهمین جهت است که در جلو بعضی رودخانه ها سد میسازند تا آب رودخانه را بیشتر بمصرف مشروب ساختن اراضی برسانند .

کار کردن از مقام کسی نمیکاهد

عُمر بن عبد العزیز[1] در ایّام[2] خلافت شبی چیز مینوشت ؛ چون پاسی[3] از شب گذشت روغن چراغ رو بنقصان[4] نهاد ؛ مهمانی حاضر بود گفت ای امیر اگر اجازه باشد بروم و قدری روغن چراغ بیاورم . گفت بمهمان فرمان دادن از مروّت[5] نباشد گفت خدمتکار را صدا کنم تا روغن بیاورد . عمر گفت از برای اینکار نباید زیردستان را ناراحت ساخت پس خود برخاست ، روغن آورد ؛ در چراغ ریخت و گفت برخاستم عُمر بن عبد العزیز بودم و نشستم همانم و این کار هیچ از قدر[6] و منزلت[7] من کم نکرد .

---

۱ عمر پسر عبد العزیز، یکی از خلفاء نیکنام بنی اُمیّه که دوستدار خاندان علی علیه السلام بود ،
۲ روزها ۳ مقداری ۴ کم شدن ۵ جوانمردی ۶ اندازه و مقدار ۷ مرتبه و مقام

میانه روی

سَعدی گوید :

نه چندان نرمی کن که بر تو دلیر[1] شوند و نه چندان درشتی که از تو سیر گردند

چو نرمی کنی خصم[2] گردد دلیر   وگر خشم گیری شوند از تو سیر

درشتی نگیرد خردمند پیش   نه نرمی که ناقص کند قدرِ خویش

---

۱ مُسلّط ـ غالب گُستاخ ۲ دشمن

درس جغرافیه

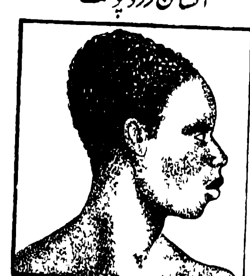
نژاد های انسان


انسان سفید پوست

مردم روی زمین را از جهت اختلاف رنگ پوست بچهار دستهٔ بزرگ یا نژاد تقسیم کرده اند . ازین قرار : نژاد سفید یا سفید پوستان ، نژاد زرد یا زرد پوستان ، نژاد سیاه یا سیاه پوستان ، نژاد سرخ یا سرخ پوستان .


انسان زرد پوست

سفید پوستان مردمی هستند که رنگ پوستشان روشن و موی بدنشان نرم و برنگ مشکی ، خرمائی یا بور است . محل سکونت این نژاد اروپا ، قسمت بزرگی از امریکا ، جنوب و مغرب آسیا و شمال افریقا است . ایرانیان از نژاد سفیدند .


انسان سیاه پوست

زرد پوستان مردمی هستند که رنگ بدنشان نزدیک بزرد است مردم این نژاد در مشرق آسیا سکونت دارند


انسان سرخ پوست

رنگ بدن سیاه پوستان تیره ، موی آنان سیاه و زبر و پیچیده ولبانشان کلفت است . بیشتر مردم افریقا و اقیانوسیه سیاه پوستند

رنگ پوست نژاد سرخ نزدیک برنگ مس سفید نشده است . این نژاد در امریکا دیده میشود .

پند و مثل

در دستگیری بینوایان و زیردستان :

دریاب[1] ضعیفانرا در وقت توانائی .

چو اِستاده[2] ای دست اُفتاده گیر .

تا توانی ناتوانرا دست گیر .

مزن بر سر ناتوان دستِ زور .

مکُن تا توانی دل خلق ریش[3] .

مروّت[4] نباشد بر اُفتاده زور .

گرت از دست بر آید دهنی شیرین کُن   مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی .

تا توانی دلی بدست آور   دل شکستن هنر نمیباشد .

در صبر و شکیبائی :

صبر تلخ است ولیکن بَرِ[5] شیرین دارد .

بصبر از غوره حلوا میتوان ساخت .

صبر و ظفر[6] هر دو دوستان قدیمند   بر اثر صبر نوبت ظفر آید .

---

۱ دستگیری کن   ۲ ایستاده‌ای   ۳ مجروح و شکسته   ۴ مردانگی   ۵ میوه   ۶ فتح و فیروزی

درس علم الاشیاء

آب آشامیدنی

آب آشامیدنی که آنرا آب مشروب نیز میگویند باید گوارا یعنی صاف، بی بو، خوش طعم و خنک باشد.

هرگز آبِ دستخورده و آلوده بخاک و خاشاک را نباید آشامید زیرا ممکن است میکرُب مُضر داشته باشد و آدمی را ناخوش سازد: حَصبه و اِسهال و بسی امراض کشندهٔ دیگر غالباً از نوشیدنِ آبهای ناپاک و آلوده بمیکرُب ناشی میشود[۱].

بنابراین اگر آبِ دست نخورده و پاک در دسترس نباشد باید آبِ آلوده را جوشانید تا میکربهای آن کشته شوند و این عمل هنگام بُروز[۲] و شُیوع[۳] امراض ضرورت دارد[۴].

اسباب مخصوصی هم باسم صافی هست که آبرا با آن صاف و از میکرب پاک میکنند.

در شهرها آبرا بوسائل[۵] مخصوص صاف میکنند و برای آنکه آلوده نشود بوسیلهٔ لوله بخانه ها میفرستند.

---

۱ بوجود میآید ۲ ظاهر شدن ۳ انتشار ۴ لازمست ۵ وسیله ها - اسباب

انشاء از روی شکل: بازیگوشِ بی احتیاط



آنچه را که از روی این شکلها میفهمید بنویسید.

نرمی در گفتار

سخن تا توانی بآزَرم[1] گوی — درشتی ز کس نشنود نرمگوی

بنرمی در آید ز سُوراخ مار — که تندی و تیزی نیاید بکار

«فردوسی»

---

۱ ـ شرم

درس جغرافیا

کشورهای دیگرِ آسیا

غیر از کشورهای همسایهٔ ایران که پیش از این خواندیم در آسیا کشورهائی دیگر هم وجود دارد که اینک بعضی از آنها را نام میبریم :

هندوستان ، کشور حاصلخیز و پرجمعیتی است که در جنوب آسیا قرار دارد.

پایتخت هندوستان دِهلی است . دو بندر مشهور کلکته و بمبئی از شهرهای مهم هندوستان بشمار میآیند .

چین ، پرجمعیت ترین کشورهای جهان ، در مشرق آسیا واقعست.

پایتخت چین شهر پِکَن و از شهرهای بزرگ آن دو بندر شانگهای و هُنگ کُنگ است . مردم چین از نژاد زرد ند .

ژاپُن ، از کشورهای مهمّ آسیا است . خاک ژاپن از چند جزیره تشکیل شده است که در مشرق آسیا در اقیانوس کبیر قرار گرفته اند . پایتخت این کشور شهر تُوکیُو است .

عَرَبستان سعُودی ، از کشورهای عرب نشین مغرب آسیا است .

یکی از شهرهای مهمّ این کشور مکهٔ معظّمه است . کعبه یا خانهٔ خدا ، که مسلمانان دنیا آنرا قبلهٔ خود میدانند و بسوی آن نماز میگزارند ، درین شهر قرار دارد

و هر سال از اطراف جهان عدّهٔ زیادی برای بجا آوردن اعمالِ حَجّ باین شهر میروند ، یکی دیگر از شهرهای مهم عربستان سعودی مدینهٔ طیّبه ، مَدْفَنِ حضرت رسول (ص) است .

سُوریّه و لُبنان ، دو کشور دیگر آسیا هستند که در طرف مغرب آن واقع شده اند . پایتخت سُوریّه شهر دِمَشْق یا شام و پایتخت لبنان بندر بیرُوت است که در کنار دریای مِدیترانه قرار دارد .

حکایت

رُوزی شِبلی[۱] بمسجدی رفت تا نماز گزارد[۲] در مسجد چندین کودکِ مکتبی بودند واتّفاقاً وقت نان خوردن آنان بود . دو کودک نزدیک شبلی نشسته بودند، یکی پسر مُنعِمی[۳] که در سفرهٔ خود نان و حلوا داشت و دیگر پسر درویشی[۴] که در زنبیلش جز نان خالی چیزی نبود . پسر مُنعم نان و حلوا میخورد و پسر درویش از وی حلوا میخواست . پسر مُنعم گفت اگر ترا حلوا بدهم سگ من میشوی ؟ گفت آری . گفت بانگ کن تا ترا حلوا دهم . آن بیچاره بانگِ سگ همیکرد و پسر منعم باو حلوا همیداد .

---

۱ یکی از بزرگان خداشناس ۲ نماز گزارد : نماز بخواند ۳ مُنعم : مالدار و توانگر ۴ بی چیز

شیخ شبلی درایشان نظاره[1] میکرد ومیگریست . مُریدان[2] پرسیدند ای
شیخ تراچه رسید که گریان شدی ؟ گفت نگاه کنید که طمعکاری بمردم چه میکند!
چه میشد اگر آن کودک بنان خود قناعت میکرد وسگ همچون[3] خودی نمیکرد دید!
«از قابوسنامه باتصرف»

---

١ نظاره میکرد : مینگریست ٢ پیروان ٣ مانند

تمرین . این حکایت راباخط خوب بنویسید ؛ زیر اسمها یک خط ، زیر فعلها
دوخط وزیر صفتها سه خط بکشید .

از روی این سرمشق ده بار بنویسید .

قناعت موجب عزّت است وطمعکاری سبب ذلّت

سبب دیرآمدن

ناظم مدرسه از شاگردی که دیرآمده بود پرسید : این چه وقت آمدن
است ؟ چرا امروز باین دیری آمدی ؟ شاگرد گفت کوچه ها یخ بسته بود هر
قدم که برمیداشتم سُر میخوردم وباندازهٔ دو قدم عقب میرفتم ، ناظم گفت
روی این حساب حالا باید آنطرف خانه تان باشی ، شاگرد گفت بلی
حساب آنرا هم کرده بودم : گاهی نیز پشت بمدرسه حرکت میکردم .

درس دستور

تمرین

۱- پنج اسم ، سه صفت و دو فعل بگوئید که هریک بیش از دو حرف نداشته باشد مانند : سر بد کن

۲- ده اسم ، پنج صفت و پنج فعل بنویسید که هریک سه حرف داشته باشد مانند : بار خوب رفت

۳- سه اسم ، سه صفت و سه فعل بگوئید که حرف اول هریک از آنها ن باشد و بیش از سه حرف هم نداشته باشد .

مانند : نان نرم نرو

٤- پنج کلمه پیدا کنید که وارونهٔ هریک همان کلمه باشد .

مانند : نان

۵- ده کلمه پیدا کنید که هریک را اگر از طرف چپ بخوانید کلمهٔ با معنی دیگری باشد . مانند : کلمهٔ سرد که اگر آنرا از سمت چپ بخوانید کلمهٔ درس میشود ، و روز که از طرف چپ زور خوانده میشود .

---

* * *

درس علم الأشیاء

زخم بندی

بچه‌های عزیز البته تا بحال فهمیده اید که میکرب چیست و میدانید که میکربها در آب ، هوا و زمین بسیار فراوانند . این میکربها هروقت وارد بدن گردند سبب ناخوشیهای گوناگون میشوند . اینکه می بینید زخم بدن بعضی اشخاص دیر خوب میشود برای آنست که اول بخراش و بُریدگیهای کوچک اهمیت نمیدهند ، آنرا در آب فرو میبرند ، دست بآن میمالند ، بخاک میزنند ، روی آنرا باز میگذارند ویا با پارچهٔ کثیف روی آنرا میبندند . درنتیجه میکرب وارد بریدگی وخراش میشود ورفته رفته آنرا بصورت زخمی بزرگ درمیآورد .

برای اینکه بدن شما زخم نشود ، یا اگر شد بآسانی وزودی بهبود یابد باید بدستورهای بهداشتی زیر عمل کنید :

۱- دست کم هفته‌ای یکبار سر وصورت وبدن خود را با آب گرم وصابون بشوئید تا بدن شما همیشه پاک باشد .

۲- اگر در بدنتان اندکی خراش یا بریدگی پیدا شد فوراً کمی تَنتور یُد یا مِرکورکرُم با پنبهٔ پاک روی آن بزنید .

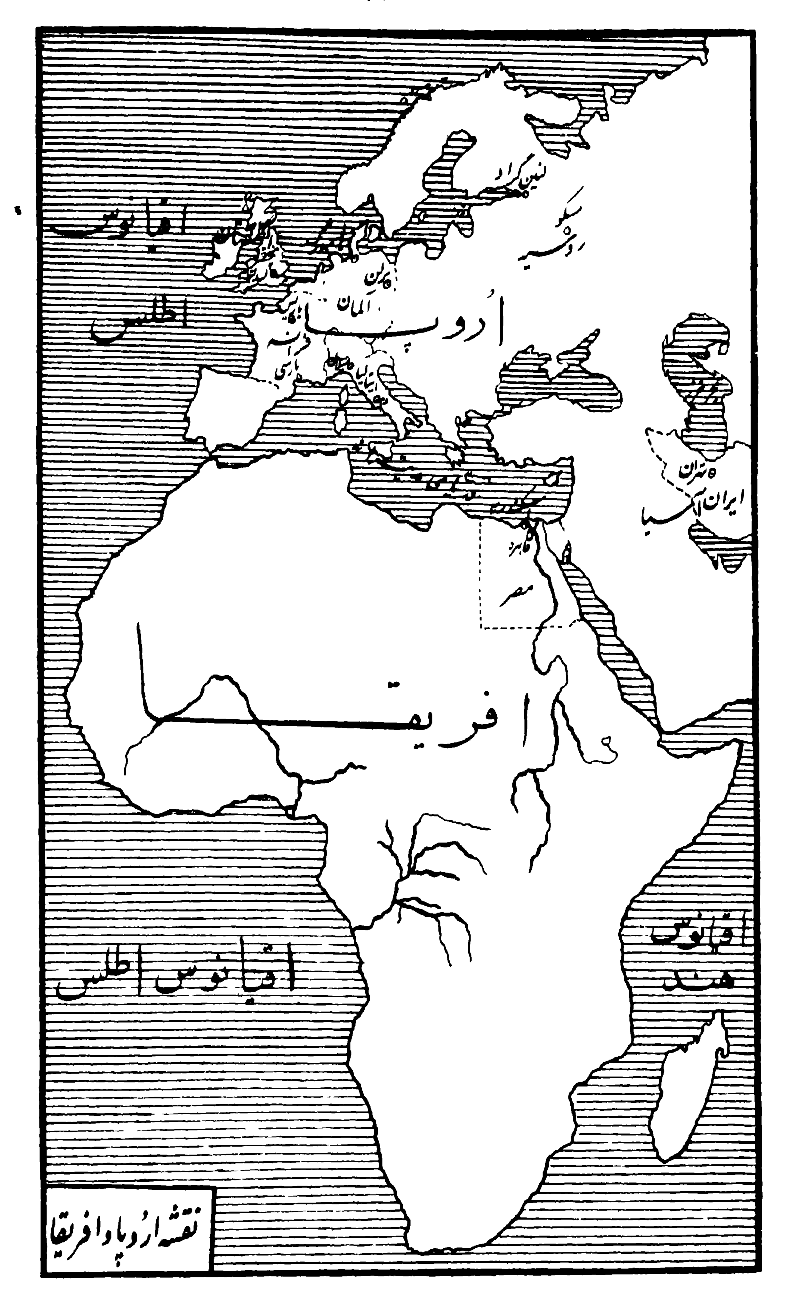
۳- درصورتیکه زخم بزرگ و چرکین باشد و دسترسی بپزشک یا جراح نداشته باشید اول آنرا با پنبهٔ تمیز و محلول پرمنگنات* خوب بشوئید بعد مرکورکرم بزنید .
وبرای اینکه مگس ومیکرب روی زخم ننشیند یک تکه پارچهٔ پاکیزه را در مرکورکرم فرو برید وروی زخم بگذارید بعد با پارچهٔ تمیزی آنرا ببندید .

* تنتوریدو مرکورکرم و پرمنگنات داروهای کم قیمت و پرفایده ای هستند که همیشه داروفروشان دارند و باید در هرخانه و خانواده ای بقدر رفع حاجت ازاین داروها آماده باشد .

خیارهای تلخ

خواجه نظام الملک وزیر مشهور آلب ارسلان وملکشاه سلجوقی بود . این وزیر بزرگ و باتدبیر که ۳۰ سال وزارت داشت عادتش براین بود که چون هدیهٔ تازه ای نزد او میآوردند میان حاضرین قسمت میکرد . روزی باغبانی سه خیار نوبر برای او آورد خواجه برخلاف همیشه خیارها را یکی پس از دیگری خورد ، بحاضرین چیزی نداد و بباغبان جایزهٔ بزرگی بخشید .

اهل مجلس از کار خواجه تعجب کردند ؛ یکی از آن میان سبب اینکار را پرسید گفت هریک از آن خیارها را که چشیدم تلخ بود ؛ فکر کردم اگر بحاضرین دهم یکی از ایشان از تلخی آن روی درهم کشد وسخنی گوید که باغبان سرافکنده وشرمسار گردد .


اقیانوس اطلس
اروپا
آلمان
برلن
روسیه
مسکو
لنین گراد
افریقا
مصر
قاهره
ایران
آسیا
طهران
اقیانوس اطلس
اقیانوس هند
نقشه اروپا و افریقا

درس جغرافیا

اُروپا – افریقا

اروپا کوچکترین قطعه از خشکیهای سطح زمین است . این قطعه در مغرب آسیا واقعشده و درجنوب آن دریای مدیترانه قرار دارد . ساکنین این خشکی همگی از نژاد سفید اند .

در اروپا چند کشور پراهمیت وجود دارد .

آلمان ، یکی از کشورهای مرکز اروپا میباشد . پایتخت آن بِرلَن واز شهرهای معتبر آن بندر هامبورگ است .

انگلستان از چند جزیره تشکیل شده ودرشمال غربی اروپا واقع است . پایتخت آن لندن ، ویکی از شهرهای معروف آن مَنچستر میباشد .

فرانسه درمغرب اروپا واقع ، پایتخت آن پاریس ، واز شهرهای معروف آن بندر مارسِیْ درکنار دریای مدیترانه است

ایتالیا که در روی نقشه شکل چکمه دیده میشود شبه جزیره ایست درجنوب اُروپا ، پایتخت آن رُم واز شهرهای بزرگ آن میلان است .

افریقا درجنوب اروپا واقع گردیده وبوسیلهٔ دریای مدیترانه از آن جُدا میباشد ، اکثر مردم این قطعه از نژاد سیاه اند .

مهمترین کشورهای افریقا ، مِصر است که درشمال شرقی آن قطعه قرار دارد ،

رود نیل از این کشور میگذرد و قسمتهای حاصلخیز مصر در کنار همین رود واقع شده‌اند مردم مصر مسلمان اند و بزبان عربی تکلّم میکنند ، پایتخت مصر قاهره و معروفترین شهرهای آن بندر اسکندریّه در کنار دریای مدیترانه است .

درس تعلیمات مدنی

خانواده ـ ملّت و حکومت

همانطور که یک خانواده از چند نفر که با هم خویشی دارند و با هم زندگی میکنند تشکیل میشود ملّت هم عبارت از اجتماع چند قبیله و قوم است که از زمان قدیم بواسطهٔ یگانگی نژاد و نزدیکی زبان و مذهب یا داشتن منافع مشترک با هم مربوط و متحد شده باشند ، سرزمینی که یک جمعیت یا ملّت در آنجا زندگانی میکنند وطن یا میهن آنها نامیده میشود ، در حقیقت آن سرزمین خانهٔ مشترک همه افراد آن ملّت است .

ما ملّت ایران هستیم و وطن ما ایران است .

همچنانکه در یک خانواده برای آنکه زندگانی افراد آن از هم نپاشد یکنفر باید ادارهٔ امور آنرا بعهده بگیرد در یک جمعیت و ملّت هم باید فرد یا جماعتی باشد که از تعدی افراد بیکدیگر جلوگیری و امور مربوط بآنرا اداره کند . این فرد یا جماعت در جاها و زمانهای مختلف باسم رئیس ، کدخدا ، حاکم ، پادشاه یا دولت و حکومت نامیده میشود .

حکومت بر دو قسم است : فردی و ملّی .

حکومت فردی یا استبدادی آنست که یکنفر بمیل و دلخواه خود حکمرانی کند و مردم را در اداره کردن امور دخالت ندهد .

در حکومت ملّی ، بعکس ، اداره کردن امور بر عهدهٔ همه افراد ملّت است ، امّا چون مصلحت نیست که تمام مردم امورِ حکومت را مستقیماً عهده دار شوند بدین جهت مردم موقّتاً این امور را بیک عدّه از برگُزیدگان یا نمایندگانِ خود واگذار میکنند .

حکومت ملّی هم بر دو قسم است : مشروطه و جمهوری .

در حکومتِ مشروطه شخص اوّل مملکت پادشاه است و سلطنت در خانوادهٔ او موروثی میباشد . امّا در حکومت جمهوری ریاست کشور با رئیس جمهور است که از طرف مردم برای مدّت چند سال انتخاب میشود .

مُربّا ، شربت ، خوشاب

درس علم الاشیاء

میوه غذای بسیار مفید و خوبی است ؛ در فصل تابستان و پائیز که میوه فراوان است از بسیاری از میوه ها مانند آلبالو ، گلابی و هلو ، مُربّا و شربت و خوشاب تهیّه میکنند .

مُربّا : برای تهیّهٔ مربّا ابتدا میوه را میشویند و هسته و دُمِ آنرا میگیرند ، بعد

در شیرهٔ شکر صاف شده که میجوشد میریزند و آنرا میجوشانند تا قوام بیاید یعنی غلیظ شود و آنگاه آنرا از روی آتش برمیدارند و میگذارند تا سرد شود سپس در شیشه میریزند و درِ آنرا میبندند و در جای خنکی نگهداری میکنند که خراب نشود .

شربت : برای درست کردن شربت ابتدا میوه را میشویند بعد آنرا میجوشانند و آب آنرا صاف میکنند و این آب را در شیرهٔ شکر میریزند و میجوشانند تا قوام بیاید .

خوشاب : برای آنکه میوه در نتیجهٔ پخته شدن خاصیت و فائدهٔ خود را از دست ندهد آنرا بصورت خوشاب نگهداری میکنند ؛ شیرینی لازم معمولاً برای تهیهٔ خوشاب بقدر یک چهارمِ وزن میوه است ؛ مثلاً برای دو کیلو سیب یا هلو باید نیم کیلو شکر یا قند بکار بُرد .

برای درست کردن خوشاب شکر یا قند را در آب میریزند و میجوشانند ؛ بعد میوه را درست یا خُرد کرده در آن میریزند و حرارت میدهند تا بپزد و در این موقع برای اینکه میوه زیاد پخته و لِه نشود آنرا بیرون میآورند و شربت آنرا باز میجوشانند اما نه باندازه ای که غلیظ شود ، بعد این شربت را روی همان میوه های پخته میریزند و میگذارند تا سرد شود ، اگر خوشاب بیش از یکی دو روز

در مجاورت هوا بماند کپک میزند بدین سبب آنرا درشیشه یا قوطی سربسته نگهداری میکنند.

آب بعضی میوه ها را هم میگیرند و بترتیب مخصوص درشیشه نگاهداری میکنند.

تمرین جمله سازی

ضد هر یک از این کلمات را بنویسید

مثال؛ دانا - نادان.

دانا . قوی . کور . زود . روشن . لاغر . سرد.
تیز . گرسنه . گران . کم . خالی . نشسته . زیبا.
خواب . پیاده . بد . ناامید.

کلماتی پیدا کنید که با کلمات زیر یک معنی داشته باشد :

مثال : خوب - نیک . لانه - آشیانه.

خوب . ناتوان . لانه . زشت . فایده . غم . ستم
شادی . رنج . اندیشه . جامه . زر . متاع.

گوش موش دارد موش دیوار دارد

کلمات بالا را طوری پس وپیش کنید و بنویسید که مَثَل معروفی از آن بدست آید.

درس تاریخ

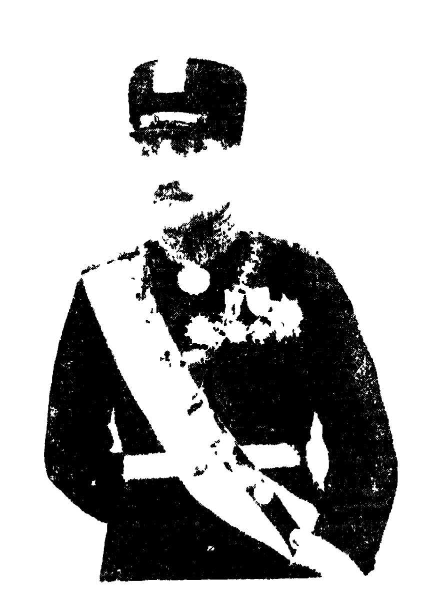
تاریخ ایران در دورهٔ مشروطیّت

پس از ناصرالدین شاه قاجار پسرش مظفّرالدّین میرزا بسلطنت رسید. مظفّرالدّین شاه مردی خوش قلب امّا کم اراده و غالباً بیمار و رنجور بود و نمیتوانست جلو پریشانی و خرابیهائی را که از اواخرِ سلطنتِ پدرش در امور کشور پیش آمده بود بگیرد. ادامهٔ این وضع سبب شد که مردم قیام کردند و مظفّرالدّین شاه را بقبولِ سلطنت مشروطه وادار ساختند؛ در سال ۱۳۲٤ هجری قمری فرمان مشروطیّت ایران با مضای مظفّرالدّین شاه رسید و از آن تاریخ حکومت کشور ایران مشروطه شد.

پس از مظفّرالدّین شاه پسرش محمّدعلی میرزا بسلطنت رسید این پادشاه از ابتدای سلطنت خود بنای مخالفت با مشروطیّت را گذاشت و مجلس شورای ملّی را بتوپ بست امّا باز مردم قیام و شورش کردند. با او بجنگ پرداختند و عاقبت اورا از سلطنت انداختند و پسرش احمد میرزا بسلطنت رسید.

در زمان سلطنتِ احمد شاه جنگ بزرگی در جهان بنام جنگ جهانی اوّل در گرفت و ایران با وجود آنکه در این جنگ وارد نبود از آن صدمات بسیار دید، اوضاع کشور آشفته و حکومت مرکزی ضعیف گردید تا در اسفند ماه سال ۱۲۹۹ شمسی رضا شاه که در آن وقت با درجهٔ سرتیپی فرماندهٔ قسمتی از سپاهیان شمال ایران بود

بسوی تهران حرکت کرد و پایتخت را گرفت . رضا خان سردار سپه ابتدا بوزارتِ جنگ و بعد بمقام نخست وزیری رسید . در این موقع احمد شاه باروپا مسافرت کرد و مجلس شورای ملی در تاریخ ۹ آبان ۱۳۰۴ او را از سلطنت برداشت . چند ماه بعد مجلسِ مؤسسان یعنی مجمعی از نمایندگان مردم که خصوصاً برای تعیین تکلیف سلطنت انتخاب شده بودند سلطنت را بسردار سپه و پس از وی باولاد او واگذار کرد و وی بنام رضا شاه پهلوی پادشاه ایران گردید .



حکایت

دو برادر بودند یکی خدمت سلطان کردی و دیگری بسعی بازوان نان خوردی.
باری برادرِ توانگر[1] درویش را گفت چرا خدمت سلطان نکنی تا از مشقّت[2] کار کردن
برهی ؟ گفت تو چرا کار نکنی تا از مذلّتِ[3] خدمت رهائی یابی ؟ که[4] خردمندان گفته‌اند :

هرکه نان از عمل خویش خورد منّت از حاتم[5] طائی نبرد

نانِ خود خوردن و نشستن بِه که کمر زرّین[6] بستن و بخدمت ایستادن . (سعدی)

۱- دولتمند ۲- رنج ۳- خواری ۴- اینجا بمعنی زیرا ۵- نام شخصی است که در عرب بسخاوت معروف بوده است ۶- طلائی

درس علم الاشیاء

سرکه

سرکه را از انگور یا کشمش درست میکنند .

انگور رسیده را در کوزه یا خمره میریزند و کمی نمک روی آن میپاشند ،
در آنرا خوب میبندند و آنرا در آفتاب یا جای گرمی میگذارند ، بعد از ۱۵ تا ۲۰ روز
درِ ظرف را باز میکنند و سرِ ظرف را که خالی شده است با انگور پر میکنند و دوباره
درظرف را میبندند و ۳۰ تا ۴۰ روز آنرا بحال خود میگذارند تا سرکه شود .
پس از اینمدّت اگر سرکه خوب ترش شده باشد آن را صاف میکنند
و اگر خوب نرسیده باشد از نو درِ کوزه را می بندند و چند روز دیگر بهمان حال میگذارند .

اگر بخواهند سرکه را از کشمش بدست آورند، اوّل کشمش را میشویند، و در آب گرم میریزند و پس از خیس خوردن آنرا در آب لِهٔ میکنند بعد آنرا مثل انگور در کوزه یا خُمره میریزند تا سرکه شود.

نصیحت

جهان آفرین را پرستنده باش | بفرمان و طاعت(۱) نکو بنده باش

بتقوٰی(۲) و پرهیز(۳) و نیکی گرای(۴) | کز آن بهره یابی بهر دو سرای

که تقوٰی کلید سعادت بود | خنک(۵) آنکه تقوااش عادت بود

بکسبِ هنر کوش و غافل مباش | چو تن پروران سُست(۶) و کاهل مباش

ز دانش شود قدرِ مردم بلند | هنرمندِ دانا بود ارجمند(۷)

بدانش تو جانرا فروزنده(۸) دار | بدانش تن مرده را زنده دار

برو در جهان ترکِ آزار کن | بدان را با حِسان(۹) بخود یار کن

بدنیا و عُقبیٰ(۱۰) شوی بهره مند | چو آزارِ خلقت نیاید پسند

بیچارگان یار و غمخوار باش | فروماندگان(۱۱) را مدد کار(۱۲) باش

---

۱ عبادت ۲ پرهیزگاری ۳ دوری از کار بد ۴ میل کن - روی آور ۵ خوشا ۶ سُست ۷ عزیز و با ارزش ۸ روشن - نورانی ۹ نیکی - نیکی کردن ۱۰ آخرت ۱۱ بیچارگان - افتادگان ۱۲ مَددکار یعنی کومک کننده

همه تخم نیکی و خوبی بکار | مکن آنچه زاید[1] ازآن ننگ و عار
همه رنج مردم زخوی بد است | نه مرد است بدخو که دیو و دد[2] است

«میرزا عبدالعظیم خان قریب»

---

۱ پدید آید . تولید شود ۲ جانور وحشی و درنده

درس جغرافیا

امریکا *

امریکا قطعه خشکی وسیعی است که بوسیلهٔ اقیانوس اطلس از اروپا و بوسیلهٔ اقیانوس کبیر از آسیا جدا میشود . این قطعه را در سال ۱۴۹۲ میلادی کشف کردند و قبلاً از آن اطلاعی نداشتند . بهمین سبب امریکا را دنیای نو نیز مینامند

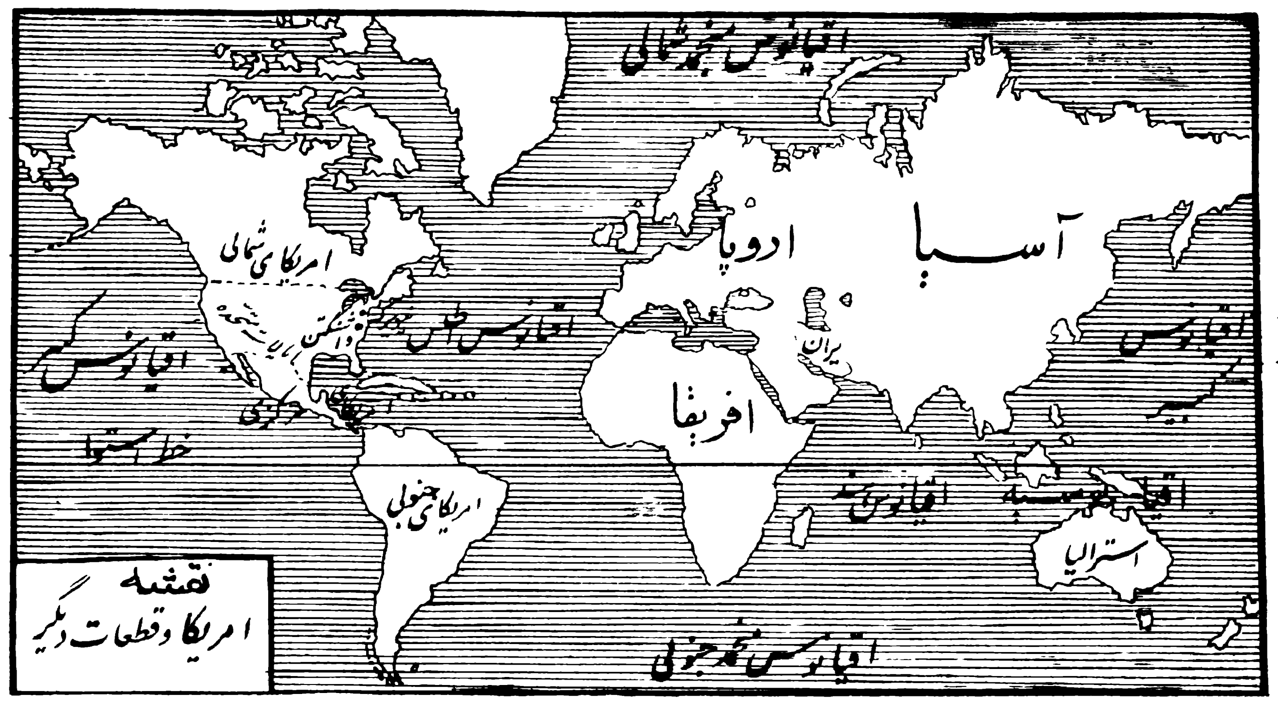
امریکا از سه قسمت تشکیل شده است : امریکای شمالی ؛ امریکای مرکزی وامریکای جنوبی .

بزرگترین کشورهای امریکا ، کشور ایالات[1] متحده واقع در امریکای شمالی است؛ ومنظور از امریکا که امروز گفته میشود بیشتر همین کشور است .

---

۱ ایالات یعنی ایالتها و ایالت بمعنی استان است .

* آموزگاران با استفاده از نقشه شاگردان را بحدود امریکا و همچنین وضع جغرافیائی سایر قطعات نسبت بامریکا متوجه سازند



نقشه
امریکا وقطعات دیگر

این کشور پرثروت ترین ممالک جهان است و از آنجا محصولات زراعی مثل گندم و پنبه و موادّ معدنی، مانند نفت و زغال سنگ و ماشین آلات، مثل اتومبیل، بتمام کشورهای دیگر جهان فرستاده میشود. پایتخت این کشور شهر واشنگتن و معروفترین شهر آن بندر نیویُرک در کنار اقیانوس اطلس است که پرجمعیت ترین شهر دنیا است.

درس علم الاشیاء

مصالح ساختمانی

آجر - گچ

یکی از مصالح ساختمان آجر است که از خاک رُس ساخته میشود.

برای ساختنِ آجر ابتدا از خاک رُس گل میسازند و بوسیلهٔ قالبهای مخصوص آنرا بهر شکل که میخواهند در میآورند و میگذارند تا خشک شود بعد آنها را در کوره میچینند و حرارت میدهند تا پخته شود.

آجر که خوب پخته شده باشد محکم و با دوام است؛ بیشتر بناهای قدیمِ کشور ما با آجر است. امروز از سیمان نیز آجری میسازند که با آجر سیمانی معروف است؛ این آجر را برای فرش کردنِ کف اطاق یا حیاط و حمّام بکار میبرند.

گچ: یکی دیگر از مصالح ساختمان گچ است؛ گچ را از سنگ گچ بدست میآورند.

سنگهای گچ را از معدن میکنند و در کوره های مخصوص میپزند ؛ وقتی سنگها پخته شد آنها را در آسیا و یا بوسائل دیگر نرم میکنند ؛ گچ پس از مخلوط شدن با آب سفت میشود ؛ گچ در قالب گیری و مجسمه سازی بکار میرود و تبریزی که همه روزه می بینید برای نوشتن روی تختهٔ سیاه هم استعمال میشود .

درس دستور زبان فارسی

تمرین

سه رود خانه را نام ببرید . همچنین سه نفر از شعرای مشهور ایران را .

نام سه گل را . - سه چیز از لوازم خانه را ... سه نوع پارچه . .

سه عضو بدن سه حیوان اهلی . سه شهر بزرگ دنیا .

سه پرنده ... سه پیغمبر بزرگ . سه شهر مهم ایران

سه پادشاه بزرگ سه درخت میوه . سه چیز از افزار آهنگری

انشاء . پنج سطر راجع بسگ بنویسید و کلمات زیر را در آن بکار برید :

آزار پاسبانی . استخوان . دزد . پارس

گاز میگیرد . گله . شکار .

درس جغرافیا

حرکت زمین بدور خود و بدور خورشید

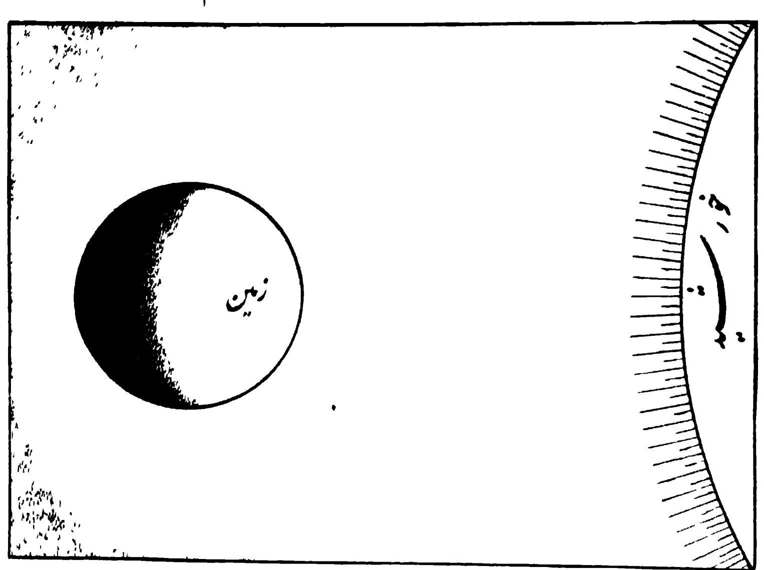
هر روز صبح مشاهده میکنید که خورشید از مشرق طلوع میکند و کم کم بالا میآید تا بوسط آسمان برسد؛ این هنگام را که روز نصف میشود ظهر میگویند . پس از آن خورشید بتدریج بسمت مغرب پائین میرود تا غروب میکند و هوا تاریک میشود .

لابد از این مشاهده خیال میکنید که در شبانه روز یکمرتبه خورشید بدور زمین میگردد؛ مردمان قدیم هم همینطور تصوّر میکردند . امّا در واقع اینطور نیست ، چنانکه در کلاس سوّم خواندید این حرکت از خورشید نیست بلکه کرهٔ زمین است که هر شبانه روز یکمرتبه از مغرب بمشرق ، بدور خود میچرخد و بنظر ما که روی زمین هستیم اینطور میآید که خورشید از مشرق بمغرب بدور زمین حرکت میکند ؛ همچنانکه اگر با قطار آهن یا با اتومبیل سریعی بسمت مشرق در حرکت باشیم خود را ساکن و زمین و درختان اطراف را بطرف مغرب متحرک میبینداریم .

برای آنکه بهتر بدانید زمین چگونه بدور خود میچرخد و چگونه از این گردش ، شبانه روز پیدا میشود . میله ای را از سر و ته نارنجی بگذرانید و آنرا در یک اطاق تاریک مقابل یک شمع روشن قرار دهید ، می بینید نیمی از

نارنج که روبروی شمع قرار گرفته ، روشن و نیمهٔ دیگر آن تاریک است . بعد نارنج را دور میله بچرخانید خواهید دید که چگونه قسمتهای تاریک نارنج متدرّجاً برابر روشنائی قرار میگیرد و همه جای آن نوبت بنوبت روشن و تاریک میشود .

زمین هم در مقابل خورشید حال این نارنج را در برابر شمع دارد ، با این تفاوت که میله ای از وسط زمین نگذشته و دستی هم آنرا میچرخاند و بجائی



هم تکیه ندارد ، بلکه خود بخود بدور خود میچرخد در حالیکه نور خورشید بر آن میتابد و همیشه نیمی از سطح آنرا روشن دارد و نیم دیگر تاریک است ؛ ما که روی زمین هستیم پیوسته از روشنائی وارد تاریکی و از تاریکی وارد روشنائی

مدتی راکه در روشنائی هستیم روز و مدتی راکه در تاریکی میگذرانیم شب میشویم . مدتی راکه در روشنائی هستیم روز و مجموع روز وشب را شبانه روز مینامیم .

با داشتن یک کرهٔ جغرافیائی و یک چراغ دستی خوب میتوانید دریابید که وقتی مثلاً ایران در روشنائی روز واقع میشود مغرب امریکا در تاریکی شب قرار میگیرد و برعکس .



حرکتی راکه زمین در شبانه روزی یک مرتبه بدور خود میکند حرکت وضعی زمین مینامند .

زمین در همان حال که بدور خود میچرخد بدور خورشید هم گردش میکند و این گردش را حرکت انتقالی زمین میگویند ؛ مدت حرکت انتقالی زمین یکسال شمسی یعنی ۳۶۵ شبانه روز و چند ساعت است .

از گردش زمین بدور خورشید چهار فصل: بهار ، تابستان ، پائیز، زمستان پیدا میشود .

دوستان خود را بشناسید

مردی سه دوست داشت که بدو تن آنان بسیار مهربان اما نسبت بسومی بی اعتناء بود .

اتفاقاً آن مرد را برای تهمتی[1] که باو زده بودند ، و در حقیقت بیگناه بود، بدادگاه خواندند . مرد باخود اندیشید که در روزگار سختی وایام تنگدستی باید بدوستان رو آورد تا با کومک آنان گره از کارهای مشکل باز شود . با این فکر نزد یاران رفت وگفت : دوستان عزیز ! من در زندگی پیوسته یار و مددکار[2] شما بوده ودر روز محنت[3] ومصیبت[4] از همراهی وکومک بشما مضایقه نکرده ام اکنون تهمت ناروائی بمن زده اند که باید با مساعدت شما از خود دفاع کنم ، خوب میدانید که من در این قضیه[5] بیگناهم وهمراهی شما بمن فقط این خواهد بود که حقیقت را بگوئید ، کدامیک از شما حاضر است که بدادگاه آید وبه بیگناهی من شهادت[6] دهد ؟

---

۱ تهمت زدن یعنی نسبت ناروا بکسی دادن . ۲ یار ۳ رنج وسختی . ۴- گرفتاری وماتم ۵ پیش آمد
۶ - گواهی

یکی از آنان ببهانۀ آنکه کار بسیار فوری دارد و باید بخارج شهر برود از آمدن نزد قاضی عذر خواست . دوست دیگر ویرا تا پشت درِ دادگاه همراهی نمود ولی در آنجا گفت من جرأتِ حاضر شدن در دادگاه را ندارم ؛ واز همانجا بازگشت.

امّا دوست سوّم که چندان موردِ محبّت و اعتنای[1] آن مرد نبود در دادگاه حاضر شد و بیگناهی ویرا شهادت داد . در نتیجه حکمِ دادگاه بر بی تقصیری آن مرد صادر شد.

مردم غالباً دوستان خود را آنچنانکه باید نمیشناسند و دوستانِ[2] جانی را از دوستان زبانی تمیز[3] نمیدهند . دوستانِ یکدل و وفادار تا پای جان فداکارند امّا دیگران رفیقِ نیم راهند وشخص را در روزِ گرفتاری و درماندگی ترک میکنند وتنها میگذارند.

این دغل دوستان که می بینی مگسانند گردِ شیرینی

این قبیل مردم باید بدانند که :

دوستآن نبود که در نعمت زند لافِ[4] یاری و برادرخواندگی

دوست آن باشد که گیرد دستِ دوست در پریشانحالی و درماندگی

---

۱ - رو آوردن - توجه ۲ - دوستی که از جانش هم برای دوست خود مضایقه نمیکند . ۳ - فرق نداشتن - جدا کردن ۴ - لاف زدن یعنی ادعا کردن .

آهک - سیمان

آهک و سیمان هم از مصالح ساختمان هستند که در ساختن حوض و پی عمارت و هر ساختمانی که بخواهند نزدیک آب یا جای مرطوب بنا کنند بکار میبرند ؛ آهک را از سنگ آهک بدست میآورند ؛ سنگ آهک را هم مثل سنگ گچ در کوره می پزند ؛ اگر آب بسنگ آهک پخته برسد سنگ از هم میپاشد ؛ بدین سبب است که در بنائی قبلاً آب روی سنگ آهک میریزند تا خرد و نرم شود .

از دست زدن بآهک باید پرهیز کرد زیرا آهک پوست بدن را می برد و ممکن است آنرا زخم کند .

سیمان :

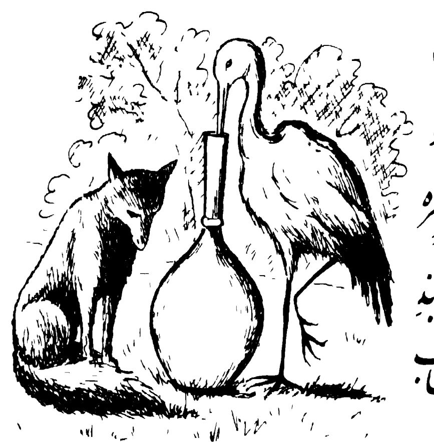
سیمان از سنگ آهک و خاک رس بدست میآید ؛ سیمان را در کوره های مخصوصی میپزند و پس از پختن آسیا می کنند تا خوب نرم شود ؛ در بنائی سیمان را با اندازهٔ معین با مقداری ماسهٔ شسته یا شن و آب خوب مخلوط می کنند و بکار میبرند ؛ این مخلوط پس از یک شبانه روز مثل سنگ سخت میشود ؛ بهمین جهت بناهائی که با سیمان بکار برده میشود محکم و با دوام است ؛ برای ساختن آجرها و پله‌ها و لوله های سیمانی و بسیاری چیزهای دیگر نیز سیمان بکار برده میشود ، در خمیر آجرهای سیمانی

وپله ها گاهی شنهای رنگارنگ داخل میکنند و روی آنها را میسایند تا صاف وزیبا گردد ، اینها را آجر یا پلهٔ موزائیک میگویند .

ضیافت[1] روباه ولک لک

هر بد که بخود نمیپسندی با کس مکن ای برادر من

روباهی لکلکی را برای ناهار دعوت کرد . لکلک خواهش او را پذیرفت ودر ساعت معین با اشتهای کامل بخانهٔ روباه رفت . روباهِ مکّار[2] برای آنکه مهمان خود را گرسنه بگذارد ، آشِ رقیقی را که برای ناهار تهیه کرده بود در بشقابِ لب تختی ریخت و بر سرِ سفره گذاشت . لک لک با نوک بلندِ خود نمیتوانست خوب از آن بشقاب بخورد امّا روباه حیله گر باشتاب



آشرا میلیسید . ومیگفت چه ناهار خوبی شده ! ای رفیق عزیز از این غذای لذید بیشتر بخور ، اینرا فقط برای تو پخته ام وباب دندان تواست !

۱- مهمانی ۲- پر مکر حیله گر

چون بزودی غذا تمام شد لک لک نیم سیر ماند اما چیزی نگفت و بروی خود نیاورد و پس از ساعتی بارو باه خدا حافظی کرد و رفت .

چند روز بعد لکلک روباه را بمهمانی خواند تا با وی ناهاری صرف کند، روباه دعوت او را پذیرفت و در وقت مُقرّر[1] بخانهٔ او رفت .

هنگام ناهار، میزبان[2] غذا را در تُنگی که گردن دراز و دهانهٔ تنگ داشت ریخت و درمیان گذاشت . روباه نمیتوانست پوزهٔ خود را در تُنگ داخل کند واز آن غذا بخورد ، اما لکلک نوک بلند خود را بآسانی در تُنگ فرو برد و غذا را میخورد و پی در پی بروباه تعارف میکرد و میگفت : ای دوست عزیز مبادا نیم سیر بمانی ، از اقبال بلند تو غذای بسیار خوشمزه و مطبوعی[3] از آب درآمده است .

وقتی غذا تمام شد ، روباه حتّی مزهٔ آنرا هم نچشیده بود و پس از ساعتی آماده رفتن شد . لک لک بدو گفت ای مهمان عزیز! امیدوارم که امروز بشما خوش گذشته باشد . درایموقع روباه باشکم گرسنه و گوش آویخته خدا حافظی کرد و رفت .

روباه دغل[4] دانست که لکلک خواسته است عمل زشتی را که چند روز پیش از او سرزده است تلافی کند ، باخود گفت سزای کسی که دوستان و آشنایان خود را فریب دهد همین است .

---

۱ معیّن ۲ مهماندار ۳ لذید - موافق طبع - ۴ نادرست .

درس تاریخ

خاندان پهلوی

پس از آنکه رضاشاه بسلطنت رسید، چون مردی لایق و با قدرت بود، توانست که با مرتب کردن امور لشگری بتدریج نظم و امنیت را در سراسر کشور برقرار سازد و اوضاعِ آشفتهٔ ایران را بهبود بخشد. در زمان این پادشاه دانشگاه تهران تأسیس و در اغلب نقاطِ کشور دبستانها، دبیرستانها و بیمارستانهای تازه ایجاد گردید و ساختمانهای بسیار بطرز جدید بنا شد.

از کارهای برجستهٔ او فرستادن دانشجویان بخارجه برای فراگرفتنِ علوم و فنون مختلف است.

بازرگانی و کشاورزی و صنعت ایران درزمان پادشاهی او رونق گرفت. کارخانه های مهم نخ ریسی، پارچه بافی، چرم سازی، قندسازی و سیمان سازی بنیاد گردید و راه آهنِ سرتاسری ایران از جنوب بشمال کشیده شد. مختصر آنکه اسباب ترقی و عظمتِ ایران و ایرانی فراهم گردید و کشور ما بار دیگر در داخل و خارج دارای اعتبار و اقتدار شد.

در اواخرِ سلطنت رضاشاه جنگ جهانیِ دوم درگرفت. دولت ایران در این بار هم بیطرف بود اما سه دولت انگلیس و امریکا و روسیهٔ شوروی که با هم در جنگ

متحد بودند، باین بهانه که باید اسلحه[1] و خوار بار از راه ایران بروسیه برسد بیطرفی ایرانرا رعایت[2] نکردند و قوای نظامی خود را از طرف شمال و جنوب و مغرب بخاک ایران وارد کردند.

براثر این واقعه رضا شاه در سال ۱۳۲۰ از سلطنت استعفا کرد و از ایران رفت سلطنت ایرانرا بفرزند ارشد خود اعلیحضرت محمّد رضا شاه پهلوی واگذار نمود، بدین ترتیب اعلیحضرت محمّد رضا شاه پهلوی دوّمین پادشاه خاندان پهلوی محسوب میشود.

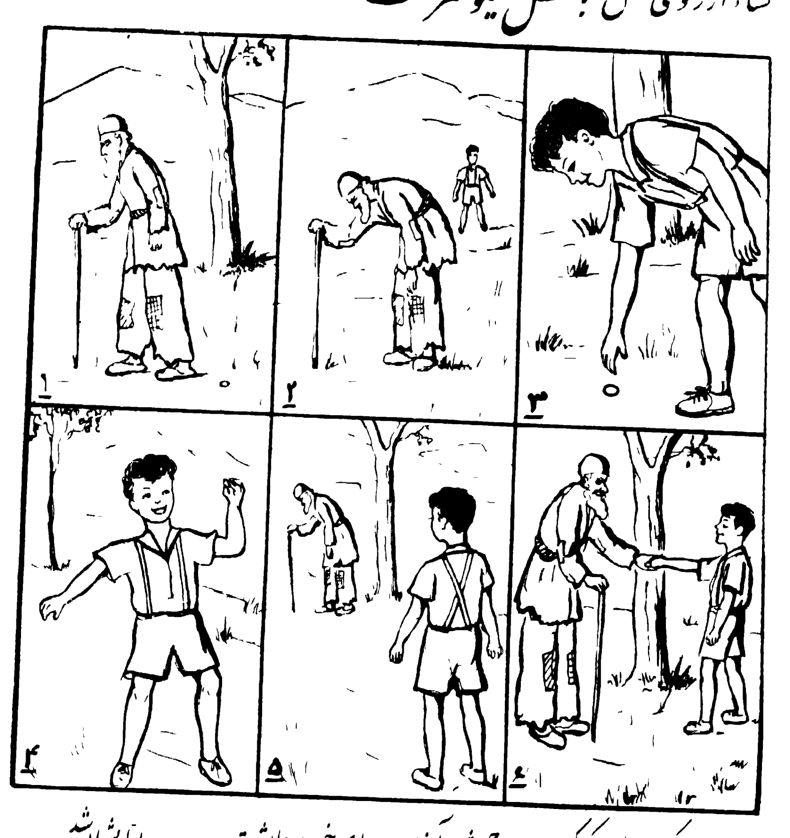
پس از خاتمهٔ جنگ دوَل[3] روسیّهٔ شوروی و انگلیس و امریکا کم کم قوای نظامی خود را از ایران بردند.

بعد از تخلیهٔ ایران جنبش مهمی در افکار مردم برای حفظ استقلال کشور و قطع نفوذ بیگانگان پدید آمد که از آثار بزرگ آن ملّی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و الغاء[4] امتیاز ظالمانهٔ نفت جنوب ایران است که با فشار انگلیسها از طرف یک شرکت انگلیسی بر ایران تحمیل[5] شده بود. در نتیجه عمّال[6] انگلیسی شرکت مزبور از ایران اخراج[7] شدند و معادن و کارخانه ها و مؤسسات نفت جنوب بتصرّف ایرانیان در آمد و شرکت ملّی نفت اداره امور آنها را عهده دار شد.

۱- سلاحها - اسباب و لوازم جنگ ۲- ملاحظه ۳- دولتها ۴- لغو کردن - باطل کردن

۵- تحمیل کردن یعنی بار کردن - بر دوش کسی گذاشتن ۶- کارکنان ۷- بیرون کردن

انشاء از روی شکل : طفل نیکو سرشت



پیرمردی کور، پولی را گم کرد   جمشید آنرا دید و برای خود برداشت   اما پشیمان شد

شرح آنرا از اول تا آخر بنویسید.

یکی از آداب مسلمانی

حضرت رسول (ص) میفرماید :

مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او آسوده باشند.

درس جغرافیا

خطّ استوا و دو قطب زمین

در درس پیش خواندیم که گردش زمین بدور خود مانند گردش نارنج بدور میله ایست که از وسطش گذشته باشد، با این تفاوت که از وسط زمین میله ای نگذشته است. امّا میتوان برای زمین هم میله ای خیالی فرض کرد که حرکت زمین بدور آن صورت میگیرد. نقطه هائی از کرهٔ زمین را که از آنها این میلهٔ خیالی بیرون میآید دو قُطب زمین میگویند: یکی را قطب شمال و دیگری را قطب جنوب.

قطب شمال

خطّ استوا

قطب جنوب

نقاطی از سطح زمین که از این دو قطب بیک فاصله باشند همه بر روی یک دایره واقعند. این دایره را دایرهٔ اِستواء یا خطّ اِستواء میگویند. خط استواء سطح کرهٔ زمین را بدو نیمهٔ شمالی و جنوبی تقسیم میکند که هر یک را نیمکره مینامند.

ایران در نیمکرهٔ شمالی است و قطب شمال نیز در همین نیمکره واقعست.

مَثَل و پند

درعاقبت اَندیشی[1]: زابتدای[2] کار آخِر را ببین.

وام[3] چنان کن که توان باز داد.

تیر از کمان چو رفت نیاید بشست باز	پس واجبست در همه کاری تأمّلی[4]

در زیان عجله و شتاب: آدم دستپاچه کار را دوبار میکند.

عجله کارِ شیطان است.

اثرِ همنشینی: هرکه با رسوا نشیند عاقبت رسوا شود.

نیک چون با بد نشیند بد شود.

همنشین تو از تو بِه باید	تا ترا عقل و دین بیفزاید

تا توانی میگریز از یارِ بد	یار بد بدتر بود از مار بد

تو اوّل بگو باکیان[5] دوستی	پس آنگه[6] بگویم که تو کیستی

از گفته‌های سعدی:

هرکه در زندگانی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند.

دوکس مردند و حسرت بردند: یکی آنکه داشت و نخورد و دیگر آنکه دانست و نکرد.

---

۱ فکر آخر کار را کردن ۲ از ابتدا ۳ قرض ٤ تأمّل یعنی تفکّر و عاقبت اندیشی ۵ چه کسان.
٦ آنگاه. پس آنگه یعنی بعد.

درس علم الاشیاء

نمک

نمکرا همه دیده اید و هر روز با غذای خود میخورید . نمک خوراکی را یا از معدن بیرون میآورند و یا از آب دریا میگیرند .

در ایران معدن نمک بسیار و اغلب بسطح زمین نزدیک و استخراج[1] آن آسان است .

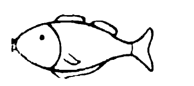
نمک یکی از مواد غذائیِ لازم برای انسان و حیوانات اهلی[2] است . نمکِ خوراکی گذشته از آنکه برای خوش طعم کردن غذا بکار میرود در عملِ هضم غذا نیز مؤثر[3] است . هر نفر در سال از پنج تا شش کیلو نمک میخورد .

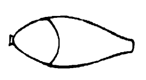
نمکرا برای نگاهداری گوشت و ماهی و چیزهای دیگر نیز مصرف میکنند . بعضی گیاهان مثل خربزه و پسته در زمینهای نمکدار بهتر بعمل میآید ، بنابراین نمک برای این قبیل گیاهان کودی محسوب میشود .

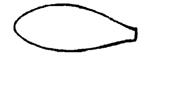
---

۱ بیرون آوردن ۲ حیوانات رام شده و مفید برای انسان مانند گاو ، گوسفند ، اسب ، و مرغ ۳ با اثر

نقاشی کنید







منصور از تهران بپدر خود که در آبادان است نامه مینویسد :

پدر عزیز و مهربانم دیروز صبح پیش از آنکه بدبستان روم نامه رسان پست نامهٔ آن پدر بزرگوار را بدستم داد ، نمیدانید چه اندازه خوشحال شدم و از سلامت شما و مادر عزیزم و پروین خدا را شکر کردم . اینکه فرموده بودید در درسهای خود کوشا باشم البتّه سعی خواهم کرد که نصایح[1] گرانبها و دستورهای سودمند شما را بکار بندم مدیر ، ناظم و آموزگاران همه در کمال مهربانی و دقّت بکارهای تحصیلی ما رسیدگی میکنند .

کتابخانهٔ مدرسهٔ ما هرچند بزرگ نیست امّا کتابهای خوبی دارد که ما ، در موقع فرصت ، از آنها استفاده میکنیم . چون کتاب گلستان سعدی در این کتابخانه نبود هفتهٔ گذشته از پول پس انداز خود یک جلد از آنرا خریدم و بکتابخانه اهدا[2] کردم ، تا همه شاگردان از مطالعهٔ این کتاب پرارزش فارسی بهره مند شوند .

از وضع زندگانی من نگران مباشید زیرا عموجان و خانمش از من خوب مواظبت میکنند .

امیدوارم پیوسته شاد و تندرست باشید . مادر مهربانم را سلام میرسانم ؛ خواهر عزیزم پروین را از دور میبوسم . فرزند شما منصور

۱ نصیحتها - اندرزها ۲ هدیه کردن - تقدیم کردن

جواب پدر منصور

آبادان - ۵ اردیبهشت ۱۳۳۲

فرزند عزیزم

از وصول[۱] نامهٔ محبت آمیزت که با خط زیبا نگاشته بودی من و مادرت بسیار خرسند شدیم و لذت بردیم ؛ اما این نامه تاریخ نداشت البته بعد از این دقت خواهی کرد که از ذکر تاریخ در نامهٔ خود غفلت نکنی .

از اینکه کتاب گلستانی خریده و بکتابخانهٔ مدرسه داده ای بسیار خشنود شدم ؛ سعی کن که همیشه در این قبیل کارهای خیر پیشقدم باشی .

نامه ای در تشکر از حسن[۲] توجه[۳] اولیا[۴] محترم آموزشگاه نسبت بتو و سایر دانش آموزان دسته برای آقای مدیر فرستادم .

از مراقبت در تحصیل غافل مباش و سعی کن آنچه را میخوانی خوب بفهمی .

یقین دارم که از محبتهای عموجانت و خانمش پیوسته سپاسگزار خواهی بود و مهربانیهای آنان را هیچگاه فراموش نخواهی کرد .

تعطیلات نزدیک است و ما بزودی دوباره با هم خواهیم بود .

پدر تو ...

۱ـ رسیدن ۲ـ خوبی ۳ـ مواظبت ۴ـ صاحب اختیاران

درس تعلیمات ملی

حکومت ایران

حکومت فعلی ایران مشروطه است که از سال ۱۳۲۴ هجری در زمان سلطنت مظفرالدّین شاه در ایران برقرار شد . پیش از این تاریخ حکومت ایران استبدادی بود.

در حکومت مشروطه وضع قانون با مجلس شورای ملی و مجلس سنا است .

دولت یعنی چند وزیر که زیر نظر یک رئیس بنام **نخست وزیر** وزارتخانه‌ها را اداره میکنند . هر وزیر قانونهائیرا که مجلس تصویب نموده و بامضاء شاه رسیده است در وزارتخانهٔ خود و شعبه‌های آن در شهرستانها اجراء میکند .

یکی از وزارتخانه‌ها وزارت فرهنگ است که مأمور باسواد کردن و تربیت مردم میباشد .

مجلس در کارهای نخست وزیر و وزیران نظارت[1] میکند و در موقع لزوم از آنان بازخواست مینماید .

غیر از **مجلس** که وظیفه‌اش قانونگزاری است و **دولت** که مأمور اجرای قوانین میباشد ، در کشور دستگاهی دیگر وجود دارد که کارش رسیدگی باختلافات میان مردم و شکایات و دادن حق بحقدار است و آنرا دستگاه **قضائی** یا **دادگستری** مینامند .

۱- نظارت میکند یعنی مراقبت میکند که قوانین اجرا شود .

مخارج کشور از قبیل حقوق آموزگاران و سپاهیان را ، طبق قانون ، مردم میدهند .
آنچه مردم بدین منظور میپردازند مالیّات نام دارد .
بعضی معاملات و داد و ستدهای بین مردم محتاج بثبت در دفتر و تنظیم[۱] سند است
و این کار یعنی تنظیم سند و ثبت آن بعهدهٔ ادارهٔ ثبت اسناد هر محلّ است .
ادارهٔ آمار و ثبت احوال که یکی از ادارات وزارت کشور است عدهٔ نفوس هر محلّ
و تاریخ تولّد ، فوت ، زناشوئی و طلاق آنانرا ثبت میکند .
حفظ امنیّت هر شهر و جلوگیری از تجاوز[۲] افراد بجان و مال یکدیگر از وظایف[۳] شهربانی
است .
حفظ امنیّت راهها و نقاط خارج از شهر بعهدهٔ ادارهٔ ژاندارمری است .
آباد کردن شهرها ، پاکیزه نگاهداشتن کوچه ها ، تهیّهٔ آب و روشنائی ، تهیّهٔ ارزاق[۵]
عمومی و حفظ بهداشت مردم از وظایف شهرداری است .

---

۱ منظّم و مرتّب کردن ۲ دست درازی ۳ وظیفه ها . تکلیفها ۵ خواربار

درس دستور زبان فارسی

تمرین

چنانکه در درسهای پیش خواندید ، صفت کلمه ایست که حالت و چگونگی اسم را
برساند . اکنون برای هر یک از اسمهای زیر صفتی که مناسب باشد ذکر کنید .

مثال مرد : مرد خوب

مرد . درخت . روی . پول . باغ . گل . زمستان

درد . بلبل . همنشین . چمن . آفتاب . ماه . دفتر

مرغ . هوا . باد . تن . آسمان . شمشیر .

انشاء :

بپایان رسد کیسهٔ سیم و زر
نگردد تهی کیسهٔ پیشه ور

ازاین شعر چه میفهمید ؟ دربارهٔ آن ۳ سطر بنویسید .

درس جغرافیا

پنج منطقهٔ سطح زمین

نور و حرارت سطح کرهٔ زمین از خورشید است . چون وضع تابش خورشید بهمه جای سطح زمین یکسان نیست بدین سبب گرما هم در تمام قسمتهای سطح زمین یکسان نمیباشد .

سطح زمین از نظر گرما پنج قسمت تقسیم میشود که هریک را منطقه میگویند ، ازاینقرار : منطقهٔ منجمد شمالی ، منطقهٔ منجمد جنوبی ، منطقهٔ حارّ ، منطقه معتدل شمالی و منطقهٔ معتدل جنوبی .

سردترین قسمتهای زمین اطراف دو قطب شمال وجنوب است . آب در این
نقاط همیشه منجمد یعنی یخ بسته است ؛ بهمین مناسبت اطراف قطب شمال را منطقهٔ
منجمد شمالی و اطراف قطب جنوب را منطقهٔ
منجمد جنوبی مینامند .

نواحی استوائی یعنی اطراف خط استوا
گرمترین نقاط زمین است ؛ بهمین سبب آنرا
منطقهٔ استوائی یا منطقهٔ حارّ[1] میخوانند .
این منطقه مانند کمربندی دور زمین را فرا گرفته است .

میان منطقهٔ منجمد شمالی و منطقهٔ حارّ منطقهٔ معتدل شمالی واقعست ؛ و همچنین بین
منطقهٔ منجمد جنوبی و منطقهٔ حارّ منطقهٔ معتدل جنوبی قرار دارد .

در دو منطقهٔ منجمد شمالی و منجمد جنوبی هوا بسیار سرد و درخت و گیاه کمیاب است .
حیوانات عمدهٔ این دو منطقه سگ و خرس سفید میباشد . مردمیکه در این
منطقه ها زندگی میکنند لباسشان از پوست سگ و خرس و امثال این حیوانات و مسکنشان[2]
خانه های یخی است که در برف و یخ درست میکنند .

---

۱ گرم   ۲ منزلشان - مسکن یعنی منزل .

هوا در منطقهٔ حارّه بسیار گرم است و مردم در سراسر سال جامه های نازک پنبه ای و یا کتانی میپوشند . در اغلب نقاط این منطقه بارانهای پیاپی میبارد . جانوران و درختان تنومند و قوی در این منطقه زیاد دیده میشود .

در دو منطقهٔ معتدل شمالی و جنوبی هوا نه باندازهٔ منطقه های منجمد سرد و نه بقدر منطقهٔ استوائی گرم است . در این دو منطقه انواع درخت و گیاه و همه قسم حیوان اهلی و وحشی یافت میشود . متمدن ترین مردم روی زمین در این دو منطقه ساکن اند .

نقاط گرم را گرمسیر و جاهای سرد را سردسیر میگویند .

نسبت بکودکان و زیردستان مهربان باشید

مکن جور(۱) بر کودکان ای پسر — که یکروزت(۲) افتد بزرگی بسر

نمیترسی ای گرگک(۳) کم خرد — که روزی پلنگیت از هم درد؟

بخردی درم(۴) زور سرپنجه بود — دل زیردستان زمن رنجه بود(۵)

بخوردم یکی مشت زورآوران(۶) — نکردم دگر زور بر لاغران(۷)

«سعدی»

---

۱ ظلم و ستم ۲ یکروز ترا ـ مقصود آن است که یکروز از بزرگی میافتی و زیردست میگردی ۳ گرگ کوچک

۴ بخردی درم یعنی در هنگام خردی و کودکیم ۵ آزرده ۶ زورداران ـ پهلوانان ۷ [illegible]

درستگوئی و راستگوئی

تا نیک ندانی که سخن عین صواب[۱] است
باید که بگفتن دهن از هم نگشائی

گر راست سخن گوئی و در بند[۲] بمانی
به زآنکه دروغت دهد از بند رهائی

«سعدی»

---

۱ عین صواب یعنی مطابق با واقع و حقیقت ۲ بند: زنجیر - در بند بودن یعنی زندانی بودن.

تمرین - آنچه از دو شعر بالا میفهمید بیان کنید و بنثر بنویسید.

درس علم الاشیاء

آهن - چُدن - فولاد

آهن از معروفترین و مفیدترین فلزات است.

برای بدست آوردن آهن سنگهای معدنی آهن دار را در کوره های مخصوص میریزند و حرارت زیاد میدهند تا آهن آب و از سنگ جدا شود، آهنهای آب شده از پائین کوره خارج و در ظرفی جمع میشود.

چُدن و فولاد همان آهن است که قدری زغال بدان افزوده اند، زغال فولاد کمتر از زغال چدن است.

آهن بواسطهٔ محکمی و سختی که دارد در ساختن بیشتر اسباب و آلات زندگانی و تماشینها بکار میرود، از میخهای کوچک، قفل، بیل، کلنگ، تبر و تیشه تا تیر آهن

و چرخ ماشینهای بزرگ همه از آهن ساخته میشود بطوریکه میتوان گفت که در اسباب زندگی بشر چیزی نیست که یا خود از آهن نباشد و یا برای ساختن آن آهن بکار رفته باشد .

آهن در آب و جاهای نمناک زنگ میزند بهمین جهت تیر آهنهائی را که در ساختمان بکار میبرند باید رنگ کنند تا زنگ نزند ونیز ظروف آب وشیر ومانند اینها را اگر از آهن معمولی باشد ، باید رنگ کرد .

آهن سفید همان آهن معروف ومعمولی است که با قلع یا روی بترتیب مخصوصی سفید کرده اند تا زنگ نزند . لوله ها و ورقه های آهن سفید را که در ساختمان بکار میبرند بهمین قسم تهیه کرده اند .

فولاد یا پولاد از آهن سخت تراست وآنرا برای ساختن تیغ ، چاقو ، فنر ، ریل یعنی راه آهن آهن وغیر اینها بکار میبرند .

از چدن مجسمه ، پایه چراغ وخیلی چیزهای دیگر درست میکنند که از آن جمله است دیگها وآفتابه های چدنی که هنوز در اغلب روستاها[1] وبعض شهرها بکار میرود .

---

۱ روستا : ده

صد هزار درخت خرما

گویند روزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام بار گرانی[1] از هستهٔ خرما بر شتر نهاده بخارج شهر میبرد. از او پرسیدند چه در بار دارد؟ فرمود اگر خدا بخواهد صد هزار درخت خرما.

حضرتش، با آنکه جانشین پیغمبر صلعم و زمامدار کشور پهناور اسلام بود، با دست خود آن هسته‌ها را کاشت و آنقدر زحمت کشید و مراقبت کرد تا نخلستانی[2] بوجود آمد و در خلال آن بثمر رسید؛ بعد نخلستان را وقف بر فقرا و مستمندان کرد تا از آن بهره‌مند شوند.

۱ـ گران اینجا یعنی سنگین ۲ـ نخل یعنی درخت خرما و نخلستان جائی است که در آن درخت خرما زیاد باشد

درس جغرافیا

گرفتن ماه و خورشید

همچنانکه زمین بشکل کره است و دور خورشید میگردد ماه هم بشکل کره است و دور زمین میچرخد. کرهٔ ماه از زمین کوچکتر است و مانند زمین حرارت و نور را از خورشید میگیرد.

لابد دیده اید که ماه در آسمان بشکلهای مختلف نمایان میشود؛ گاهی کمانی و بسیار باریک است که هلال نامیده میشود، گاهی بشکل یک قرص کاملاً گرد نورانی است که آنرا بدر میگویند، گاهی هم اصلاً دیده نمیشود. هروقت موقع غروب آفتاب اولین

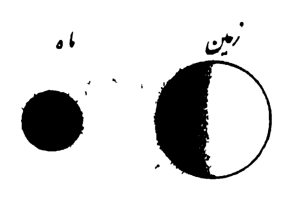
هلال در آسمان دیده شود . روز بعد را اول ماه قمری میگیرند و ۲۹ یا ۳۰ شبانه‌روز باید بگذرد تا دوباره ماه بهمین شکل دیده شود . این مدت را یک ماه قمری میگویند

خسوف یا گرفتن ماه - گاه اتفاق میافتد که در شبِ بدر تمام یا قسمتی از قرص ماه تیره میشود و ممکن است این تیرگی چند ساعت طول بکشد ؛ در این موقع میگویند ماه گرفته است . با یک آزمایش ساده علت گرفتن ماه را میتوان فهمید :

این آزمایش را یا در اطاق تاریک یا هنگام شب میتوان انجام داد . دو توپ لاستیکی که یکی بزرگتر از دیگری باشد ، یا دو سیب کوچک و بزرگ، و یک شمع برای این آزمایش کافیست . شمع را روشن میکنیم ؛ آنگاه دو توپ را در دو طرف شمع نگاه میداریم ؛ خواهیم دید که هر دو روشن است بعد هر دو توپ را در یک طرف شمع قرار میدهیم بطوریکه توپ بزرگ بین شمع و توپ کوچک واقع شود و هر سه در یک خط مستقیم قرار گیرند . در این حال خواهیم دید که توپ بزرگ روی توپ کوچک سایه میاندازد وآنرا تاریک میکند .

اگر در این آزمایش بجای شمع خورشید ، بجای توپ بزرگ زمین و بجای توپ کوچک ماه را فرض کنیم بآسانی میفهمیم که اگر کرهٔ زمین میان ماه و خورشید قرار گیرد بطوریکه با آنها در یک خط مستقیم باشد نمیگذارد نور خورشید بماه بتابد ،

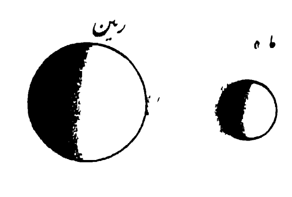
سایهٔ زمین روی ماه میافتد و ماه تاریک میشود ؛ در این موقع است



خورشید

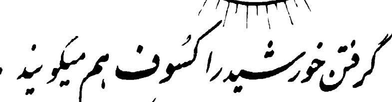
که میگویند ماه گرفته است . گرفتن ماه را **خسوف** هم میگویند .

کُسوف یا گرفتن خورشید - گاهی اتّفاق میافتد که ماه در ضمن حرکت خود
بین خورشید و زمین ، و با آنها در یک خط مستقیم ، قرار گیرد . در آنحال سایهٔ ماه
روی قسمتی از سطح زمین میافتد و آنرا تاریک میکند ؛ مردم آن قسمت از زمین تمام
یا پاره ای از قرص خورشید را نمی بینند در این موقع است که میگویند خورشید گرفته است .



خورشید

گرفتن خورشید را **کُسوف** هم میگویند .



در قدیم مردم جاهل از کُسوف میترسیدند و کارهای کودکانه میکردند ؛ ولی
ما حالا هیچ نمیترسیم زیرا میدانیم چطور میشود که ماه یا خورشید میگیرد و خسوف یا کسوف

میشود . بلی برحسب احکام دین در هنگام خسوف یا کسوف اذان میگوئیم وخدا را بزرگی یاد میکنیم که ما را همواره در روز از فروغ خورشید و در غالب شبها از تابش ماه بهره مند فرموده است ، ونیز بهمین مناسبت نماز آیات را که در تعلیمات دینی یاد گرفته ایم بجا میآوریم .

حکایت

روزی حجّاج از مدینه بیرون آمد تا در صحرا تفرّج[1] کند ؛ مردی دهقانرا دید که تخم بر زمین میافشاند[2] . چون نزدیک دهقان رسید گفت ای مرد حجّاج را میشناسی؟ گفت بلی ، مردی ظالم وخونخوار است چندانکه هرگز قدمی در راه خدا نگذارده وازستمکاری دمی نیاساید[3] . چون حجّاج این سخن بشنید دهقانرا گفت : اگرمرا نمیشناسی ، من حجّاجم . همینکه دهقان این بشنید حجّاجرا گفت : مرا میشناسی؟ من آنم که بسالی سه روز دیوانه شوم وامروز از آن جمله است . حجّاجرا خنده گرفت وگفت هرچند ترا سیاست[4] لازم بود امّا بدین کلام که گفتی از خون تو درگذشتم .

۱- گردش ۲- میپاشید ۳- راحت نباشد ۴- مجازات

درس علم الأشیاء

قلع - مس - روی - آلومینیم

قلع - قلع فلزیست سفید برنگ نقره ونرم که از سنگ معدن استخراج میشود .

قلع در اثر حرارت زود آب میشود و آنرا برای سفید کردن مس و لحیم کردن فلزات بکار میبرند .

چون قلع در هوا فاسد نمیشود ، چیزهائی مانند چای و بعضی داروها را که درمجاورت هوا و رطوبت فاسد میشوند در ورقۀ بسیار نازک قلع می پیچند تا سالم و محفوظ بمانند

حلبی ورقۀ آهن نازکی است که روی آن را قلع کشیده باشند .

قلع در ساختن بعضی از آهنهای سفید نیز بکار میرود .

مس - مس فلزی است سرخ رنگ که پس از صیقلی شدن خوشرنگ میشود . برای بدست آوردن مس سنگهای معدنی مسدار را حرارت میدهند تا مس از سنگ جدا شود . در بعضی معدنها مس خالص نیز یافته میشود . مس برخلاف آهن نرم است ومیتوان آنرا با چکش بصورت ورقه های نازک درآورد .

از مس دیگ ، کاسه ، سینی و ظروف دیگر میسازند . سیمهای برق نیز از مس ساخته میشود . اگر ظرف مسین را در جای مرطوب بگذارند و یا در آن ترشی بریزند زنگ میزند . زنگ مس سم خطرناکی است و هرگاه غذا بآن آلوده شود و انسان از آن غذا بخورد مسموم میگردد و اگر نمیرد بناخوشیهای سخت دچار میشود . ازاین جهت باید ظروف مسین آشپزی و غذاخوری را زود بزود با قلع سفید کرد .

روی ـ رویرا از سنگ معدن بدست میآورند . روی امروز بیشتر برای روپوش سیمهای آهن تلگراف و تلفن و ساختن آهن سفید بکار میرود . اگر رویرا با مس ذوب کنند فلزّی دیگر بنام برنج بدست میآید که بسیاری از لوازم زندگانی ما از آن ساخته میشود .

آلومنیم ـ آلومنیم هم از سنگ معدن بدست میآید . این فلز سبک وزن است و زنگ نمیزند ، امروزه بال هواپیما و غالب ظرفها و اثاثهٔ منزلرا از آلومنیم میسازند .

تمرین

در مطالب زیر اگر غلطی می بینید اصلاح کنید :

۱ـ سال چهار فصل دارد که بترتیب از اینقرارند : بهار ، زمستان ، تابستان و پائیز .

۲ـ هر ساعت ٥٤ دقیقه است .

۳ـ بغداد پایتخت افغانستان است .

۴ـ راه راست گم شدن ندارد .

۵ـ یعقوب لیث از سلجوقیان بود .

۶- سی و سه پل در شهر همدان است .

۷- بهترین قالیها در آلمان بافته میشود .

۸- وقتی میخواهیم از تهران بمشهد برویم از شیراز و یزد میگذریم .

۹- هر ماه درست چهار هفته است .

۱۰- چندسال یکمرتبه عاشورا با ماه رمضان میافتد ؟

۱۱- آنها که چشم ندارند کَرَند و نمیتوانند مزهٔ غذا را ببینند .

۱۲- پایتخت فرانسه پاریس است . پاریس یکی از شهرهای زیبای آسیا است

۱۳- میهن ما ایران است و ما میهن خود را از جان و دل دوست داریم .

۱۴- این شعر از سعدی شیرازی است :

توانا بود هر که دانا بود — بدانش دل پیر بُرنا بود

۱۵- سیمان را از گچ و آهک میسازند .

۱۶- مؤسس سلسلهٔ صفوی شاه عباس بزرگ بود .

۱۷- آهنگر کسی است که بیل و میز و کلنگ و صندلی میسازد .

۱۸- عُمر خیام از شهر نیشابور برخاسته است .

۱۹- گاهی موقع هلال ماه میگیرد .

۲۰ ـ خورشید وقتی میگیرد که بین زمین و ماه و با آنها در یک خط قرار گیرد .

۲۱ ـ برای درست کردن پنیر کره را با ماست مخلوط میکنند .

۲۲ ـ سیب میوهٔ خوشبو و خوشطعمی است .

۲۳ ـ اگر در خانه ای کتاب یافت شود آن را کتابخانه گویند .

۲۴ ـ سال دوازده ماه دارد و اسامی آنها بترتیب از این قرار است .

فروردین .	اردیبهشت .	خرداد
مرداد .	شهریور .	تیر
بهمن .	مهر .	آذر
اسفند .	دی .	آبان

۲۵ ـ ایران در منطقهٔ معتدل و کنار دریای مدیترانه واقع است .

۲۶ ـ بپایان رسد کیسه پیشه ور   نگردد تهی کیسهٔ سیم و زر .

۲۷ ـ برای آنکه بال هواپیما سنگین نباشد آنرا از سرب میسازند .

۲۸ ـ حس سامعه برای چشیدن و عضو آن زبان است .

۲۹ ـ در خط استوا همیشه شب و روز برابر است .

۳۰ ـ تبریز در شمال شرقی ایران و نزدیک مرز پاکستان است .

حمد خدا

حمد[1] بر کردگار[2] یکتا باد   که مرا شوق درس خواندن داد

آشنا کرد چشم من بکتاب   داد توفیق[3] خیرم از هر باب[4]

در سر من هوای[5] درس نهاد   در دل من محبت استاد

«ایرج میرزا»

۱- ستایش ۲- آفریدگار- خالق ۳- کامیابی ۴- باب: در از هر باب یعنی در هر کار
۵- میل

خط جواد شریفی

فهرست مطالب کتاب چهارم ابتدائی

فهرست دروس فارسی

فهرست دروس جغرافیا

فهرست دروس تاریخ

کارهای دستی و نقاشی